یا لیت الحسین کنت
چهارشنبه
۴ آذر ۱۴۰۵
۱۵ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۲۵ نوامبر ۲۰۲۶
سال سوم
قیمت: ۱۰ هزار تومان
شماره ۶۹۹
www.Agaah.ir
روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
آگاه
آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!



پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به چهارمین رویداد جایزه ملی جوانی جمعیت:

افزایش جمعیت و محوریت خانواده سیاست راهبردی است

۲

وقتی نفت ما فروش نمی‌رود چرا دیگران باید نفت بفروشند؟!

محاصره را با راهبرد «حاج قاسم» بشکنیم

۳

۱۳ جان‌باخته در واژگونی مرگبار اتوبوس در دهلران

تراژدی در مسیر دشت‌عباس

۷

درباره زیستن در ویترین؛ چگونه شبکه‌های اجتماعی زندگی روزمره را به پروژه «بی‌نقص‌سازی» بدل کردند؟

یک زندگی برای نزیستن

۵



دادگاه رسیدگی به پرونده شهدای مدرسه شجره طیبه میناب در دیوان عالی کشور تشکیل شد

نه می‌بخشیم؛ نه فراموش می‌کنیم

۳

جمعه مزاحمت!



مجتبی مشهدی محمد
دبیر گروه فرهنگ

این روزها، با نزدیک شدن به آخرین جمعه نوامبر و جمعه سیاه (بلک فرایدی)، آنچه بیش از خود «تخفیف» به گوش شهروندان می‌رسد، سیل اعلان‌ها و پیامک‌هایی است که هر یک به زبانی، اصرار بر «از دست ندادن فرصت» دارند. بلک فرایدی که در اصل رویدادی برای صرفه‌جویی مصرف‌کننده است، در عمل به آزمونی برای تحمل و حریم خصوصی کاربران ایرانی تبدیل شده است. نکته اما اینجاست که نقد این وضعیت، نه نقد یک مناسبت وارداتی، بلکه تاکید بر یک حق شهروندی روشن است: حق داشتن گوشی‌ای که تمام‌وقت به تابلوی تبلیغاتی دیگران تبدیل نشود. نخستین نوع مزاحمت، مزاحمت «کمی» و «زمانی» است. گزارش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از کاربران روزانه نزدیک به ۱۰ پیامک با موضوع تخفیف بلک‌فرایدی دریافت می‌کنند و این پیام‌ها «در ساعات مختلف شبانه‌روز» ارسال می‌شوند. مزاحمت در اینجا نه فقط در تعداد، بلکه در بی‌اعتنایی به زمان استراحت و تمرکز شهروند است. وقتی اعلان‌های تبلیغاتی «اعلان‌های مهم را زیر انبوهی از تبلیغات پنهان می‌کنند» و کاربر را به بی‌اعتنا شدن به همه اعلان‌ها وامی‌دارند، آسیب از سطح یک پیامک فراتر می‌رود و به کارکرد عادی گوشی و حتی امنیت روانی کاربر ضربه می‌زند.

دومین نوع، مزاحمتی است که می‌توان آن را «مزاحمت ساختاری» یا «ناتوانی در خروج» نامید. بسیاری از کاربران از اینکه نمی‌دانند چگونه این پیام‌ها را متوقف کنند کلافه‌اند. حتی وقتی کد دستوری *۸۰۰# برای قطع تبلیغات انبوه استفاده می‌شود، این راه‌حل «همه‌جانبه» نیست؛ زیرا بخشی از پیام‌ها از «سرشماره‌های اختصاصی» کسب‌وکارها ارسال می‌شوند و مشمول آن قطعی نمی‌شوند. این وضعیت یعنی شهروند برای بازیابی آرامش خود باید چند مسیر فنی متفاوت را طی کند و همین پیچیدگی، خودش نوعی مزاحمت مستمر است. سومین نوع، مزاحمتی است که مرز میان «تبلیغ» و «فریب» را برمی‌دارد. موج تبلیغات بلک‌فرایدی با «تخفیفات ۹۰ درصدی» و «قیمت‌های باورنکردنی» همراه است، اما در بسیاری از موارد، قیمت‌ها پیش از حراج بالا برده شده و سپس با برچسب تخفیف به قیمت قبلی بازمی‌گردند. این «تخفیف نمایشی» نه فقط مزاحمت، بلکه نوعی دست‌کاری در انتخاب آگاهانه مصرف‌کننده است. در چنین فضایی، پیامک تبلیغاتی از یک اطلاع‌رسانی ساده به ابزاری برای «فشار روانی» و «خرید هیجانی» تبدیل می‌شود.

چهارمین و خطرناک‌ترین نوع، مزاحمت امنیتی است. پیامک‌های بلک‌فرایدی تنها حامل متن تخفیف نیستند؛ برخی از آنها حاوی لینک‌هایی هستند که کاربر را به «درگاه‌های پرداخت جعلی» و صفحات فیشینگ هدایت می‌کنند. پلیس فتا بارها هشدار داده است که کلیک روی لینک‌های ناشناس در پیامک، واتساپ و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به «سرقت اطلاعات بانکی» منجر شود. در این حالت، مزاحمت از حد «مزاحم» فراتر می‌رود و به تهدید مستقیم امنیت مالی شهروند بدل می‌شود. نکته مهم این است که نقد این وضعیت، نقد اصل تجارت الکترونیک یا حتی نقد برگزاری حراج نیست. همان نهادهای نظارتی نیز بر ضرورت شفافیت قیمت‌گذاری و مقابله با تخفیف‌های غیرواقعی تاکید کرده‌اند و اتاق اصناف طرح‌های نظارتی ویژه‌ای برای بلک‌فرایدی اجرا می‌کند. سامانه ۱۹۵ نیز برای ثبت شکایت پیامک‌های مزاحم در دسترس است. بنابراین مسیر حل مسئله، نه تعطیل کردن یک رویداد تجاری، بلکه اجرای دقیق‌تر قاعده‌ای است که پیشتر وجود دارد: ارسال پیامک انبوه تبلیغاتی بدون «اجازه قبلی» مشترک ممنوع است. جامعه‌ای که می‌خواهد اقتصاد دیجیتال خود را رشد دهد، ناچار است به «حریم خصوصی» به عنوان یک زیرساخت نگاه کند، نه یک امتیاز لوکس. کسب‌وکارها باید بیاموزند که تکرار بی‌رویه و بی‌اعتنا به زمان، نه وفاداری می‌آورد و نه فروش پایدار؛ چنانکه داده‌ها نشان می‌دهد بیش از نیمی از واکنش کاربران به بلک‌فرایدی در شبکه‌های اجتماعی منفی بوده است و نهادهای ناظر و قانون‌گذار نیز باید سازوکاری ساده، یکپارچه و قابل اجرا برای «خروج آسان» شهروند از فهرست‌های تبلیغاتی فراهم کنند تا *۸۰۰# به یک وعده ناتمام تبدیل نشود. «حراج» اگر قرار است بماند، باید رنگ و بوی «فرصت» بدهد، نه «مزاحمت». تفاوت این دو، در یک چیز است: احترام به حق شهروند در اینکه خودش تصمیم بگیرد چه وقت، از چه کسی و با چه پیامی مخاطب قرار گیرد.

واگذاری مدیریت بنگاه‌های دولتی در جریان اصلاحات «اصل ۴۴» زیر ذره‌بین قرار گرفت

تغییر ریل خصوصی‌سازی

واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی، پس از سال‌ها تجربه و آزمون و خطا، وارد مرحله تازه‌ای از اصلاح سازوکارها شده است؛ کمیسیون ویژه حمایت از تولید مجلس در جریان بررسی طرح اصلاح قانون اصل ۴۴، واگذاری مدیریت بنگاه‌ها را نیز به عنوان مسیری تازه برای عبور از موانع خصوصی‌سازی به تصویب رسانده است.

خصوصی‌سازی در اقتصاد ایران قرار بود نقطه پایان تصدی‌گری گسترده دولت و آغاز دوره‌ای تازه از فعالیت بخش خصوصی باشد؛ دوره‌ای که در آن دولت به جای اداره بنگاه‌ها، سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و نظارت را بر عهده بگیرد و میدان رقابت برای کارآفرینان و سرمایه‌گذاران واقعی باز شود. با این حال، آنچه در عمل طی سال‌های گذشته اتفاق افتاد، فاصله قابل توجهی با اهداف اولیه این سیاست داشت. بخشی از واگذاری‌ها نه تنها به شکل‌گیری بخش خصوصی توانمند منجر نشد، بلکه در مواردی مالکیت بنگاه‌ها از دولت به مجموعه‌هایی منتقل شد که همچنان از مناسبات و حمایت‌های دولتی برخوردار بودند؛ پدیده‌ای که به گسترش شرکت‌های خصولتی و تداوم تصدی‌گری غیرمستقیم دولت انجامید.

اکنون پس از سال‌ها تجربه در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، بحث اصلاح سازوکار خصوصی‌سازی بار دیگر در دستور کار مجلس قرار گرفته است؛ با این تفاوت که این بار تمرکز صرفا بر انتقال مالکیت نیست و واگذاری مدیریت بنگاه‌های دولتی نیز به عنوان یک ابزار اجرایی جدید مورد توجه قرار گرفته است. مصوبه اخیر کمیسیون ویژه حمایت از تولید و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ درباره الحاقیه ماده ۱۹ طرح اصلاح این قانون، نشانه‌ای از همین تغییر رویکرد است؛ تغییری که می‌تواند مسیر ورود بخش خصوصی واقعی به اداره بنگاه‌های اقتصادی را هموارتر کند.

اصل ۴۴؛ قانونی با ظرفیت‌های مغفول‌مانده

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۱۳۸۴ از سوی رهبر انقلاب ابلاغ شد و در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷ نیز با اصلاحات و الحاقاتی همراه بود. این سیاست‌ها بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی به سران سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شد و هدف اصلی آن، شتاب‌بخشی به رشد اقتصادی، ارتقای عدالت اجتماعی، افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری اقتصاد ملی و کاهش تصدی‌گری دولت بود.

بر اساس این سیاست‌ها، دولت باید از فعالیت‌های اقتصادی خارج از چارچوب‌های تعیین‌شده فاصله می‌گرفت و زمینه حضور گسترده‌تر بخش خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی را فراهم می‌کرد. همچنین واگذاری ۸۰ درصد سهام بنگاه‌های دولتی مشمول سیاست‌های خصوصی‌سازی، از جمله در صنایع بزرگ، بانک‌ها، بیمه‌ها و زیرساخت‌ها، در دستور کار قرار گرفت. شفافیت در قیمت‌گذاری، جلوگیری از شکل‌گیری انحصار و اصلاح ساختار مدیریتی بنگاه‌ها نیز از الزامات این فرآیند به شمار می‌رفت. اما با وجود این اهداف، اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ با چالش‌هایی روبه‌رو شد که بخشی از آنها به نحوه انتخاب خریداران، شیوه قیمت‌گذاری، ضعف نظارت پس از واگذاری و نبود سازوکارهای موثر برای تضمین استمرار فعالیت بنگاه‌ها بازمی‌گشت. در برخی موارد نیز انتقال مالکیت به مجموعه‌هایی که از توان مدیریتی و مالی لازم برخوردار نبودند، به تضعیف بنگاه‌ها، اختلال در تولید و بروز مشکلات کارگری منجر شد.

در واقع، تجربه خصوصی‌سازی در ایران نشان داد که انتقال سهام به تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده بهره‌وری و رشد اقتصادی باشد. چنانچه خریدار از اهلیت لازم برخوردار نباشد، رقابت شکل نگیرد و نظارت پس از واگذاری به درستی انجام نشود، حتی انتقال مالکیت نیز لزوما به بهبود عملکرد بنگاه منجر نخواهد شد.

خصولتی‌ها؛ حلقه مفقوده خصوصی‌سازی واقعی

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجرای اصل ۴۴، فاصله گرفتن فرآیند واگذاری‌ها از هدف اصلی آن، یعنی تقویت بخش خصوصی واقعی، بوده است. در بسیاری از موارد، بنگاه‌های دولتی به مجموعه‌هایی واگذار شدند که اگرچه در ظاهر غیردولتی بودند، اما همچنان به منابع، حمایت‌ها و ساختارهای تصمیم‌گیری دولتی وابستگی داشتند. به این ترتیب، به جای شکل‌گیری رقابت واقعی، بخشی از اقتصاد از مدیریت مستقیم دولت خارج شد، اما در اختیار مجموعه‌هایی قرار گرفت که همچنان از امتیازات و مناسبات بخش عمومی بهره می‌بردند.

جعفر قادری، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» با اشاره به ظرفیت‌های مغفول‌مانده اصل ۴۴ قانون اساسی، اجرای صحیح این اصل را یکی از الزامات توسعه اقتصادی کشور دانست و تاکید کرد که بدون باز شدن میدان برای فعالان واقعی بخش خصوصی، نمی‌توان انتظار جهش اقتصادی داشت. وی معتقد است اجرای درست اصل ۴۴ باید به فاصله گرفتن دولت از تصدی‌گری و تمرکز آن بر تنظیم‌گری و نظارت منجر شود؛ فرآیندی که در نهایت با فعال شدن بخش خصوصی، افزایش بهره‌وری و ایجاد اشتغال مولد همراه خواهد بود. قادری با انتقاد از استمرار حضور مجموعه‌های شبه‌دولتی و شرکت‌های خصولتی در اقتصاد، تصریح کرد: تا زمانی که اقتصاد در انحصار این مجموعه‌ها باقی بماند، نمی‌توان انتظار شکل‌گیری رقابت و کارآمدی را داشت. این نماینده مجلس، بخش خصوصی واقعی را کارآفرینی توصیف می‌کند که با سرمایه، پذیرش ریسک و نوآوری خود وارد میدان می‌شود؛ نه مجموعه‌ای که با اتکا به رانت، بنگاه دولتی را با قیمت پایین خریداری کند و پس از آن نیز از تسهیلات کلان بانکی بهره‌مند شود. از نگاه قادری، شفافیت، پرداخت مالیات، رقابت‌پذیری و تلاش برای افزایش کیفیت محصولات، ویژگی‌هایی است که بخش خصوصی واقعی را از مجموعه‌های برخوردار از حمایت‌های غیررقابتی متمایز می‌کند. بر همین اساس، دولت باید به جای مداخله در اداره بنگاه‌ها، امنیت سرمایه‌گذاری، ثبات قوانین و مقابله با انحصار را تضمین کند.

تجربه واگذاری‌ها؛ ضرورت بازنگری در سازوکار اجرا

اما با گذشت بیش از یک دهه از اجرای گسترده سیاست‌های خصوصی‌سازی، اکنون روشن شده است که بخشی از مشکلات به ساختار و شیوه اجرای فرآیند واگذاری بازمی‌گردد. بازگشت برخی بنگاه‌ها به دستگاه‌های دولتی، اختلافات و ابهامات پس از واگذاری و مقاومت دستگاه‌ها در برابر انتقال مالکیت، نشان می‌دهد که سازوکار پیش‌بینی‌شده برای خصوصی‌سازی در همه شرایط نتوانسته است اهداف مورد انتظار را محقق کند. از سوی دیگر، حساسیت‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از واگذاری بنگاه‌های بزرگ، به ویژه در صنایعی که با اشتغال گسترده و معیشت خانوارها ارتباط دارند، ضرورت طراحی روش‌های دقیق‌تر و منعطف‌تر را افزایش داده است. در چنین شرایطی، اصلاح قانون باید علاوه بر رفع خلأهای حقوقی، به دنبال ایجاد ابزارهای اجرایی تازه‌ای باشد که هم مقاومت در برابر واگذاری را کاهش دهد و هم امکان حضور موثر بخش خصوصی را فراهم کند. در همین چارچوب، کمیسیون ویژه حمایت از تولید و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مجلس بررسی طرح اصلاح این قانون را در دستور کار قرار داده است؛ طرحی که یکی از محورهای مهم آن، بازنگری در شیوه واگذاری بنگاه‌ها و استفاده از ظرفیت‌های جدید برای تسریع خصوصی‌سازی است.

واگذاری مدیریت؛ مسیر تازه برای عبور از بن‌بست مالکیت

جدیدترین تحول در این زمینه، مصوبه کمیسیون ویژه حمایت از تولید در جلسه یکم آذر است. مریم عبداللهی، نماینده مردم میانه و ترکمانچای و سخنگوی این کمیسیون، در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» از بررسی و تصویب الحاقیه‌ای به ماده ۱۹ طرح اصلاح قانون اصل ۴۴ خبر داد که بر اساس آن، هیات واگذاری می‌تواند علاوه بر انتقال مالکیت، مدیریت شرکت‌های تحت کنترل دولت را نیز به بخش خصوصی واگذار کند. عبداللهی با اشاره به اینکه در سال‌های گذشته تمرکز اصلی خصوصی‌سازی بر انتقال مالکیت بنگاه‌ها بوده است، توضیح داد: همین رویکرد موجب شد فرآیند واگذاری‌ها در موارد متعددی با سرعت مورد انتظار پیش نرود و حتی بخشی از مالکیت بنگاه‌ها مجددا به دستگاه‌های دولتی، شرکت‌های شبه‌دولتی یا سازمان‌های عمومی غیردولتی منتقل شود. به گفته وی، در برخی موارد نیز واگذاری‌ها به دلیل تمرکز بر انتقال مالکیت با مشکلاتی مواجه شده و حتی بازگشت خورده است؛ موضوعی که ضرورت استفاده از روش‌های مکمل برای تحقق اهداف خصوصی‌سازی را نشان می‌دهد. بر اساس الحاقیه مصوب کمیسیون، سه الگو برای واگذاری مدیریت پیش‌بینی شده است: نخست، واگذاری صرف مدیریت بنگاه بدون انتقال مالکیت؛ دوم، واگذاری مدیریت همراه با انتقال بخشی از مالکیت و سوم، واگذاری مدیریت با این امکان که در طول دوره واگذاری، بخشی یا تمام مالکیت بنگاه نیز به منتقل‌الیه واگذار شود. نکته مهم در این مصوبه، تعیین چارچوب مشخص برای واگذاری مدیریت است. بر اساس توضیحات سخنگوی کمیسیون، مدیریت بنگاه‌ها صرفا باید به بخش خصوصی و تعاونی واقعی واگذار شود؛ موضوعی که با هدف جلوگیری از تکرار تجربه واگذاری‌های غیراثربخش و انتقال بنگاه‌ها به مجموعه‌های شبه‌دولتی در نظر گرفته شده است. عبداللهی معتقد است این تغییر رویکرد می‌تواند با توجه به مقاومت‌هایی که در مسیر انتقال مالکیت وجود دارد، فرآیند خصوصی‌سازی را تسهیل کند. به بیان دیگر، در شرایطی که دستگاه‌های دولتی معمولا در برابر واگذاری مالکیت بنگاه‌های تحت کنترل خود مقاومت بیشتری نشان می‌دهند، واگذاری مدیریت در قالب قراردادهای مشخص می‌تواند نخستین گام برای ورود بخش خصوصی به اداره این مجموعه‌ها باشد. وی همچنین کاهش حساسیت‌های نظارتی و مقاومت دستگاه‌ها را از مزیت‌های این روش دانست و تاکید کرد که واگذاری مدیریت به افراد و مجموعه‌های دارای صلاحیت، در چارچوب قراردادهای مشخص، می‌تواند به تسریع فرآیند واگذاری بنگاه‌ها و تحقق اهداف خصوصی‌سازی کمک کند.

از تغییر مالکیت تا اصلاح حکمرانی اقتصادی

البته واگذاری مدیریت به تنهایی نمی‌تواند همه مشکلات خصوصی‌سازی را برطرف کند. موفقیت این رویکرد به نحوه تنظیم قراردادها، تعیین دقیق اختیارات مدیر جدید، مشخص بودن شاخص‌های عملکرد، نظارت بر تعهدات و پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی وابسته است. اگر حدود مسئولیت مدیر، نحوه ارزیابی عملکرد و تکلیف سرمایه‌گذاری و اشتغال مشخص نباشد، ممکن است واگذاری مدیریت نیز به تجربه‌ای کم‌اثر تبدیل شود. از این منظر، لازم است در کنار تصویب چارچوب قانونی، معیارهای احراز صلاحیت مدیریتی و مالی، شفافیت انتخاب واگذارگیرندگان و سازوکار نظارت بر عملکرد آنها نیز به صورت دقیق تعیین شود. همچنین باید مشخص باشد که در صورت عدم تحقق اهداف قرارداد، چه ضمانت‌هایی برای اصلاح عملکرد یا خاتمه واگذاری وجود خواهد داشت.

نکته دیگر آن است که واگذاری مدیریت نباید به ابزاری برای استمرار کنترل غیرشفاف دولت بر بنگاه‌ها تبدیل شود. هدف اصلی باید ایجاد استقلال عملیاتی، افزایش بهره‌وری و فراهم کردن امکان رقابت برای مدیران و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی باشد؛ در غیر این صورت، صرف تغییر مدیر بدون اصلاح ساختار تصمیم‌گیری و مناسبات مالی بنگاه، تحول معناداری ایجاد نخواهد کرد. در مجموع، تجربه چند دهه اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ نشان می‌دهد خصوصی‌سازی را نمی‌توان صرفا با تعداد بنگاه‌های واگذارشده یا میزان سهام منتقل‌شده ارزیابی کرد. معیار اصلی، میزان افزایش بهره‌وری، بهبود کیفیت مدیریت، رشد سرمایه‌گذاری، حفظ و توسعه اشتغال و شکل‌گیری رقابت واقعی در اقتصاد است. مصوبه اخیر کمیسیون ویژه حمایت از تولید درباره واگذاری مدیریت بنگاه‌های دولتی را می‌توان تلاشی برای عبور از نگاه صرفا مالکیت محور به خصوصی‌سازی دانست؛ رویکردی که در صورت تکمیل با ضوابط شفاف و نظارت موثر، می‌تواند فرصت تازه‌ای برای حضور بخش خصوصی واقعی در اقتصاد فراهم کند. اکنون باید دید این تغییر ریل در ادامه فرآیند قانون‌گذاری تا چه اندازه به اصلاح ساختار واگذاری‌ها و تحقق هدف اصلی اصل ۴۴، یعنی واگذاری اقتصاد به مردم، منجر خواهد شد.

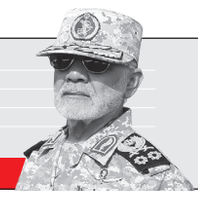

سرلشکر عبداللهی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح:
جابه‌جایی پایگاه‌های آمریکا تغییری برای مقابله با تهدیدها ایجاد نمی‌کند

هشدار فرمانده کل ارتش به دشمن:
تنگه را تنگ‌تر می‌کنیم



امیر سرلشکر امیر حاتمی، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی سخنانی در جمع فرماندهان، معاونان، مسئولان و مدیران نیروهای ارتش در دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش که به‌صورت دورسخنی در کلیه یگان‌های ارتش نیز انجام شد، با اشاره به جایگاه توان نظامی کشور، گفت: ما درباره منظومه قدرت جمهوری اسلامی ایران که شامل مولفه‌های «نظامی، سیاسی، اجتماعی و ژئوپلیتیک» است، صحبت کرده و گفته بودیم اگر جنگ شود، می‌توانیم به خوبی از آن استفاده کنیم، اما دشمنان باور نکرده بودند. وی با تاکید بر ماهیت دفاعی عملیات‌ها، اظهار کرد: ما با آمریکای مدعی ابرقدرتی جنگیدیم که دنباله آن رژیم صهیونیستی است که چند کشور اطراف خود را ظرف ۶ روز شکست داد، لذا در حوزه نظامی، تصور دشمن این بود که با توجه به جنگ ۱۲ روزه، بعد از سه چهار روز دیگر نمی‌توانیم شلیک کنیم، اما تا روز آخر شلیک کردیم، پس از جنگ هم دوباره ۱۰ تا ۱۲ روز که درگیر شدیم، شلیک‌ها انجام شد و در حال حاضر هم وضعیت ما بحمدالله بسیار خوب است و به اهدافمان در دفاع رسیده‌ایم. فرمانده کل ارتش با قدردانی از حضور نزدیک به ۹ ماهه مردم در خیابان‌ها و اجتماعات شبانه، افزود: ملت عزیز در حوزه قدرت اجتماعی کار بزرگی انجام دادند، دشمنان تصور می‌کردند با به شهادت رساندن رهبر شهیدمان به عنوان ستون خیمه، ایران فروخواهد ریخت، غافل از اینکه امام شهید، با شناخت عمیق از مردم شریف ایران، نهادسازی کرده‌اند و بعثت امروز مردم بیدار، نتیجه همان تدبیر ارزشمند است.

راهبرد جنگ منطقه‌ای؛ تدبیر رهبر شهید

سرلشکر حاتمی با اشاره به اینکه اصل کار را رهبر و امام شهید (رضوان الله تعالی) تدبیر کردند، تاکید کرد: زمانی رهبر شهید فرمودند اگر اشتباه کرده و حمله کنید، جنگ منطقه‌ای خواهد شد، بسیاری در آن زمان عمق این راهبرد را متوجه نشدند اما با وقوع جنگ متوجه تدبیر رهبر شهیدمان شدند. وی تنگه هرمز را قدرت ژئوپلیتیک و بخشی از منظومه قدرت جمهوری اسلامی ایران دانست و خاطرنشان کرد: بعد از جنگ تحمیلی سوم، تصویر شکست ناپذیری آمریکا را تغییر دادیم و ایران اسلامی تبدیل به قدرت جهانی شد و نشان داد یک لقمه گلوگیر است و هرکس که بخواهد آن را ببلعد، حتما خفه خواهد کرد. عضو شورای دفاع، در تبیین منطقه‌ای شدن جنگ، افزود: با منطقه‌ای شدن جنگ، ما توانستیم با توسعه عمودی و افقی جنگ، اولا از یک قدرت منطقه‌ای به قدرت جهانی تبدیل شویم و تاثیر این قدرت را همه در جهان احساس کردند. ثانیا اجازه ندادیم دشمن درد جنگ را فقط به ملت ایران تحمیل کند بلکه جنگ طلبان نیز درد جنگ را در پمپ بنزین‌ها و اتاق‌های پذیرایی خود احساس کردند. سرلشکر حاتمی اظهار کرد: فرماندهی کل قوا در دیدار فرماندهان نیروهای مسلح، راهبردهای جدی ابلاغ کردند و بر این اساس، اگر دشمن برای نجات از مخمصه خودساخته، دست به حماقت جدید بزند و جنگ دیگری را شروع کند، در مرحله جدید، ضربات شدیدتر، کوبنده‌تر و بدون محدودیت جغرافیایی خواهد بود که ما اکنون برای اجرای این راهبردهای جدید طرح‌های عملیاتی جدیدی تدوین و مقدمات اجرای آن را مهیا کرده‌ایم. وی تصریح کرد: با اجرای این طرح‌ها، اگر این بار به زیرساخت‌های ما ضربه‌ای وارد شود، به صورتی به زیرساخت‌های آنها ضربه می‌زنیم که دیگر به سادگی قابل برگشت نیست. فرمانده کل ارتش با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران، امروز بدون محدودیت جغرافیایی طرح‌ریزی‌های خود را انجام می‌دهد، تاکید کرد، درد جنگ را ما بنا نیست به تنهایی تحمل کنیم، هرکسی که به دشمن کمک کرده و با او همراهی داشته باشد، باید درد جنگ را تحمل کند و ما این کار را انجام خواهیم داد.

زمان و شرایط را ما تعیین می‌کنیم

سرلشکر حاتمی، با اشاره به راهبرد دیگر فرمانده کل قوا، اظهار کرد: ایشان فرمودند در صورت جنگ جدید، شرایط و زمان را ما تعیین می‌کنیم، ملت ایران با تاسی از فرهنگ عاشورا و تاریخ غنی خود، تا هرزمان که لازم باشد، ایستادگی خواهد کرد. وی افزود: امروز دشمن در استیصال و در حالت انفعال است و در صورت آغاز جنگی جدید، از چاهی که امروز در آن قرار دارد، به درون چاه عمیق‌تری فرو خواهد رفت. فرمانده کل ارتش در پایان با تاکید بر اینکه ما باید سایه جنگ را از سر کشور برداریم، به وضعیت نه جنگ، نه صلح پایان دهیم و تحریم‌های ظالمانه را از سر کشور برداریم، تصریح کرد: بر این اساس و تا تحقق این اهداف که با اجرای شروط هفت‌گانه جمهوری اسلامی ایران، امکان آن میسر می‌شود، تنگه هرمز بازنخواهد شد و روز به روز بسته‌تر می‌شود و مدیریت قوی‌تری بر آن اعمال خواهد شد.

«آگاه» برونداد نشست‌های اخیر بنیاد باران را بررسی کرد
اتاق فکر دولت یا گعده‌های سیاسی یاران خاتمی

بنیاد باران، که در سال ۱۳۸۴ با هدف بهره‌گیری از تجربیات دوران ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی شکل گرفت، اکنون بار دیگر با تلاشی تازه به فضای عمومی بازگشته است. برگزاری نشست‌ها و هم‌اندیشی‌های اخیر با حضور مدیران سابق و چهره‌های کلیدی دوران اصلاحات، نشان از آن دارد که این بنیاد قصد دارد به عنوان اتاق فکر، دوباره نقش خود را در فضای سیاسی بازتعریف کند. یکصد و چهل و هفتمین نشست تخصصی «بنیاد باران» سه‌شنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۵ همزمان با سالروز تولد رئیس دولت اصلاحات و با موضوع «گذارهای جهانی، زنجیره ارزش و معماری توسعه ایران» در کتابخانه ملی برگزار شد. سخنران این مراسم عباس آخوندی بود که به بررسی نسبت امنیت و توسعه در جهان کنونی پرداخت و سپس خاتمی نیز به ایراد سخنانی کوتاه پرداخت. هرچند خبرنشست مذکور رسانه‌ای شد اما تصاویر خاتمی اصلاح‌طلب با عصا بیشتر از متن خبر در مجازی و ایرال شد. دیروز (سه شنبه) نیز نشست تخصصی بارانی‌ها با موضوع «توسعه و بازسازی ایران در پرتو تحولات نظام بین‌الملل» در مرکز همایش‌های نور تشکیل شد. اما در این میان، پرسش کلیدی و بنیادین مطرح است: هدف از این تجمیع تجربه چیست؟

پاسخ: باید یادمان باشد که شخصیت‌های حاضر در این نشست‌ها، تنها مدیران سابق نیستند؛ آنها کسانی هستند که در انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری، نقش موثری در حمایت از پیروزی مسعود پزشکیان داشتند و با استقرار نامزدشان در مقام ریاست‌جمهوری با مسئولیت مهمی روبه‌رو هستند. رئیس‌جمهور اکنون نماینده تمام مردم ایران است اما با این حال یاران سیاسی و مشاوران رئیس جمهور اسبق، وظیفه‌ای فراتر از هم‌اندیشی صرف دارند. اگر بنیاد باران می‌خواهد در جایگاه اتاق فکر برای دولت فعلی عمل کند، نباید صرفا به برگزاری جلسات، تبادل نظر و ثبت عکس در رسانه‌ها اکتفا کند. تجربه مدیران پیشین، زمانی ارزش واقعی پیدا می‌کند که به راهکارهای ملموس و پیشنهادات کاربردی برای دولت تبدیل شود. اگر این نشست‌ها نتوانند مسیر توسعه و بازسازی ایران را در پرتو تحولات بین‌الملل، به صورت برنامه‌های عملیاتی در اختیار دولت قرار دهند، تنها به دورهمی تبدیل خواهد شد و تاثیری نخواهد داشت. انتقال تجربه و ارائه راهکار به دولت، وظیفه همگان به‌ویژه حامیان پروپاقرص دولت وفاق ملی است تا این اتاق فکر (بنیاد باران)، واقعا به موتور محرک سیاست‌گذاری‌های دولت تبدیل شود، نه اینکه تنها به مرکز تولید روایت‌ها و مرور خاطرات بسنده کند.

پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به چهارمین رویداد جایزه ملی جوانی جمعیت:
افزایش جمعیت و محوریت خانواده، سیاست راهبردی است

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در پیامی با اشاره به چهارمین رویداد جایزه ملی جوانی جمعیت، سیاست «افزایش جمعیت با محوریت خانواده» را یک سیاست راهبردی و از مهمترین مولفه‌های اقتدار و پیشرفت ایران برشمردند و تاکید کردند: بی‌شک هر ایرانی غیور که خواهان آینده‌ای روشن و با شکوه برای این آب و خاک و مردمان آن باشد، انگیزه و اراده‌ای قوی برای امتداد نسلی ایرانیان در تراز تمدن نوین اسلامی خواهد داشت.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی که دیروز توسط مرضیه وحیددستجردی، دبیر ستاد ملی جمعیت در این رویداد قرائت شد، به این شرح است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

برگزاری چهارمین رویداد ملی جوانی جمعیت، مناسبت خوبی برای صحبت در مورد مسئله خطیر جمعیت است. در میان مولفه‌های اقتدار و پیشرفت و دستیابی به ایران هرچه قوی‌تر، مسئله افزایش جمعیت آینده ایران عزیز با حفظ همه جهات مطلوبه کمی و کیفی، از اهم آن به شمار می‌آید. این مسئله راهبردی و سرنوشت ساز که در دهه‌های اخیر بارها مورد تاکید رهبر عظیم الشان شهید اعلی‌الله مقامه الشریف قرار گرفته بود، هم در به فعلیت رساندن قوت‌ها و در خلق و ارتقای فرصت‌های متعدد علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و هم در دفع و رفع تهدیدات و بدخواهی‌های دشمنان، موثر است.

به نظر می‌رسد که بعد از غفلتی ممتد و خسارت‌بار که بر صحنه برنامه‌ریزی و مدیریت امور کشور حاکم شده بود، اینک در اثر بعضی اقدامات، مجالی فراهم شده تا مردم



و مسئولان با نگرشی عمیق‌تر به این مسئله بپردازند.

در توجه به شئون مختلف جمعیت و ملزومات و مایحتاج آن در انواع عرصه‌ها، گاه خانواده و گاه فرد، معیار سنجش امور می‌باشد. در بعضی از امور از قبیل مسکن و بسیاری از کالاها و خدمات، مصرف‌کننده و کاربر آن، خانواده و در بعضی دیگر از قبیل خوراک، پوشاک و اموری مرتبط با سلامت، فرد به عنوان واحد معیار در نظر گرفته می‌شود. مسئله دستیابی به جمعیت مطلوب از اموری است که هر دو جهت در آن دخالت دارد. از این رو پرداختن به انواع زیرساخت‌ها و جهات مرتبط با تحکیم بنیان خانواده، یک عنصر دائمی در مسیر تلاش برای اصلاح منحنی جمعیت کشور خواهد بود؛ همچنان که رسیدگی به شئون فردی مرتبط نیز لازم است.

توجه جدی و کلان به امر تسهیل ازدواج در سن جوانی، تامین سلامت فردی، که خود وابسته به امور متعدده‌ای است، حمایت از فرزندآوری، ترویج فرهنگ خانواده‌محوری و معرفی نمونه‌های موفق در این زمینه هریک به‌منزله قدمی موثر در مسیر قوی‌ترشدن ایران است. همچنین تبیین صحیح این مطالب برای آحاد ملت و به‌خصوص جوانان هم کمکی دیگر در این جهت خواهد بود.

بی‌شک هر ایرانی غیور که خواهان آینده‌ای روشن و با شکوه برای این آب و خاک و مردمان آن باشد، انگیزه و اراده‌ای قوی برای امتداد نسلی ایرانیان در تراز تمدن نوین اسلامی خواهد داشت. عمیقا امیدوارم با جبران کاستی‌های ناشی از بعضی سیاست‌های گذشته جمعیتی و پیگیری مجدانه سیاست صحیح و راهبردی افزایش جمعیت جوان و محوریت خانواده در این مقوله، میهن عزیزمان از گردنه خطیر و مرحله سرنوشت‌سازی که در آن قرار داریم، به سلامت عبور نماید و با توفیقات الهی و دعای خیر و برکت سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، اسباب نزول برکات الهی بر ایرانیان که پرچم‌داران حق و عدالت در این روزگار به شمار می‌آیند، هرچه بیشتر و بهتر فراهم شود، بمنه و کرمه.

سیدمجتبی خامنه‌ای
۳ آذر ۱۴۰۵

گزارش «آگاه» درباره سفر رئیس جمهور به خراسان رضوی را بخوانید
سفرهای استانی و دستیابی به نقشه راه اجرایی کارآمد



مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، روز گذشته راهی خراسان رضوی (مشهد) شد. این سفر با هدف حضور میدانی، گفت‌وگو با اقشار مختلف مردم، بررسی ظرفیت‌ها و مسائل استان و پیگیری موضوعات مهم در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، دانشگاهی و زیرساختی برنامه‌ریزی شد و در طول سفر، رئیس جمهور با گروه‌های مختلف و فعالان حوزه‌های گوناگون دیدار خواهد داشت. سفرهای استانی فرصتی برای تقویت ارتباط مستقیم دولت با مردم و مسئولان محلی، شنیدن مسائل و مطالبات، شناخت دقیق‌تر ظرفیت‌های منطقه‌ای و پیگیری راهکارهای عملی برای حل مشکلات استان‌هاست.

عالی‌ترین مقام اجرایی کشور در حالی از پاستور به مشهد رفت که دوم آذر محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس جمهور و مسئول سفرهای استانی رئیس دولت، در نشست گفت‌وگوی مسئله محور با تشکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد بدون آنکه نامی از استانی ببرد با اعلام اینکه برنامه‌ای برای سفرهای رئیس جمهور طراحی شده که البته این برنامه به دلیل جنگ، مقداری تاخیر یافت، گفت: «ما در هر سفر استانی، بیش از ۵۰ یا ۶۰ درصد وقت را صرف گفت‌وگو با مردم می‌کنیم. این گفت‌وگوها با دانشگاه‌ها، تشکل‌های اقتصادی و حتی تشکل‌های فرهنگی انجام می‌شود. از روزنامه‌نگاران گرفته تا فعالان محیط زیست و هنرمندان، همگی در این عرصه حضور دارند. سعی می‌کنیم در حضور رئیس جمهور، این گفت‌وگوها شکل بگیرد.»

پس از آنکه هواپیمای رئیس قوه مجریه و هیات همراه در فرودگاه هاشمی‌نژاد به زمین نشست، برنامه‌ها سریع در دستور کار قرار گرفت. رئیس جمهور به زیارت مضجع شریف و نورانی حضرت علی‌بن موسی‌الرضا (ع)، امام هشتم شیعیان، مشرف شد. سپس با حضور در جوار مزار مطهر رهبر شهید و معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای و آیت‌الله وحیدی خراسانی به مقام شامخ ایشان ادای احترام کرد.

دیدار و رایزنی با تولیت آستان قدس رضوی و فعالان حوزه‌های مختلف از جمله برنامه‌های دیگر رئیس دولت چهاردهم بود.

رئیس دستگاه اجرا در دیدار با حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مروی با تاکید بر ضرورت توجه ویژه به مسائل معیشتی و اقتصادی مردم، مشارکت و همراهی آحاد جامعه را از الزامات تحقق برنامه‌های توسعه‌ای کشور دانست و بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و نهادهای عمومی در پیشبرد نهضت توسعه عدالت آموزشی توصیه و همچنین با اشاره به ضرورت اصلاح الگوی مصرف، مدیریت منابع و نهادینه‌سازی فرهنگ صرفه‌جویی، بر نقش‌آفرینی همگانی در استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و امکانات کشور تاکید کرد.

رئیس جمهور پزشکیان ۱۳ شهریور سال ۱۴۰۳ به همراه تعدادی از وزرا و معاونان خود به مشهد سفر و بدین ترتیب، سفرهای داخلی دولت چهاردهم را از بهشت هشتم آغاز کرد. او در آن مقطع بعد از ورود به مشهد، در مسیر پیاده‌روی زائران امام‌رضا (ع) حضور یافت و ضمن هم‌قدم شدن با زوار پیاده، از روند خدمت‌رسانی دستگاه‌های مربوطه و موکب‌ها بازدید کرد؛ حقیقتا تصاویر زیبا از این پیاده‌روی در رسانه‌ها ثبت و ضبط شد. سفرها به صورت منظم استمرار داشت اما به دلیل تهاجم نظامی آمریکا و رژیم صهیونی به کشورمان و به شهادت رساندن تعدادی از مسئولان کشوری و لشکری، سفرهای استانی متوقف شد و در نهایت سفرها به وقت آذر سال ۱۴۰۵ دوباره از مشهد امام رضا (ع) کلید خورد. هرچند شخص دوم کشور به صورت رسمی سفر استانی نداشت، ولی معاون اجرایی او سفرها را انجام می‌داد و مصوبات را پیگیری می‌کرد تا فقط به گزارش‌های مدیران استان (استانداران) بسنده نشود.

حال که سفرها از سر گرفته شد باید به یک اصل اساسی اشاره کرد. رایزنی با مسئولان استانی و نهادهای مهم مانند آستان قدس رضوی، بسیار کلیدی است و این دیدارها نباید صرفا به گزارش وضعیت ختم شود، بلکه باید به دنبال همگام‌سازی منابع و نیازها باشد، یعنی پیدا کردن این نکته که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های موجود در هر استان برای حل گره‌های اقتصادی و زیرساختی استفاده کرد. ضمن آنکه ارزش سفرها در ماهیت نتایج پس از آن است.

بزرگ‌ترین چالش پیش روی دولت چهاردهم، مدیریت و پیگیری مصوبات سفرهای استانی است. هر سفر، با وعده‌ها، مطالبات و مصوباتی همراه است. اگر این مصوبات در لایه‌های اداری قرار گیرد، تنها به رویداد خبری تبدیل خواهند شد و اثر ملموسی نخواهد داشت. مردم و رسانه‌ها، نه به دنبال تعداد سفرها، در اصل به دنبال تعداد حل‌وفصل‌های واقعی مشکلات و معضلات مردم هستند. پیگیری دقیق مصوبات، نظارت بر اجرای آنها در استان‌ها و تبدیل آن گفت‌وگوها به توسعه زیرساختی، راهی است که می‌تواند این حرکت را به تحول پایدار تبدیل کند.

به عبارت دیگر، این سفرها باید بستری برای تلاقی اراده‌ها باشد؛ جایی که قدرت اجرایی دولت با اعتبار و توان نهادهای مردمی و مذهبی، همگام شود تا بتوان از ظرفیت‌های پراکنده که همان خواست و نظر رئیس جمهور است به نحو مطلوب بهره برد. هدف نهایی، تبدیل این گفت‌وگوها به نقشه راه اجرایی دقیق است؛ نقشه‌ای که در آن، هر ظرفیت محلی، دقیقا در جای درست خود برای حل مشکل واقعی به‌کار گرفته شود.

در نهایت، بازگشت رئیس جمهور به استان‌ها، پاسخی به نیاز مبرمی است که از سوی مردم و همچنین بر اساس توصیه‌های راهبردی «آقای شهید ایران» مطرح شده است. این حرکت، نشانه پختگی مدیریت است که می‌داند برای حل مسائل، باید در قلب مسئله حضور داشت. اما موفقیت این مسیر، در گرو دو عامل مهم است: صداقت در روایت و سرعت در اجرا. اگر این سفرها بتوانند پل ارتباطی میان تصمیمات پایتخت و نیازهای محلی را مستحکم کنند، ما شاهد تحولی خواهیم بود که در آن، مدیریت کشور از سیستم متمرکز و دور، به سیستمی پویا تبدیل می‌شود.

«آگاه» به بررسی متن و حواشی جلسه روزگذشته خانه ملت می‌پردازد
میدری در یک قدمی استیضاح

سه‌شنبه‌های نظارتی از مجلس یازدهم به صورت ویژه در دستور کار وکلای مردم در بهارستان قرار گرفت. به این صورت که وزیری یا عضوی از کابینه به نهاد قانون‌گذاری کشور دعوت می‌شود یا به سوال نمایندگان پاسخ می‌دهد یا گزارشی از کارکردشان به مجلسی‌ها می‌دهد. در همین راستا روز گذشته احمد میدری در هرم سبزخانه ملت حضور یافت و به پرسش نماینده مردم تهران پاسخ داد. پیش از این نیز (۲۶ آبان) عبدالناصر همتی، سکاندار ساختمان شیشه‌ای میرداماد، به مجلس رفته بود و درباره برنامه‌ها و اقدامات بانک مرکزی با نمایندگان سخن گفته بود. مجلس شورای اسلامی روز گذشته در حالی تشکیل جلسه داد که با حاشیه‌هایی همراه بود. محمدباقر قالیباف در نطق خود نسبت به اتفاقات روز یک‌شنبه که منجر به لغو جلسه علنی شد انتقاد کرد و گفت: «مجلس محل تضارب آراست و قانون آیین‌نامه داخلی، سازوکارهای متنوعی برای بیان و پیگیری اعتراض نمایندگان را در نظر گرفته است و مردم بارها و بارها شاهد تندترین اعتراضات از تریبون مجلس بوده‌اند و همچنان این امکان برای نمایندگان وجود داشته و خواهد داشت، اما اینکه چند نفر برای تحمیل خواسته خود، مانع برگزاری صحن مجلس شوند، رویه‌ای بسیار خطرناک است که نباید اجازه داد به امری عادی و کم‌هزینه تبدیل شود تا از تکرار آن برای همیشه جلوگیری کرد.»

بعد از آنکه نمایندگان وارد دستور کار شدند، خبر رسید حمید رسایی به همراه جمعی از نمایندگان در جایگاه هیات‌رئیسه مجلس حاضر شد و با محمدباقر قالیباف روبوسی کرد. تبلت او هم که قبلا مسدود بود، فعال شد و توانست در صحن مشارکت داشته باشد.

حمیدرضا حاجی‌بابایی که ساعاتی ریاست جلسه را برعهده گرفت، ضمن تشکر از مصافحه نماینده تهران با رئیس قوه مقننه از همکارانش در مجلس درخواست کرد، سخنی که موجب ادامه پیدا کردن این موضوع شود، بیان نکنند و توجه داشته باشند امروز بزرگ‌ترین دشمن آمریکاست و همه با هم برادریم و برادرانه در کنار یکدیگر قرار خواهیم گرفت. بعد از تذکر او نمایندگان حاضر در صحن شعار «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» سر دادند!

اما اصل ماجرا به حضور وزیر کار به مجلس برمی‌گردد. او برای پاسخ به سوال زینب قیصری، نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس و تعداد دیگری از نمایندگان از خیابان آزادی به مجلس رفت و پس از طرح سوالات و پاسخ‌های وزیر، نمایندگان با (۱۰۷) رای موافق، (۱۱۵) رای مخالف، (۷) رای ممتنع از (۲۵۶) نماینده حاضر به صورت حضوری و وبیناری، از پاسخ‌های وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی قانع نشدند. به این ترتیب میدری سومین کارت زرد خود را از مجلس دوازدهم دریافت کرد.

اینکه چرا در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به سیاست‌های کلی تامین اجتماعی، ابلاغی مقام رهبری عمل نمی‌شود و اینکه دلیل بلاتکلیفی و عدم ثبات مدیریتی در شرکت تاپیکو چیست؟ دو سوال طرح شده از سوی نماینده تهران از وزیر کار بود. طبق ماده ۲۰۹ آیین‌نامه داخلی مجلس، دریافت سه کارت زرد، مسیر استیضاح را هموار می‌کند. این یعنی اگر نمایندگان تصمیم بگیرند، استیضاح باید بر اساس همان سوالاتی انجام شود که منجر به دریافت کارت‌ها شده است. نکته مهم آنجاست که نایب‌رئیس مجلس نسبت به اجرای این بند از آیین‌نامه تاکید کرد.



وقتی صحبت از استیضاح وزیری در میان است، باید از دو زاویه به آن نگاه کرد:

۱. از نظر نظارتی: استیضاح می‌تواند ابزاری باشد برای بازنگری در سیاست‌های یک وزارتخانه. این حرکت به دولت نشان می‌دهد چقدر نیاز به توجه به مسائل مطرح‌شده توسط نمایندگان به‌ویژه در حوزه‌های معیشتی و اقتصادی وجود دارد. این فرآیند می‌تواند باعث دقت بیشتر در پاسخگویی و اصلاح مسیرهای اجرایی شود.

۲. از نظر مدیریت و ثبات اجرایی: از سوی دیگر، باید به این نکته هم توجه داشت که تغییر در رأس یک وزارتخانه، فرآیند زمانبری است. در شرایط فعلی، جایگزینی یک وزیر و استقرار مدیریت جدید، می‌تواند باعث وقفه کوتاهی در برنامه‌های جاری آن وزارتخانه شود. بنابراین، بحث بر سر این است که آیا استیضاح، راهکاری سریع برای حل مشکلات است یا فرآیندی که می‌تواند مدیریت امور را با چالش روبه‌رو کند. به راستی آیا استیضاح در این مقطع، راهگشای چالش‌های فعلی خواهد بود یا خیر؟



حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری، رئیس دیوان عالی:

شهادت دانش‌آموزان میناب سند جنایت آمریکا و رژیم صهیونیستی است

چهارشنبـه/ ۴ آذر ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۹

وقتی نفت ما فروش نمی‌رود، چرا دیگران باید نفت بفروشند؟!

محاصره را با راهبرد «حاج قاسم» بشکنیم



دشمن آمریکایی ما بسیار به نتایج محاصره دریایی امید بسته است. اگر دشمن تاکنون تجاوز نظامی را در دستور کار قرار نداده، به علت آن است که امید دارد ایران به واسطه محاصره دریایی از درون فروبپاشد. فراموش نکنیم که اعمال محاصره دریایی در قبال ما، درواقع همان موشکباران شهرهای ماست. محاصره یک کنش متجاوزانه و خصمانه است؛ ما باید به هر طریق ممکن این محاصره را بشکنیم. نباید اجازه دهیم که جنگ یک طرفه علیه ما ادامه داشته باشد.

یکی از بهترین روش‌ها برای شکستن محاصره دریایی دشمن، اتخاذ راهبرد شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی است. حاج قاسم در مقطعی که تهدیدات دشمن آمریکایی برای جلوگیری از فروش نفت ایران شدت گرفته بود، در یک سخنرانی گفت: اگر نفت ایران به فروش نرسد، اجازه فروش نفت را به هیچ یک از فروشندگان منطقه‌ای نمی‌دهیم و به واسطه ۱۷۰۰ کیلومتر پهنه ساحلی خود و جزیره استراتژیک هنگام، هر سوپرتانکر حامل نفت و مشتقات نفتی را هدف قرار می‌دهیم. دشمن آمریکایی اکنون هم از طریق تنگه هرمز و هم از طریق شاتل‌های شرکت اماراتی ادنوک و هم توسط پترولاین یا همان خط لوله شرق به غرب عربستان سعودی در حال انتقال نفت از منطقه است؛ طبق راهبردی که حاج قاسم به ما آموخته است، باید همه این ظرفیت‌ها را زیر ضربه سنگین قرار دهیم و از مماشات و مسامحه پرهیز کنیم. همان‌طور که در ایام جنگ ۴۰ روزه، رزمندگان ایران اسلامی، مبدا تجاوز اعم از عربستان، قطر، امارات، بحرین و کویت را زیر ضربه می‌بردند، در جنگ محاصره‌ای در جریان نیز باید روش‌هایی که محاصره ایران را تسهیل کرده، زیر ضربه ببریم. نمی‌شود ما نفت نفروشیم و دیگران که سرسپردگان شیطان آمریکایی هستند، از فروش نفت، درآمد کسب کنند.

بازی اعراب در نقشه آمریکا، برای‌شان گران تمام می‌شود

دشمن آمریکایی باید بداند که نمی‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های کشورهای منطقه، مسیرهای جایگزین صادرات نفت را فعال نگه دارد و همزمان اقتصاد ایران را تحت فشار محاصره دریایی قرار دهد. امنیت اقتصادی منطقه نمی‌تواند برپایه محروم‌سازی ایران تعریف شود. راهبرد جمهوری اسلامی ایران باید بر این اصل استوار باشد که هیچ سازوکار اقتصادی و ترانزیتی نباید به ابزاری برای تشدید فشار بر ملت ایران تبدیل شود. هرگونه همکاری کشورهای منطقه در اجرای محاصره آمریکایی، مسئولیت سیاسی و حقوقی مستقلی به دنبال خواهد داشت و کشورک‌های حاشیه خلیج فارس، باید بدانند که بازی در نقشه ضدایرانی آمریکایی‌ها برای‌شان گران تمام خواهد شد.

نمی‌توان پذیرفت که ایران از حق طبیعی خود برای تجارت و صادرات انرژی محروم شود، اما سایر بازیگران منطقه‌ای از همان شرایط جغرافیایی و ظرفیت‌های اقتصادی برای کسب درآمدهای کلان بهره‌مند شوند. این تناقض باید به چالش کشیده شود. ما علاقه‌مند بودیم این تناقض را با دیپلماسی به چالش بکشیم اما ظاهرا در شرایطی فعلی، دیپلماسی مولفه‌ای کارآمد نیست و باید ناگزیر، به تسلیحات و قوای نظامی‌مان متوسل شویم.

کشورهای منطقه باید بدانند که همراهی با سیاست‌های محاصره‌گرانه واشنگتن، به معنای قرارگرفتن در مسیر تشدید تنش‌هاست. راه تامین امنیت پایدار منطقه، همکاری برابر و احترام به حقوق اقتصادی همه کشورهای منطقه است. منطق بازدارندگی ایجاب می‌کند که جمهوری اسلامی در برابر هرگونه اقدام خصمانه، پاسخی سنجیده، متناسب و قاطع داشته باشد و اجازه ندهد فشار اقتصادی به ابزاری برای تحمیل اراده سیاسی دشمن تبدیل شود. پیام ایران به واشنگتن و متحدان منطقه‌ای آن باید روشن باشد؛ نمی‌توان امنیت و رفاه اقتصادی را برای دیگران تضمین کرد، اما حق تجارت و توسعه اقتصادی ملت ایران را نادیده گرفت. دوران تحمیل معادلات یک‌طرفه پایان یافته است.

ضرورت تحمیل هزینه سخت به دشمن محاصره‌گر

طرف مقابل اراده و توان پاسخ‌گویی ملت ایران به محاصره اقتصادی و دریایی را دست‌کم گرفته است. دشمن باید بداند که فشار بر ملت ایران، بدون هزینه و پیامد نخواهد بود. جمهوری اسلامی ایران نباید اجازه دهد که دشمن با بهره‌گیری از ابزار محاصره، معادلات اقتصادی و امنیتی منطقه را یک‌طرفه به نفع خود تغییر دهد. راهبرد شهید حاج قاسم سلیمانی به ما آموخت که در برابر فشارهای حداکثری، نباید صرفا در موضع دفاعی باقی ماند؛ بلکه باید با ابتکار عمل نظامی، هزینه تداوم فشار را برای طرف مقابل افزایش داد.

امنیت انرژی در منطقه مفهومی یک‌طرفه نیست. نمی‌توان انتظار داشت که امنیت صادرات انرژی برای دیگران برقرار باشد، اما منافع اقتصادی ایران نادیده گرفته شود. محاصره دریایی صرفا یک اقدام اقتصادی نیست، بلکه ابزاری برای اعمال فشار سیاسی و تضعیف اراده ملی است؛ از این‌رو مقابله با آن نیازمند راهبردی جامع، هوشمندانه و مبتنی بر منافع ملی است. همان‌گونه که شهید سلیمانی بر ضرورت ایجاد بازدارندگی در برابر تهدیدات آمریکا تاکید داشت، امروز نیز باید نشان دهیم که امنیت و ثبات منطقه بدون رعایت حقوق و منافع ملت ایران امکان‌پذیر نخواهد بود. دشمن باید بداند که فشار حداکثری، لزوما به تسلیم منجر نمی‌شود؛ گاهی همین فشارها زمینه‌ساز شکل‌گیری اراده‌ای مستحکم‌تر برای عبور از محدودیت‌ها و بازتعریف معادلات منطقه‌ای خواهد شد.

این یک بلوف سیاسی نیست

امنیت صادرات نفت در منطقه، یک مولفه به هم‌پیوسته و متقابل است. نمی‌توان جریان صادرات نفت ایران را مختل کرد و انتظار داشت که چنین اقدامی هیچ تاثیری بر امنیت انرژی، مسیرهای انتقال نفت و منافع اقتصادی سایر کشورهای منطقه نداشته باشد. این یک بلوف سیاسی یا تهدید تبلیغاتی نیست، بلکه بیان یک واقعیت راهبردی مبتنی بر جغرافیا، ژئوپلیتیک و وابستگی متقابل در اقتصاد جهانی انرژی است.

همزمان با تشدید حلقه‌های محاصره، دشمن جنگ روانی را نیز تشدید کرده است. چندی پیش کانال ۱۵ تلویزیون رژیم صهیونیستی اعلام کرد که واکنش ایران به محاصره دریایی آمریکا، آغاز یک عملیات نظامی گسترده توسط اسرائیل و آمریکا علیه ایران را تسریع خواهد کرد. هدف دشمن از این خبرسازی، ترساندن و ارعاب مسئولان و تصمیم‌گیران در ایران است تا مبادا برای شکستن محاصره دریایی، دست به کار شوند؛ چون در آن صورت کشور با تجاوز نظامی مواجه می‌شود. این در حالی است که همین حالا نیز دشمن با محاصره در حال تجاوز به ملت ایران است؛ فقط نوع تجاوز متفاوت است. بنابراین مسئولان ما باید بدانند که محاصره دریایی امروز نیز شکل دیگری از جنگ وجودی استکبار با ماست. فلذا جا دارد تا تمامی ظرفیت‌های نظامی را برای شکستن محاصره بسیج کنیم و در این میان از تهدیدات دشمن نهراسیم.

سفیر ایران در سازمان ملل:

ادعاهای بحرین تلاشی مزورانه برای تحریف واقعیت‌هاست



غلامحسین درزی، سفیر و نماینده ایران در سازمان ملل، در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل و شورای امنیت درباره ادعاهای بحرین، نوشت: جمهوری اسلامی ایران این اتهامات بی‌پایه و اساس را قاطعانه رد می‌کند و آنها را تلاشی مزورانه برای تحریف آشکار واقعیت‌ها و وارونه جلوه دادن ماهیت اقدامات دفاعی ایران می‌داند؛ اقدامی که با هدف پنهان‌سازی عامدانه نقش انکارناپذیر بحرین در تسهیل و پشتیبانی از تجاوزات مستمر ایالات متحده علیه ایران صورت می‌گیرد.

سفیر و کاردار جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل در بخشی از این نامه آورده است: استفاده مستمر از قلمرو، حریم هوایی، پایگاه‌های نظامی، زیرساخت‌های لجستیکی و سایر تاسیسات برخی کشورهای منطقه خلیج فارس، به ویژه بحرین و کویت، برای مساعدت و پشتیبانی از اقدامات تجاوزکارانه ایالات متحده، از منظر حقوق بین‌الملل، واجد پیامدهای حقوقی مهم است. چنین اعمال متخلفانه بین‌المللی را نمی‌توان نادیده گرفت، مورد اغماض قرارداد، عادی‌سازی کرد یا از حیث حقوقی بی‌اهمیت جلوه داد. دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل تصریح کرد: هیچ دولتی نمی‌تواند با اجازه دادن به استفاده از قلمرو خود به عنوان سکویی برای تجاوز علیه یک دولت مستقل دیگر، از تعهدات بین‌المللی یا مسئولیت‌های ناشی از آن شانه خالی کند. دولت‌ها مکلف هستند از اجازه دادن آگاهانه به استفاده از قلمرو خود توسط دولت دیگر برای ارتکاب اقدامات تجاوزکارانه علیه دولت ثالث خودداری کنند. این تعهد، از جمله، در ماده ۳ بند (و) تعریف تجاوز، منضم به قطعنامه ۳۳۱۴ (بیست‌ونهمین اجلاس) مجمع عمومی، منعکس شده است.

سفیر و نماینده ایران در سازمان ملل تاکید کرد: از این‌رو، به غایت ریاکارانه و گمراه‌کننده است که بحرین به صورت گزینشی و نادرست به حقوق بین‌الملل، از جمله اصول حاکمیت، منع توسل به زور و حسن همجواری، استناد کند، اما در عین حال، پیامدهای حقوقی در اختیار قراردادن قلمرو و زیرساخت‌های نظامی خود برای انجام اقدامات نظامی غیرقانونی علیه یک کشور همسایه را نادیده بگیرد. بحرین به هیچ وجه نمی‌تواند از پیامدهای حقوقی اعمال متخلفانه بین‌المللی یادشده خود بگریزد.

مدیرکل دستگاه امنیت داخلی نوار غزه به شهادت رسید

وزارت کشور نوار غزه از شهادت سرتیپ نعیم محمد ابونحل، مدیرکل سرویس امنیت داخلی این منطقه خبرداد.

وزارت کشور نوار غزه بعدازظهر دیروز در بیانیه‌ای اعلام کرد سرتیپ نعیم محمد ابونحل، مدیرکل دستگاه امنیت داخلی این منطقه، به شهادت رسیده است. این وزارتخانه تاکید کرد سرتیپ ابونحل در پی حمله هوایی رژیم صهیونیستی به نوار غزه به شهادت رسیده است.

این وزارتخانه افزود: از زمان امضای توافق آتش‌بس شرم‌الشیخ در اکتبر ۲۰۲۵ (مهر ۱۴۰۴)، صدها فلسطینی در پی نقض مکرر این توافق از سوی رژیم صهیونیستی و تداوم حملات هوایی به مناطق مختلف نوار غزه به شهادت رسیده‌اند. رادیو ارتش رژیم صهیونیستی ادعا کرد نعیم ابونحل که در حمله رژیم صهیونیستی ترورشد، مسئولیت تامین امنیت مقام‌های ارشد جنبش حماس، شناسایی و تعقیب جاسوسان رژیم صهیونیستی و انجام ماموریت‌های امنیتی دیگر را برعهده داشت.

دادگاه رسیدگی به پرونده شهدای مدرسه شجره طیبه میناب در دیوان عالی کشور تشکیل شد

نه می‌بخشیم؛ نه فراموش می‌کنیم



دادگاه رسیدگی به پرونده شهدای مدرسه شجره طیبه میناب سه‌شنبه سوم آذر با حضور مقامات عالی قضایی و خانواده‌های معظم شهدا در دیوان عالی کشور برگزار شد.

در ابتدای این جلسه قاضی حسین زاده، رئیس شعبه ۵۵ دادگاه حقوقی ویژه دعاوی بین‌الملل تهران، با اعلام رسمیت جلسه، به تشریح مبانی صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به این پرونده پرداخت و با اشاره به صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به این دعوا اظهار کرد: دادگاه حقوقی تهران بر اساس مجموعه قوانین و مقررات داخلی موضوعه و همچنین با استناد به مقررات بین‌المللی که دولت ایران به عضویت آن درآمده است، خود را صالح به رسیدگی و استماع دادخواهی حاضر می‌داند. وی افزود: جلسه رسمی شعبه ۵۵ دادگاه ویژه رسیدگی به دعاوی بین‌الملل تهران برای رسیدگی به دادخواهی خانواده‌های شهدای مدرسه شجره طیبه میناب تشکیل شده است. خواندگان دعوا دولت ایالات متحده آمریکا، رئیس جمهور آمریکا و سران رژیم صهیونیستی معرفی شدند. خواسته، مطالبه خسارت مادی، معنوی و تنبیهی ناشی از تجاوز به مدرسه است.

رئیس دادگاه ادامه داد: در جلسه به استناد ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر درباره حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی و ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی درباره حق آزادی و امنیت استناد شد و همچنین بند ۳ ماده ۲ میثاق، در ارتباط با تعهد دولت‌های عضو به رعایت حقوق و آزادی‌های افراد، مبنای دیگری برای طرح دعوا عنوان شد. بر این اساس، دادگاه پذیرش دعوای مرتبط با سلب این حقوق را در چارچوب قوانین آیین دادرسی مدنی مطرح کرد.

هیچ‌گاه تا این حد حق را واضح و متبلور ندیده‌ام

در ادامه جلسه دادگاه، حسن عبدلیان‌پور، رئیس مرکز وکلای قوه قضاییه، در جایگاه قرار گرفت و اعلام کرد: امروز من و همکارانم صدای دادخواهی این خانواده‌ها و دفاع از حق کسانی که نامشان، رنجشان و آینده ربوده شده‌شان باید دیده شود هستیم. وی با اشاره به سابقه بیش از ۲۰ ساله خود در حرفه وکالت اظهار کرد: هیچ‌گاه تا این حد حق را واضح، آشکار و متبلور ندیده است. عبدلیان‌پور گفت: ما حق را همیشه میان کتاب‌ها، قوانین، مواد قانونی و لوایح حقوقی جست‌وجو می‌کردیم، اما آن را میان تکه‌های سوخته و مفقودشده در لابه‌لای تکه‌های ساختمان، میلگردها و آجرها یافتیم. حق در تکه‌های عزیزانی بود که قرار بود خلبان شوند، کودکانی که قرار بود معلم و پزشک شوند.

رئیس مرکز وکلا ادامه داد: از آن پس هر بار که در لوایح و اژه حق حیات نوشته می‌شود، تصویر همان کودکان میناب پیش چشم وکلاست؛ هر بار که خسارت معنوی نوشته می‌شود، به خانه‌ای می‌اندیشیم که صدای فرزندش از آن رفته است و هر بار که واژه جبران به کار می‌رود، با واژه‌ای روبه‌روییم که قانون از ما مطالبه می‌کند و داغ خانواده سنگینی معنای آن را بر جان ما می‌نشاند. هیچ دادنامه‌ای آغوش خالی مادر را پر نمی‌کند، اما دادنامه می‌تواند حق او را از زیر آوار بیرون بیاورد. عبدلیان‌پور با بیان اینکه خود را وکیل کلاس ریاضی، کلاس انشا، آموزگاران، کودکان، مجروحان، پدران و مادران این حادثه می‌داند، گفت: من وکیل کلاس ریاضی‌ام، جایی که جان کودکان بی‌گناه را از شمار زندگان کم کرده‌اند؛ وکیل کلاس انشایم، آنجا که موضوع دوست دارید در آینده چه کاره شوید در دفترها ماند و صاحبان آن آرزوها از میان ما رفتند؛ وکیل آموزگارانی‌ام که آمده بودند دست کودکان را برای نوشتن بگیرند و خود همراه آنان آسمانی شدند؛ وکیل کودکانی‌ام که دفترهای سوخته، کوله‌های خونین و آرزوهای مدفون شده‌اند؛ وکیل مجروحی‌ام که زخم آن صبح را با خود به فردا می‌برد؛ وکیل پدری که باید نبودن فرزندش را هر روز از نو تاب بیاورد و وکیل مادری که حق دارد از جهان بپرسد فرزند من در کلاس درس از کدام حمایت قانون برخوردار بود.

وی تصریح کرد که اگر سخنانش را با واژگان حقوقی آغاز نکرده، از آن روست که در محضر ۱۶۸ روح بلند حاضر در این محکمه و خانواده‌های‌شان و جانبازان این جنایت، هیچ کلمه‌ای را بزرگ‌تر از بیان مظلومیت انسانیت از دست‌رفته نیافته است.

در جریان جلسه دادگاه تصاویری از وضعیت دبستان شجره طیبه میناب پس از حمله و پیکر دانش‌آموزان جان‌باخته به نمایش درآمد؛ تصاویری تلخ که با واکنش عاطفی خانواده‌های شهدای این حادثه همراه شد. با پخش این تصاویر خانواده‌های دانش‌آموزان شهید که در جلسه حضور داشتند با چشمانی اشکبار به سوگواری پرداختند و برخی از حاضران نیز با صدای بلند شعار مرگ بر آمریکا سر دادند.

مستنداتی که بیانگر کاربری آموزشی مدرسه میناب است

در ادامه جلسه دادگاه، حسین تنهایی، وکیل خانواده‌های شهدای مدرسه شجره طیبه میناب، در جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده حمله به این مدرسه، با ارائه مستندات و مدارک گردآوری‌شده از سوی تیم وکلای خواهان‌ها به تشریح ماهیت آموزشی مدرسه، سابقه فعالیت، تعداد دانش‌آموزان و کارکنان و وضعیت فیزیکی و محیطی این مجموعه پیش از حمله پرداخت.

وکیل خانواده‌های شهدای میناب در بخش دیگری از اظهارات خود به تصاویر ماهواره‌ای اشاره کرد و گفت: تصاویر ماهواره‌ای دریافت‌شده از شرکت‌های تجاری ارائه‌دهنده این خدمات و همچنین تصاویر در دسترس عموم، از سال ۲۰۱۶ تا اول دسامبر ۲۰۲۵، یعنی زمان وقوع حمله، نشان‌دهنده استمرار کاربری آموزشی این فضا هستند.

وی با تاکید بر اهمیت این مستندات افزود: بر اساس مدارک ارائه‌شده، در داخل محوطه مدرسه و اطراف آن هیچ نشانه‌ای از استقرار سلاح، تجهیزات، مواضع یا فعالیت‌های نظامی مشاهده نمی‌شود. تنهایی ادامه داد: همان‌طور که در نقشه‌های ارائه‌شده مشخص است محیط پیرامونی مدرسه کاملا مسکونی بوده و کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف آن محل زندگی مردم شهر بوده است.

وی به بررسی‌های انجام‌شده از سوی هیات مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب اشاره کرد و گفت: این موضوعات به صورت جزئی مورد بررسی قرار گرفته و مستندات مربوط به آن نیز به دادگاه ارائه شده است. وکیل خانواده‌های شهدای مدرسه شجره طیبه میناب در پایان درخواست کرد: تقاضای ما از دادگاه این است که مدرسه بودن و ماهیت آموزشی محل وقوع حادثه احراز و این موضوع در پرونده به ثبت برسد.

روایت یک بازمانده

در ادامه، ریحانه مهدی‌خواه، دانش‌آموز بازمانده از حمله به مدرسه و خواهر شهید حنانه مهدی‌خواه، با اشاره به حضور خود به عنوان شاهد عینی این جنایت گفت: همه بازماندگان دچار آسیب جدی روحی شده‌اند. خانواده من بهترین مدرسه را انتخاب کرده بودند؛ مدرسه ما نظامی نبود و اگر هم نظامی بود باید دانش‌آموزانش اربا اربا می‌شد؟ آنها هیچ سلاحی نداشتند و با یک کیف و لوازم‌التحریر به مدرسه رفتند. این دانش‌آموز بازمانده افزود: نهم اسفند، مدرسه به عنوان خانه دوم ما بر سر ما خراب شد و آرزوهای ما بر باد رفت. پیش از اصابت موشک، مدرسه به‌شدت لرزید و به دلیل موج انفجار پرتاب شدیم. من و شماری از دانش‌آموزان زیر آوار ماندیم. اکنون بازماندگان ناچار به درمان‌های سخت شدند. وی ادامه داد: معلمم مرا از زیر آوار نجات داد. همکلاسی‌های من به‌شدت دچار سوختگی شدند. ان‌شاءالله رژیم اسرائیل و آمریکا به سزای اعمال‌شان برسند. ریحانه مهدی‌خواه یادآور شد: معلمم و پسرش به شهادت رسیدند. حتی اطراف مدرسه ما نیز منطقه نظامی نیست و منطقه کاملا مسکونی است.

تنها فرزندم را پس از ۲۵ سال انتظار از دست دادم

عباس جنگی‌چی‌مینابی، پدر شهید محمدمهدی جنگی‌چی‌مینابی، در جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده حمله به دبستان شجره طیبه میناب، با بیان اینکه فرزندش تنها فرزند خانواده بوده و پس از ۲۵ سال به دنیا آمده است از آرزوها، ویژگی‌های اخلاقی و لحظات تلخ روز حمله به مدرسه روایت کرد. وی با اشاره به علاقه فرزندش به قرآن و فعالیت‌های فرهنگی در مدرسه شجره طیبه گفت: محمدمهدی قاری قرآن مدرسه بود و در مراسم صبحگاه همراه با دیگر دانش‌آموزان قرآن تلاوت می‌کرد. او دوستدار ولایت بود و علاقه زیادی به درس خواندن داشت. آرزو داشت پلیس شود و در نهایت به‌عنوان محافظ مقام رهبری خدمت کند.

پدر این دانش‌آموز شهید با بیان اینکه خداوند پس از ۲۵ سال محمدمهدی را به او و همسرش عطا کرده بود اظهار کرد: محمدمهدی ۱۱ سال با ما زندگی کرد پسری شجاع، باهوش، درس‌خوان و دوست‌داشتنی که زندگی ما سرشار از محبت با او بود. جنگی‌چی‌مینابی درباره روز حادثه گفت: حدود ساعت ۱۱:۳۰ ظهر از مدرسه شجره طیبه با ما تماس گرفتند و خواستند برای بردن فرزندمان به مدرسه مراجعه کنیم. همزمان با شنیده شدن صدای انفجار خانه ما که حدود سه کیلومتر با محل حادثه فاصله داشت لرزید.

وی ادامه داد: من و مادر محمدمهدی سوار ماشین شدیم و به سمت مدرسه حرکت کردیم، اما به دلیل ازدحام خودروها و جمعیت و ترافیک، نتوانستیم مسیر را ادامه دهیم؛ بنابراین با دهان روزه پیاده به سمت مدرسه دویدیم. آن روز همه پدرها و مادرها برای رسیدن به فرزندان‌شان می‌دویدند من هم برای رسیدن به تنها فرزندم می‌دویدم، اما امروز دیگر محمدمهدی را ندارم. پدر شهید با توصیف وضعیت مدرسه پس از حمله افزود: وقتی به مدرسه رسیدم من و مادر محمدمهدی هرکدام به سمتی رفتیم. مدرسه به انبوهی از سیمان و میلگرد تبدیل شده بود و آوار روی هم انباشته شده بود. خانواده‌ها نمی‌دانستند چه اتفاقی برای فرزندان‌شان افتاده است و پیکرهای آسیب‌دیده دانش‌آموزان در محوطه مدرسه دیده می‌شد. وی با اشاره به مراجعه به بیمارستان برای یافتن فرزندش گفت: وقتی به بیمارستان رسیدم هنوز محمدمهدی را پیدا نکرده بودند. صحنه‌هایی دیدم که هرگز از خاطرم پاک نمی‌شود. جنگی‌چی‌مینابی با بیان اینکه پیکر فرزندش روز دوم پیدا و شناسایی شد، درباره وضعیت او هنگام شناسایی توضیح داد که محمدمهدی بر اثر انفجار دچار آسیب و سوختگی شده بود و هشت نفر از اعضای خانواده در شناسایی پیکر او حضور داشتند. وی در ادامه با اشاره به دادخواهی خانواده‌های شهدای میناب تاکید کرد: امروز اگر خانواده‌های شهدا گریه می‌کنند پشت این گریه بغضی برای انتقام از آمریکا و رژیم صهیونیستی وجود دارد. من امروز محمدمهدی را ندارم و زندگی بدون او برایم بسیار دشوار شده است. پدر شهید محمدمهدی جنگی‌چی‌مینابی در پایان از مسئولان قضایی خواست با جدیت به درخواست‌ها و پرونده‌های خانواده‌های شهدا رسیدگی کنند و ابعاد این حادثه را به طور ویژه مورد بررسی قرار دهند.

در پایان، لحظه تاریخی برافراشتن پرچم سرخ انتقام در دادگاه جنایت آمریکا و اسرائیل در مدرسه شجره طیبه میناب، ثبت و ضبط شد.

نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم؛ این گزاره‌ای است که بر ذهن و ضمیر هر ایرانی با شرف و با غیرتی در خصوص فاجعه میناب، جریان و سریان دارد. خون به ناحق ریخته شده و بدن‌های اربا اربای کودکان شهید و معصوم میناب تا ابد در حافظه جمعی ملت ایران می‌ماند. دستگاه قضا موظف است تکلیف مدارانه مجاهدت کند و در محاکم داخلی و مجامع بین‌المللی، مجازات آمران و عاملان جنایات جنگی در حق کودکان میناب را پیگیری و به سرانجام رساند.



داود نظری، معاون نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان شستا:

چالش اصلی هوش مصنوعی در سازمان‌ها مدیریت فناوری است

قطعه ۴۲
۲۷

از خط مقدم تهران تا نیمکت اول مهر

مرضیه کیان، خبرنگار گروه فرهنگ – روایت بیست‌وهفتم، شرح پاسداری غیور از دیار مردمان باوفا است که تن به آتش سپرد تا چتر امنیت از سر کودکان این خاک نیفتد. شهید مرتضی هاشمی، نیروی وظیفه‌شناس پلیس پیشگیری، ۲۸ خرداد در گرماگرم نبرد ۱۲روزه با خفاشان شب‌پرست صهیونیست، جان فدا نمود و در قطعه ۴۲ بهشت زهرا (س) آرام گرفت. پدری جوان که دلش پیش دخترک خردسالش بسنا ماند تا زنگ اول مدرسه او، سرآغاز ثبت غیرت پدران این مرز و بوم باشد.

بسم‌المعطر الحبیب. تهران جان! دردت به جانم. باز منم؛ همان راوی سمج قطعه ۴۲ بهشت زهرا (س). من که هر هفته جان به لب شدم تا از میان این غلغله و ترافیک لاکردار، پایم برسد به این بهشت خاکی. این شلوغی و سیاهی دود ماشین‌ها هم بلای جان شده، اما من دست بردار نیستم. امروز آمده‌ام کنج این قطعه بایستم و برایت قصه‌ای بگویم که طعمش با همه غصه‌ها فرق دارد. بوی کلانتری و لباس نظامی می‌آید، بوی مردانگی و شرف.

خوب گوش کن! هنوز صدای کشیده شدن پای نحیف دخترکی روی سنگریزه‌ها می‌آید. همین پارسال بود. طفلک معصوم حواسش پی بند کفشش نبود و آن را سست بست. یسنا را می‌گویم؛ دختر چهارساله مرتضی هاشمی. مردمی که دور این مزار حلقه زده بودند، آرام در گوش هم پچ‌پچ می‌کردند. حرف از ماه مهر بود و مدرسه‌ای که پاییز پیش رو باید درهایش به روی بچه‌ها باز می‌شد. حرف از یسنا بود که آن روز، در هوای داغ اولین روز تیر، مشت‌های کوچکش را گره کرده و هاج و واج به این مستطیل خاک چشم دوخت. مگر طفل خردسال سر از رفتن درمی‌آورد؟ او خیال می‌کرد پدرش رفته سر پست و با همان اونیفورم اتوکشیده برمی‌گردد تا او را روی هوا بچرخاند.

روز خاکسپاری در ردیف‌های قطعه ۴۲، همکاران مرتضی از پلیس پیشگیری با همان رخت و لباس سبز پاسبانی صف کشیده بودند. رفیق ۳۴ ساله‌شان را آورده بودند؛ جوانی رعنا و استوار که ۲۵ خرداد، درست در گرماگرم همان جنگ ۱۲روزه و در غوغای آتش و موشک صهیونیست‌ها، سینه سپر کرد، نفسش به شماره افتاد و آرام گرفت. مرتضی از همان‌هایی بود که توی مرامش نشستن و عافیت‌طلبی راه نداشت. برای او تهران فقط چند خیابان و کوچه نبود؛ ناموسش بود. هرشبی که من و تو زیر باد خنک سر راحت روی بالین می‌گذاشتیم، مرتضی تا خود صبح با چشم‌های عقابی‌اش کوچه‌ها را گز می‌کرد تا خواب هیچ زنی آشفته نشود و دزد و ناکس جرات نکند به حریم رعیت دست درازی کند.

حی لایموت شاهد است که مرتضی چقدر هوای این شهر را داشت، اما همه دنیا یک طرف بود و این دخترک شیرین‌زبان یک طرف. شب‌هایی که از گشت و پاسداری برمی‌گشت، خستگی ۱۲ ساعت دویدن توی گرما و سرما، با همان شیرین‌زبانی‌های یسنا دود می‌شد و می‌رفت هوا. ماه‌ها بود داشت برای پاییز نقشه می‌کشید. برای رفقایش تعریف می‌کرد و قند توی دلش آب می‌شد؛ دخترم دارد قد می‌کشد، امسال اول مهر خودم باید دستش را بگیرم. برایش روپوش می‌خرم، کیف کوله‌ای می‌اندازم روی دوشش و تا جلوی نیمکت کلاس همراهش می‌روم تا از زنگ اول نترسد. پدری که اینطور دلش برای دخترک پر بکشد، چطور تاب می‌آورد که او را در این دنیای خاکی رها کند؟

اما تهران جان! چرخ گردون بازی دیگری برایش نوشت. وقتی کفتارهای صهیونیست آسمان تو را نشانه رفتند و خواستند پای امنیت این خانه را بلرزانند، مرتضی اهل قایم شدن در پناهگاه نبود. او خوب فهمیده بود که اگر چتر امنیت پاره شود، نه برای یسنا مدرسه‌ای می‌ماند و نه برای هیچ طفل دیگری خنده‌ای. زد به دل خطر. در همان هجوم وحشیانه، ترکش کینه دشمن سینه‌اش را شکافت تا دل‌های ما نلرزد.

حالا خودت تماشاکن تهران! فرمانده کلانتری آمده، با قامتی شبیه کوه اما چشم‌هایی که از فرط حزن سرخ شده است. آمد جلو، کلاه از سر برداشت، رو به روی قد و بالای کوچک یسنا زانو زد، دست روی شانه نحیفش گذاشت و با صدایی که از حیا و غیرت می‌لرزید گفت: عمو جان! غصه نخوری‌ها؛ اول مهر خودم دستت را می‌گیرم. با همین ماشین پلیس و آژیر روشن می‌برمت دم در مدرسه، تا پای تخته سیاه می‌آورمت تا هیچ بچه‌ای خیال نکند یسنا تنها مانده است. جای خالی مرتضی را با خون دلمان پر می‌کنیم.

تهران جان! فدای خستگی‌هایت بشوم، تو بگو کجای دنیا چنین مردهایی پیدا می‌شوند؟ کجای این عالم چنین پیوندی میان خون و خاک بسته شده است؟ عرق همه ما درمی‌آید از دیدن نگاه مات این دخترک، اما دلمان قرص است که مرتضی اگر زیر خروارها خاک خفته، نامش تا ابد پشت این سنگر زنده است. اینجا زیر پای ما، مردی خوابیده که تمام دلشوره‌های یک پدر را با خودش به آسمان برد تا آرامش از این دیار رخت نبندد.

الهی که عمر ایران دراز باشد. این میهن بزرگ دل خوب می‌داند که باید هوای این بچه‌های چشم‌انتظار را داشته باشد. تهران! وقتی برگ‌های چنار در خزان‌های پاییز روی سنگفرش خیابان‌ها می‌ریزند و زنگ اول مدرسه‌ها به صدا درمی‌آید، هر سال یادت باشد چه جان‌های شیرینی فدا شدند تا دخترکان این شهر، با دل آرام مداد سیاه دست بگیرند و بنویسند: «بابا جان داد تا ما بمانیم». مقاومت به پیوست است، از طرف راوی قطعه ۴۲.



نگاهی به نمایش «آتریا» در رویداد ملی تئاتر بانوان «ایران‌دخت»

از قاب عکاسی جنگ تا کارگردانی تئاتر



رویداد ملی تئاتر بانوان «ایران‌دخت» به همت مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری انقلاب اسلامی، با شعار محوری «ایران همیشه سرافراز» گام در مسیر خلق آثاری مبتنی بر طراحی حرکت و نمایش فیزیکال نهاده است. این رویداد که تالارهای اندیشه، سوره، مهر و ماه و میادین شهر تهران را به کانون بازخوانی هویت بومی، ادبیات کهن و حماسه زنان بدل ساخته، اینک میزبان پدیده‌ای کم‌نظیر در تئاتر مقاومت است. نمایش «آتریا» به نویسندگی و کارگردانی فاطمه سارنج، هنرمند ۱۷ ساله و از نسل پویا و دغدغه‌مند دهه ۸۰ روی صحنه می‌رود؛ روایتی فیزیکال و تکان‌دهنده از ایستادگی کودکان که با شهادت مظلومانه زینب شادکامی، بازیگر خردسال و هم‌گروهی پیشین او، گره خورده و صحنه را به آوردگاه وجدان و دادخواهی انسانی بدل کرده است.

رویداد ملی تئاتر بانوان «ایران‌دخت» به همت مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری انقلاب اسلامی، بستری تخصصی و پیشرو برای تجلی ظرفیت‌های بیانی بانوان در عرصه هنرهای اجرایی است. این رویداد با محوریت «ایران همیشه سرافراز»، اولویت‌های خود را بر پایه تقویت همبستگی ملی، بازخوانی خلاقانه شاهنامه و ادبیات کهن از منظر بانوان و اهتمام به نقش محوری زنان در جنگ‌های تحمیلی اول، دوم و سوم و جبهه پایداری بنا کرده است. «ایران‌دخت» با تکیه بر آثاری مبتنی بر طراحی حرکت، پرفورمنس و تئاتر فیزیکال در تماشاخانه‌های مهر، ماه، سوره و تالار اندیشه و همچنین اجرای میدانی در تجمعات مردمی، تئاتر را از قاب‌های کلیشه‌ای به دل جامعه کشانده است. در میان آثار پذیرفته‌شده در بخش پرفورمنس، حضور نمایشی با عنوان «آتریا» با ایده‌پردازی متفاوت خود، از هم‌اکنون نوید اثری اثرگذار، جسورانه و ژرف را می‌دهد که کنجکاوی اهالی فن را برانگیخته است.

کارگردانی ۱۷ ساله در بطن رنج و حماسه

آنچه در نگاه نخست پیرامون نمایش «آتریا» شگفتی‌آفرین جلوه می‌کند، شناسنامه خالق آن است؛ فاطمه سارنج، متولد او اخر دهه ۸۰، در جایگاه نویسنده و کارگردان اثری ایستاده که با رواییو و دراماتیک آن تنه به تنه تجارب هنرمندان باسابقه می‌زند. حضور یک دختر ۱۷ ساله در صف اول کارگردانی تئاتر فیزیکال و مقاومت، تصویری درخشان و زنده از پویایی نسل نوپای ایران است؛ نسلی که برخلاف کلیشه‌های رایج، نه تنها از مسائل پیرامونی و دردهای جامعه و جهان غافل نیست، بلکه با دقتی مثال‌زدنی، جسارتی تحسین‌برانگیز و زبانی مدرن، خط مقدم فهم حقیقت و زبان هنر را به تسخیر خود درآورده است. او هنرمندی نیست که تصادفی به صحنه رسیده باشد؛ از هشت‌سالگی جهان فرم و تصویر را لمس کرده و با نگاهی موشکاف، سال‌ها در قامت عکاس مستند اجتماعی و جنگ به ثبت ویرانه‌ها و موقعیت‌های ملتهب پرداخته است. همین تجربه بصری کم‌نظیر در سن نوجوانی، به او توانایی شگرفی بخشیده تا ترکیب‌بندی قاب‌های فوتوژورنالیستی و حس تعلیق جنگ را با هندسه زنده تئاتر درآمیزد. سارنج با هدایت گروهی از بازیگران کودک و نوجوان چهار تا ۱۶ ساله در «آتریا»، چنان بر زبان بدن، نشانه‌شناسی حرکتی، ریتم و هارمونی صحنه مسلط است که اجرایش به مانیفستی درخشان از بلوغ فکری و هنری نسل دهه ۸۰ بدل می‌شود؛ نسلی که رنج معاصر را نه از دور، بلکه با گوشت و پوست ادراک کرده و آن را در هیات نور و حماسه فریاد می‌زند. «آتریا» نامی تمثیلی برای نمایشی است که از خاکستر خرابی‌ها جوانه می‌زند. در این اثر، بدن بازیگران به مثابه واژگانی رسا در فضایی انتزاعی اما نفسگیر به حرکت درمی‌آید. اثر از روایت خطی پرهیز می‌کند و در عوض، از طریق طراحی حرکت، تقابل شکننده میان معصومیت محض کودکانه و هجوم عریان خشونت را مجسم می‌سازد.

پرواز زینب شادکامی؛ زخمی که روی صحنه دهان بازکرد

پیش از شکل‌گیری ایده «آتریا»، فاطمه سارنج دو سال قبل در سال ۱۴۰۳ در جریان اجرای نمایش «دنیا و یه روز عجیب»، تجربه هم‌گروهی و همکاری با جمعی از بازیگران خردسال را داشت. در میان آن جمع، کودکی پرشور و سرشار از استعداد به نام «زینب شادکامی» می‌درخشید؛ دخترکی معصوم که با حضورش در صحنه و تمرین‌ها، لبخند و پویایی به ارمغان می‌آورد و سارنج از نزدیک شاهد ذوق، معصومیت و اشتیاق او به بازیگری بود. اما این روزهای روشن پایدار نماند. سه‌شنبه چهارم فروردین ۱۴۰۵، تاریخ به داغی فراموش‌نشدنی مزین شد. در جریان حمله جنایتکارانه رژیم صهیونیستی - آمریکایی به بافت مسکونی پایتخت در محدوده میدان امام حسین (ع) و خیابان دماوند، خانه زینب شادکامی هدف بمباران قرار گرفت. در یک لحظه سقف خانه فروریخت و زینب، همراه با مادر، پدر و برادر کوچکش درزیر آوار کینه‌توزی دشمن متجاوز به فیض شهادت نائل آمدند و به کاروان شهیدان پیوستند. پرواز ناگهانی و خونین این هم‌گروهی خردسال، جانی دوباره و دردی بی‌پایان به نگاه او بخشید. چشم‌های زینب و خاطره حضورش در صحنه، پرسشی بنیادین را در قلب فاطمه سارنج نشاند؛ در برابر صدای خرد شدن استخوان‌های کودکی زیر آوار، هنر چه وظیفه‌ای دارد؟ «آتریا» از دل همین خاکستر و سوگ شکل گرفت؛ عهدی میان او با دوست و هم‌گروهی خردسالش که اینک در خاک آرمیده، تا صدای بی‌صدایان جهان باشد و نگذارد خاطره مظلومیت او و دیگر کودکان قربانی جنگ در فراموشی تاریخ گم شود.

یادداشت کارگردان نمایش «آتریا»

فاطمه سارنج، کارگردان نمایش «آتریا» همزمان با اجرای اثرش در رویداد ملی «ایران‌دخت»، دریادداشتی پیرامون دلایل شکل‌گیری و رسالت این اثر می‌نویسد:

«من از هشت‌سالگی با رنگ، فرم و صحنه زندگی کرده‌ام. در آغاز، تئاتر برایم کشفی کودکانه بود؛ تجربه‌ای سرشار از بازی، حرکت و امکان ساختن جهانی تازه. با گذشت زمان، صحنه به راهی برای فهم جهان تبدیل شد؛ راهی برای دیدن آنچه گاهی در کلمات روزمره نمی‌گنجد. سال‌ها بعد، وقتی دوربین عکاسی را به دست گرفتم و لنزم را به سوی ویرانه‌ها و موقعیت‌های ملتهب بردم، با حقیقتی دشوار روبه‌رو شدم؛ برخی رنج‌ها حتی در قاب عکس نیز به‌تمامی ثبت نمی‌شوند. حضور در جشنواره‌های مختلف، دریافت جایزه در حوزه عکاسی جنگ و مستند اجتماعی و نوشتن یادداشتی از روزهای جنگ، هرکدام بخشی از این مواجهه را شکل داد، اما تصویر جنگ در ذهن من همچنان به صدایی زنده‌تر نیاز داشت.

خاطره‌ای در دو جودم ماندگار شده است؛ خاطره نگاه کودکی به نام زینب، در روزهایی که غبار جنگ بر شهر نشسته بود. در آن چشم‌های معصوم، رنج و بی‌پناهی نسلی را دیدم که هنوز فرصت تجربه کردن زندگی را پیدا نکرده بود. آن نگاه خاموش، برای من فقط یک تصویر نبود؛ پرسشی ماندگار درباره مسئولیت هنرمند بود. وقتی صدای خرد شدن معصومیت زیر آوار بمباران شنیده می‌شود، ثبت یک عکس یا نوشتن چند خط گزارش تا کجا می‌تواند پاسخگو باشد؟ پاسخ من، تئاتر بود؛ تئاتری زنده، بی‌واسطه و نفس به نفس با تماشاگر. «آتریا» از دل همین بغض و پرسش شکل گرفت. نام نمایش برای من با آتش و نور پیوند دارد؛ نوری که حتی در تاریک‌ترین شب‌های مقاومت خاموش نمی‌شود. این اثر تلاش می‌کند رنج تاریخی کودکان و خانواده‌هایی را به صحنه بیاورد که خشونت، جنگ و اشغال، کودکی و رؤیاهای‌شان را نشانه رفته است. انتخاب بازیگرانی در بازه سنی چهار تا ۱۶ سال، تصمیمی صرفا اجرایی نبود. این انتخاب، بخشی از زبان زیبایی‌شناختی و نشانه‌شناختی نمایش است. کودکانی که روی صحنه حرکت می‌کنند، هم‌سن‌وسال قربانیانی هستند که روایت آنان را بر دوش می‌کشند. حضورشان، تضاد میان لطافت کودکی و سنگینی رنج تاریخی را آشکار می‌کند. آنان با حرکاتی پروانه‌وار و بیانی ظریف، هم نماد معصومیتی آسیب‌دیده‌اند و هم نشانه جوانه زدن امید در دل خاکستر. «آتریا» را یک سوگواره صرف نمی‌دانم. این نمایش، روایتی از پروا و رهایی است؛ نقطه تلاقی اشک و امید، مادرانگی و ایستادگی و معصومیت کودکانه و خشونت عریان جهان. در این صحنه، تلاش کرده‌ام یادآوری کنم که پشت هر عدد و آماری که از جنگ در غزه، لبنان و دیگر جغرافیاهای درگیر مقاومت می‌شنویم، انسان‌هایی با نام، خاطره، رؤیا و زندگی وجود دارند. پشت هر خبر، کودکی هست که شاید عروسکش را جاگذاشته، مادری که چشم‌انتظار مانده و خانواده‌ای که فرصت وداع پیدا نکرده است. امروز هنر مقاومت برای من انتخابی تزئینی نیست؛ ضرورتی اخلاقی و مسئولیتی مدنی است. هنرمند نمی‌تواند نسبت به رنج انسان بی‌تفاوت بماند، همان‌گونه که نمی‌تواند اجازه دهد قربانیان در ازدحام خبرها و آمارها فراموش شوند. «آتریا» تلاشی است برای زنده نگه داشتن این خاطره و برای ایستادن در برابر سکوتی که گاهی از خود خشونت سنگین‌تر است. این نمایش، ادای احترام به دختران و زنانی است که با اصالت هنر و با تکیه بر پایداری، پرده‌های خفقان را کنار می‌زنند. امیدوارم تماشاگر پس از دیدن «آتریا» فقط با یک داستان صحنه‌ای روبه‌رو نباشد؛ امیدوارم بخشی از آن نگاه خاموش، آن بغض فروخورده و آن امکان رهایی را با خود به بیرون از سالن ببرد. تئاتر برای من زمانی معنا پیدا می‌کند که از صحنه عبور کند و در وجدان مخاطب ادامه یابد.»

وعده دیدار در تالار اندیشه

نمایش پرفورمنس «آتریا»، ثمره هنر و تعهد نسلی نو، پنج‌شنبه پنجم آذر ساعت ۱۹:۳۰ در تالار اندیشه حوزه هنری انقلاب اسلامی روی صحنه خواهد رفت و فرصتی مغتنم برای همه علاقه‌مندان به هنر ناب و تئاتر پایداری فراهم می‌سازد تا همنوا با این روایت جانسوز و امیدبخش شوند.

داستان جنوب
۱۴

ورود شهر نخل و آیین به جغرافیای مقاومت

قفنوس در میناب

میناب، سرزمین پنج‌شنبه‌بازارهای کهن و نخلستان‌های صبور کرانه خلیج فارس، در آستانه تحولی نمادین و سرنوشت‌ساز در نقشه فرهنگی ایران ایستاده است. با ثبت رسمی یادمان مقتل الشهدای مدرسه «شجره طیبه» و میزبانی از حدود ۱۵ هزار زائر در روزهای دوم و سوم آذر، این دیار شرقی هرمزگان گامی تاریخی برای ورود به اطلس ملی راهیان نور برمی‌دارد؛ رویدادی که پیشتر به مرزهای غربی گره خورده بود، اکنون در پیوندی عمیق با هویت جنوب بازتعریف می‌شود. تقارن این اجتماع با هفته بسیج و اجرای ۵۱۹ برنامه فرهنگی و محرومیت‌زدایی، میناب را به کانون تپنده‌ای از معنویت بدل کرده است. این گزارش، روایتی از بیداری یک حافظه تاریخی، دگرگونی یک شهر و چشم‌انداز پایداری است.

برخی خاک‌ها در تاریخ یک سرزمین با دست‌های پنهان سرنوشت نشانه‌گذاری می‌شوند. تا پیش از این، واژه «راهیان نور» ذهن‌ها را بی‌درنگ به دشت‌های خوزستان، رمل‌های فکه و خاکریزهای شلمچه پیوند می‌زد؛ جغرافیایی که سال‌ها انحصار روایت حماسه را به دوش کشیده بود. اما تاریخ مقاومت ایران، رودی است سیال که در مرزهای دیروز متوقف می‌شد، اکنون به نقطه‌ای عطف در این منظومه معنوی رسیده است تا روایتی نو از پایداری خلق کند. در قلب این دگرگونی، نامی نهفته است که با مظلومیت محض گره خورده: مدرسه «شجره طیبه». مدرسه‌ای که مامن کودکانی بود که مشق الفبا می‌کردند؛ با این حال، تقدیر چنان رقم خورد که کلاس درسش به مقتلی جاودان تبدیل شود. خون پاک ریخته‌شده بر نیمکت‌های این مدرسه، سندی زنده از مظلومیتی است که زمان نتوانست غبار فراموشی بر آن بنشاند. خاک میناب، شاهد خاموش قرن‌ها مقاومت، حالا حامل قداستی مضاعف است؛ خاکی که عطر لاله‌های معصومش با هوای شهر درآمیخته و هر رهگذری را به ادای احترام وا می‌دارد.

تقاطع هفت اقلیم در پای نخل‌های صبور

انتخاب میناب برای میزبانی رویداد ملی راهیان نور، تصمیمی خلق‌الساعه نبود. نقطه آغاز این تحول، تجربه موفق نخستین کاروان دانشجویی بود؛ جوانانی که حضورشان در مقتل شجره طیبه بازتاب‌های معنوی عمیقی داشت. همین جوشش خودجوش، جرقه‌ای شد تا ستاد کل نیروهای مسلح و سپاه، یادمان را به‌صورت رسمی ثبت کنند. اکنون میناب خود را برای میزبانی از حدود ۱۵ هزار زائر آماده کرده است؛ کاروان‌هایی که از کویرهای یزد و خراسان، نخلستان‌های کرمان و سواحل بوشهر به راه افتاده‌اند تا در این تلاقی فرهنگی، حول محور عشق به ایثارگرد هم آیند.

۵۱۹ ضربان در رگ‌های شهر

این خیزش معنوی همزمان با هفته بسیج رخ داد؛ هفته‌ای با شعار محوری «بسیج، جان‌فدای ایران، امید مستضعفان». ۵۱۹ برنامه تدارک دیده‌شده نشان‌دهنده تلاشی همه‌جانبه است تا فضای شهر از روزمرگی خارج شود. از ۴۵ برنامه محوری در حوزه‌های مقاومت گرفته تا برنامه‌های تخصصی و یادواره شهدای فرهنگیان و طلاب، سراسر میناب عرصه تکاپوی جمعی است. در کنار این یادواره‌ها، نشست‌های روایتگری مقاومت، محافل انس با قرآن و نمایشگاه‌های تولیدی، پیوندی زنده میان ارزش‌های ایمانی و زندگی مردم برقرار ساخته است.

شبیخون مهر در محلات طرح کرامت

بسیج هویتی فراتر از ساختارهای نظامی دارد و رسالت بنیادینش گره‌گشایی از رنج مستضعفان است. همزمان با عطر شهادت، جبهه دیگری از جهاد در کوچه‌پس کوچه‌های کم‌برخوردار میناب گشوده شده است. رزمایش کمک‌های مومنانه و اهدای جهیزیه به ۳۰ زوج جوان در محلات هدف «طرح کرامت»، جلوه‌ای عینی از مفهوم جان‌فدایی است. این تحرک اجتماعی بر بازوان ۲۶۵ گروه جهادی استوار است که در این هفته، گروه‌های زیادی به صورت پرشتاب وارد میدان شده و خدمات اساسی، از بهسازی مسکن محرومان تا خدمات بهداشتی ارائه کرده‌اند. پیوستگی میان یادمان شهدا و خدمت‌رسانی به محرومان، پیامی روشن دارد؛ یاد شهدا زنده نمی‌ماند مگر آنکه کرامت انسانی پاس داشته شود.

آزمون بزرگ در تراز ملی

میزبانی از ۱۵ هزار نفر در مدت زمانی فشرده، آزمونی دشوار در حوزه مدیریت شهری میناب خواهد بود. محدودیت زیرساخت‌های اقامتی می‌توانست مانعی جدی باشد، اما با فراخوان ظرفیت‌های بومی، مساجد، حسینیه‌ها و مدارس در قالب یک شبکه اسکان موقت بسیج شدند. این بسیج عمومی، ضرورت بازنگری بنیادین در ساختارهای زیربنایی شرق هرمزگان را عیان ساخت. برنامه‌ریزی برای احداث زائرسرای دائمی با مشارکت شهرداری تهران و سازمان بسیج، گامی دوراندیشانه برای میزبانی پایدار در تمام ایام سال است.

فراتر از مرثیه؛ مانیفست مقاومت در کرانه مکران

میناب به عنوان دروازه مکران و منطقه پیوند دهنده خلیج فارس به اقیانوس، در تیررس تحولات هویت‌ساز قرار دارد. تبدیل مقتل شهدای شجره طیبه به یک نماد ملی، پیامی قاطع مخابره می‌کند؛ فرهنگ مقاومت، محدود به مرزهای جنگ نیست، بلکه ریشه در تاریخ سراسر جنوب دارد. زائر جوانی که از اصفهان یا مشهد به میناب سفر می‌کند، با مردمانی صبور و نخل‌پرور مواجه می‌شود که در برابر فتنه‌ها ایستاده‌اند؛ این هم‌افزایی فرهنگی، خاک شرقی هرمزگان را به آیینه‌ای از پایداری ملی بدل کرده است.

معماری یک جریان دائمی

با پایان مراسم افتتاحیه، مهم‌ترین فصل داستان میناب آغاز می‌شود. آیا این رویداد به موتور محرکه‌ای دائمی برای دگرگونی منطقه بدل می‌شود؟ پاسخ در هوشمندی متولیان نهفته است. تثبیت نام میناب مستلزم تشکیل ساختار خادمان دائمی، تدوین تاریخ شفاهی شهدای شجره طیبه و تولید محتواست. خون مظلومان این مدرسه، بذری مقدس بود که در دل نخلستان‌ها کاشته شد؛ رویداد راهیان نور جوانه آن است و فردا، آیندگان از میناب به عنوان پایتخت استقامت و معنویت یاد خواهند کرد.







محمدصادق افراسیابی، معاون راهبری بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای:

گیم‌جم فقط مسابقه نیست؛ بازارپردازی فرهنگی بازی‌های ایرانی است

درباره زیستن درویترین؛ چگونه شبکه‌های اجتماعی زندگی روزمره را به پروژه «بی‌نقص‌سازی» بدل کردند؟

یک زندگی برای نزیستن



زهرا بذرافکن، خبرنگار گروه فرهنگ: از فنجان قهوه‌ای که پیش از نوشیدن کارگردانی می‌شود تا شلختگی‌های حساب‌شده‌ای که خودشان به الگویی تازه برای کمال‌گرایی بدل شده‌اند؛ روایت فرهنگی نسلی که حتی در خلوت خانه‌اش هم از چشم دوربین خیالی پنهان نمی‌ماند. پیش از آنکه اولین جرعه قهوه را بنوشیم، اتفاق کوچکی می‌افتد که دیگر آنقدر عادی شده که به چشم نمی‌آید: دست ناخودآگاه فنجان را کمی می‌چرخاند، دستمال مچاله را کنار می‌زند، دفترچه شلوغ را از کادر بیرون می‌اندازد و منتظر می‌ماند نور پنجره درست روی فنجان بیفتد. بعد، یک عکس و یک استوری. ما هنوز قهوه‌مان را نخورده‌ایم، اما نسخه بی‌نقصش را به جهان تحویل داده‌ایم. در سکوت همین عادت‌های کوچک است که فرهنگ معاصر، بی‌آنکه بیانیه‌ای صادر کند، معنای «زیستن» را عوض کرده است. زندگی دیگر فقط تجربه‌ای برای چشیدن نیست، بلکه صحنه‌ای است که باید پیش از تجربه، چیدمان و نورپردازی شود.

در رمان کوتاه «کمال» (Perfection) اثر وینچنزو لاترونیکو — که سال ۲۰۲۵ به فهرست نهایی جایزه بین‌المللی بوکر رسید — زوجی جوان به نام آنا و تام در آپارتمانی پرنور و پر از گلدان‌های سبز در برلین زندگی می‌کنند. مبلمان دانمارکی، آشپزی آرام و کارآزاد دیجیتال، همه اجزای همان رویای مشترکی است که سال‌هاست در اینستاگرام دست به دست می‌شود. اما نقد گاردین بر این رمان با عنوان «نقد کمال اثر وینچنزو لاترونیکو؛ درسی عینی درباره هیپسترگرایی توخالی» (هیپسترگرایی یک خرده فرهنگ شهری و مدرن است که بر دوری از جریان اصلی، اصالت، استقلال فکری و زیبایی‌شناسی خاص و غیرمتعارف تاکید دارد) به لحظه‌ای گویا اشاره می‌کند: هروقت آنا و تام می‌خواهند خانه‌شان را به‌طور موقت اجاره دهند، تمام نشانه‌های زندگی واقعی خود را پنهان می‌کنند تا آپارتمان شبیه همان تصویر بی‌نقص آنلاین شود؛ فضایی خالی از رد پای انسان، برای آنکه دیگران چند روزی «زندگی غیرواقعی» را تمرین کنند. داستان آنها آینه فرهنگ امروز ماست؛ فرهنگی که در آن، شبیه بودن به عکس یک زندگی خوب، کم‌کم از خود خوب زیستن مهم‌تر شده است.

شورش ناموفق علیه اتوکشیدگی؛ وقتی «شلختگی» هم فیلتر گرفت

تا چند سال پیش، چهره کمال‌گرایی شبکه‌های اجتماعی روشن‌تر بود: پوست‌های بی‌منافذ، میزهای صبحانه مجله‌ای و سفرهایی در نورطلایی غروب. اما وقتی نسل Z و نسل آلفا وارد میدان شدند، قرار بود ورق برگردد. آنها در برابر آن ویترین اتوکشیده، بیشتر پرچم اصالت را بالا بردند؛ آلبوم‌های به‌ظاهر تصادفی و تار، حساب‌های دوم و روایت‌های بی‌پرده از روزهای کسل‌کننده. به نظر می‌رسید بالاخره دیوار کمال‌گرایی ترک برداشته و زندگی واقعی به صفحه برگشته است.

اما فرهنگ نمایشی راه مصادره کردن شورش‌ها را خوب بلد است. یوجین هیلی در یادداشتی با عنوان «نسل Z و نسل آلفا زیبایی‌شناسی خام و شلخته‌ای به شبکه‌های اجتماعی آوردند؛ پس چرا همچنان تصنعی به نظر می‌رسد؟» در گاردین (ژوئن ۲۰۲۵) توضیح می‌دهد که همین شلختگی خودخواسته خیلی زود به ژانری تازه برای اجرا تبدیل شد؛ نوعی زیبایی‌شناسی آسیب‌پذیری که می‌توان آن را «اجرای بی‌نقص بی‌نقص نبودن» نامید. دیگر کافی نیست خسته یا غمگین باشی؛ حتی اشک ریختن جلوی دوربین یا شلوغی اتاق هم باید زاویه و ریتم درست داشته باشد. عجیب نیست که در پایان سال ۲۰۲۵، فرهنگ لغت مریام-وبستر از جهش چشمگیر جست‌وجوی واژه «نمایشی» (Performative) خبر داد؛ واژه‌ای که دقیقا جهانی را توصیف می‌کند که به تعبیر این فرهنگ، تمام آن به صحنه‌ای در ابعاد صفحه یک گوشی تبدیل شده است. در این صحنه، ما مدام از بیرون به خودمان خیره می‌شویم و یک پرسش پنهان رهای‌مان نمی‌کند: «این لحظه چطور دیده خواهد شد؟»

یوجین هیلی در این یادداشت می‌گوید: «ما زمانی با کارها و لحظه‌های خودمان بیگانه می‌شویم که هر ثانیه را از صافی این پرسش عبور دهیم که دیگران چه واکنشی به آن نشان خواهند داد.»

از روتین‌های دو ساعته تا خط‌کش چهره؛ کمال‌گرایی بی‌لذت

کمال‌گرایی دیروز بیشتر به کارنامه، شغل یا مهارت حرفه‌ای محدود بود، اما شبکه‌های اجتماعی قلمرو آن را به تمام جزئیات تن و روزمرگی کشانده‌اند؛ از بافت پوست و زاویه فک تا شیوه کتاب خواندن و استراحت کردن. کلویی کومبی، پژوهشگر و مشاور آموزشی در گزارش آوریل ۲۰۲۵، از دختران نوجوانی می‌گوید که دیگر خودشان را فقط با همکلاسی‌های‌شان مقایسه نمی‌کنند، بلکه با تمام جهان پشت فیلترها در رقابت‌اند؛ تا جایی که برخی از آنها دو ساعت زودتر از وقت مدرسه بیدار می‌شوند تا مراحل پیچیده مراقبت از پوست را کامل انجام دهند. در سوی دیگر این طناب باریک، اگر بیش از حد شبیه تصویرهای ایده‌آل شوند، به «مصنوعی بودن» متهم می‌شوند.

این فشار دیگر فقط دغدغه دختران نیست. گزارش بلند گاردین در تابستان ۲۰۲۶ با عنوان «چرا همه چیز این قدر بی‌لذت شده است؟ به عصر انحطاط خوش آمدید»، از فراگیر شدن خرده فرهنگ «لوکس مکسینگ» (Looksmaxxing) میان مردان جوان می‌گوید؛ جریانی که بدن را نه خانه زیستن، که پروژه‌ای برای اصلاح می‌بیند و سلیقه شخصی را کنار می‌گذارد تا چهره را با نسبت‌های ریاضی، ارتفاع پیشانی و فاصله مردمک‌ها بسنجد. در چنین فرهنگی، حتی غذا خوردن و تفریح هم زیر سایه بهینه‌سازی خود رنگ می‌بازند؛ همه چیز در ظاهر مجلل است اما به طرز غریبی خالی از لذت. آمارها نیز در پس این تصویر، رد پایی روشن دارند: طبق نظرسنجی مرکز پژوهشی پیو در مارس ۲۰۲۵، ۴۷ درصد نوجوانان می‌گویند برای «خوب به نظر رسیدن» فشار قابل توجهی احساس می‌کنند (۵۵ درصد دختران در برابر ۳۹ درصد پسران) و ۴۱ درصد نیز برای پذیرفته شدن و همرنگ شدن در جمع‌های اجتماعی زیر فشارند.

از کافه‌های یک شکل برلین تا استوری‌های تهران؛ جغرافیای یک ویترین واحد

نتیجه فرهنگی این کمال‌گرایی، فقط اضطراب فردی نیست؛ بلکه یک دست شدن حیرت‌انگیز سلیقه جهان است. آدام مسترویانی در جستار «افول تفاوت» (اکتبر ۲۰۲۵) با ارجاع به مشاهدات کایل چایکا، روزنامه‌نگار فرهنگ دیجیتال، نشان می‌دهد چگونه کافه‌ها، آپارتمان‌ها و حتی لحن حرف زدن در سراسر دنیا شبیه هم شده‌اند. گویی همه در حالت احتیاط زندگی می‌کنیم؛ مراقبیم پوستمان چروک نیفتد، دکوراسیون‌مان از مد نیفتد و تصویر عمومی‌مان لکه‌دار نشود. ترس از خجالت‌آور بودن جای کنجکاوی و خطا کردن را گرفته است.

این جغرافیای واحد، درست از میان خیابان‌ها و خانه‌های ایران هم می‌گذرد. با وجود محدودیت‌ها و فیلترینگ، گزارش «ایرنا» درباره محبوبیت اینستاگرام در کشور ما، یادآور می‌شود که اینستاگرام همچنان پربازدیدترین شبکه اجتماعی در ایران است. در این فضا، کمال‌گرایی دیجیتال با عادتی ریشه‌دار در فرهنگ ما گره خورده است: «آبروداری» و «حرف مردم». اگر دیروز چیدمان سفره و مهمانی فقط در برابر فامیل و همسایه سنجیده می‌شد، امروز همان حساسیت به تمام ۲۴ ساعت شبانه‌روز و قضاوت صدها تماشاگر خاموش در استوری‌ها کشیده شده است. روزنامه ایران در یادداشت «زندگی با فیلتر اینستاگرام» به گسترش محتوای «اینستاپسند» اشاره می‌کند؛ جایی که حتی ساده‌ترین لحظه‌های روزمره ایرانی در ترازوی قاب مربع سنجیده می‌شود و بی‌سروصدا حس عقب ماندن از یک استاندارد خیالی را در دل زندگی معمولی می‌کارد.

جسارت «به اندازه کافی خوب بودن» و پناه بردن به لحظه‌های ثبت‌نشده

در دنیایی که صفحه موبایل هر روز جریان بی‌پایانی از بدن‌های بی‌نقص، خانه‌های مرتب و والدگری نمونه را پیش چشم‌مان می‌گذارد، همان‌طور که گیل استریکر و جکی وین‌شیپ در یادداشتی در گاردین می‌نویسند، «به اندازه کافی خوب بودن» کم‌کم شبیه یک شکست اخلاقی به نظر می‌رسد. میان تلاش برای بهتر شدن و کمال‌گرایی، مرزی روشن هست؛ در اولی می‌توانی به مقصد برسی و نفسی تازه کنی، اما در دومی هیچ چیز هرگز کافی نیست.

شاید برای همین است که امروز نشانه‌های کوچکی از خستگی فرهنگی در برابر این نمایش بی‌پایان دیده می‌شود: از بازگشت آرام برخی جوانان به کاغذ و کتاب پیش از خواب تا توصیه ساده یوجین هیلی؛ اگر نمی‌توانیم شبکه‌های اجتماعی را حذف کنیم، دست‌کم می‌توانیم از آخرین پناهگاه‌های اصالت مراقبت کنیم؛ از گفت‌وگوهای ضبط نشده، از سفره‌هایی که پیش از سرد شدن غذا از آنها عکس نمی‌گیریم و از لحظه‌هایی که هیچ‌کس جز خودمان شاهدشان نیست. شاید واقعی‌ترین شورش فرهنگی امروز همین باشد: فنجان قهوه را بی‌آنکه بچرخانیم، سر بکشیم و بگذاریم لکه‌اش روی میز بماند.

۱۰ نمایش به مرحله نهایی بخش صحنه‌ای سومین جشنواره ملی تئاتر اقتباس راه یافتند

پس از دریافت و بررسی آثار متقاضی شرکت در بخش صحنه‌ای این دوره از جشنواره، هیات انتخاب متشکل از فریبا متخصص، شهرام کرمی و امیرهوشنگ جمشیدیان، ارزیابی و بازبینی آثار رسیده به دبیرخانه را انجام دادند.

به گزارش «آگاه» ازروابط عمومی سومین جشنواره ملی تئاتر اقتباس، در این مرحله، ۱۲۴ اثر نمایشی از هنرمندان و گروه‌های تئاتری متقاضی حضور در جشنواره از سراسر کشور مورد بررسی قرار گرفت که در نهایت، ۱۰ نمایش با نظر هیات انتخاب، شایستگی حضور در مرحله نهایی سومین جشنواره ملی تئاتر اقتباس را کسب کردند.

سومین جشنواره ملی تئاتر اقتباس، درصدد ایجاد بستری برای تبادل تجربه‌های هنری، مواجهه خلاقانه با متون ادبی و گسترش ظرفیت‌های اقتباس در هنرهای نمایشی کشور است.

اسامی آثار راه یافته به مرحله نهایی بخش صحنه‌ای بدون اولویت بدین شرح است:

۱. می‌خواستم اسبت باشم | کارگردان معین رستمی | تهران
۲. پیش از شروع باد شمال | کارگردان علی حسن‌زاده | شاهین شهر
۳. چند گرگ از عروسی مادرم ماه جان | کارگردان میثم ملازینل | قزوین
«شاخ بی‌سر» در شیراز روی صحنه می‌رود/ انتصابات جدید در جشنواره تئاتر فجر
۴. همای | کارگردان ابراهیم رهگذر | شهریار
۵. رفته بودیم فرود را نبینیم، برگردیم | کارگردان مهرداد علیپور | گچساران
۶. فصل تخم‌ریزی سالمون‌ها | کارگردان هادی عسکری | شاهین شهر
۷. آن شب کسی خواب ندید | کارگردان محسن خدادادی | اندیمشک
۸. والس فلامینگوهای جنوبی | کارگردان یاسر پیمانی | اصفهان
۹. گردبادک | کارگردان رحیم رشیدی‌تبار | تهران
۱۰. در انتهای شب | کارگردان شاهین سلطانی | اراک
سومین جشنواره ملی تئاتر اقتباس ۲۴ تا ۲۹ آذر در شاهین شهر اصفهان برگزار می‌شود.

رضا جاویدی و داوود نامور به جشنواره تئاتر فجر پیوستند



ایوب آقاخانی، دبیر چهل و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، رضا جاویدی به عنوان مدیر بخش مسابقه عکس و داوود نامور به عنوان مدیر بخش بعلاوه فجر این دوره جشنواره منصوب شدند.

به گزارش «آگاه» از ستاد خبری جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، متن حکم دبیر جشنواره به رضا جاویدی بدین شرح است: «تماشای صحنه کافی نیست. می‌دانیم و به تجربه دیده‌ایم که افزودن نگاه دیگران بر آنچه ما می‌بینیم آغاز «لذت و تاثیر» در دریافت محصول قدسی تئاتر است.

رابطه عکس و تئاتر از این منظر مانند رابطه نقد و تئاتر است و در تبیین و تعیین گستره تاثیر آن بسیار کارآمد و مهم.

نظر به تجارب شما در این عرصه و التزام توجه به حوزه عکاسی تئاتر، بدینوسیله به عنوان «مدیر بخش مسابقه عکس» چهل‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر منصوب می‌شوید. امید است با یکسان‌سازی سیاست و نگاه به توسعه گستره تاثیر اثر نمایشی و در تعامل با بخش «مسابقه پوستر» این دوره از جشنواره، به آرمان واحد این دو بخش، زیباترین و برازنده‌ترین جامه عمل را بپوشانید. به امید آن روز.»

رضا جاویدی عکاس و کارگردان تئاتر، دانشجوی دکترای دانشگاه تهران و مدرس عکاسی و نمایش در دانشگاه‌های سوره، هنر و معماری و تهران غرب، رئیس سابق و عضو پیشین هیات‌مدیره انجمن عکاسان خانه تئاتر و عضو فدراسیون بین‌المللی هنر عکاسی (FIAP) است. جاویدی با ۱۵ سال سابقه فعالیت حرفه‌ای و عکاسی از بیش از سه هزار نمایش، از عکاسان پرکار تئاتر ایران به شمار می‌رود.

او با بیش از ۱۷۰ پذیرش در مسابقات بین‌المللی عکاسی در ۱۳ کشور جهان، موفق به دریافت جوایز و مدال‌هایی از فدراسیون بین‌المللی هنر عکاسی (FIAP)، انجمن بین‌المللی عکاسی هنری (IAAP) و لوح زرین جشن حافظ شده است. او همچنین سابقه حضور در هشت دوره جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، نویسندگی و کارگردانی تئاتر و فیلم کوتاه، داوری رویدادهای عکاسی و تالیف کتاب را در کارنامه دارد.

همچنین متن حکم دبیر چهل و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به داوود نامور بدین شرح است: «رویکرد خصوصی در تئاتر پس از انقلاب اسلامی ایران، اینک «کودکی» را پشت سر گذاشته، «نوجوانی» را بدرود گفته و وارد «جوانی» خود شده است. اینک بر من و ما و دغدغه‌مندان عرصه نمایش و نمایشگری ایران است که این دستاورد وسعت بخش و نیروزا را در حوزه پویایی جدی هنر قدسی تئاتر، پاس بداریم و در تحکیم حرفه‌ای حضور و هویتش بکوشیم.

جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر چند سالی است با نسبت‌های مختلفی توجه به این رویکرد را در ساختار خود تعریف کرده و در این گام چهل و پنجم بر آن است که آن را قدرت و تلألو ببخشد و این‌گونه به ضرورت حضور این بازوی توانمند و همچنین به توان آن برای بخشیدن اقتدار به اندام‌واره تئاتر، تاکید و تکیه کند. نظر به تجارب حضرتعالی در این حوزه و نسبت مستقیم و تعریف شده شما با صنف مربوطه، بدینوسیله به عنوان «مدیر بخش بعلاوه فجر» چهل و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر منصوب می‌شوید. باشد که در باز تعریف متمایز آن در این دوره موفق باشید و الهام‌بخش. به امید روزهای روشن.»

داوود نامور، دانش‌آموخته سینما و فیلمنامه‌نویسی، دارای مدرک کارشناسی نمایش با گرایش بازیگری و کارشناس ارشد ادبیات نمایشی از دانشگاه هنر و معماری، بازیگر تئاتر و تلویزیون، دارای تجارب مختلف در عرصه دستیاری، برنامه‌ریزی، مدیریت تولید است و به عنوان کارگردان فیلم کوتاه، تدوینگر، مستندساز و مشارکت در تولید نمایش‌های صحنه‌ای فعالیت‌های مختلفی داشته است. نامور همچنین به عنوان مدیر آکادمی هنرهای اجرایی افرا و مدیر عمارت نوفل‌لوشاتو فعال است.

چهل‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با دبیری ایوب آقاخانی بهمن ۱۴۰۵ برگزار می‌شود.

در سوگ درگذشت رضا امیرخانی

من او



احمد مسجدجامعی، پژوهشگر فرهنگی و قائم‌مقام رئیس مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی: اگر نگاهی به آثار رضا امیرخانی، سفرنامه‌ها، نامه‌ها، دل‌نوشته‌ها و اندیشه‌هایش داشته باشیم، به خوبی درمی‌یابیم که «من» و «او» آگاهانه در جدالی مداوم با یکدیگر بوده‌اند. اتفاقا همین نکته است که او را از نگاه جزم اندیشان این‌سو و آن‌سو نگرمتفاوت می‌کند.

هر کس از خودش تصویری ماورایی دارد؛ تصویری که دوست دارد آن‌گونه زیست کند، آن‌گونه شناخته شود و دیگران با او به سخن بنشینند و خاطره‌گویی کنند. حتی با او گلاویز شوند و قهر کنند یا او را برفراز برند و در کنارش بنشینند و من را با آن بسنجند و ملامت یا ستایش کنند. درواقع، هر «منی»، «اویی» دارد؛ اویی که فراتر از دنیای زمینی و ناظر بر آن است؛ اویی که دور از هیاهوی پیرامونی، «من بیرونی» را به خلوت خود فرامی‌خواند، از او می‌پرسد و پاسخ‌هایش را ارزیابی می‌کند. ممکن است در این آمدوشد میان ذهن و عین، من را به سخره بگیرد یا تحسین کند.

داستان «من او» فراتر از عشقی ناکام است؛ اما در لایه‌های عمیق‌تر، روایتی از نسبت انسان با خودش به دست می‌دهد؛ نسبتی که ممکن است در کشاکش عشق، در قالب «او» نمود یابد. برداشت من، نه تنها از رمان «من او»، بلکه از شخصیت واقعی امیرخانی نیز این است که او دوست داشت از زبان دیگران نکاتی بشنود؛ حتی اگر آن نکات در نقد او باشد یا زمینه‌ای برای فعالیت و نوشته‌ای تازه فراهم آورد. در همین گفت‌وگوها بود که فضای اجتماعی متفاوت را رصد می‌کرد و آثاری به دست می‌داد که گاه چنین به نظر می‌رسید با اندیشه‌های پیشین او در تقابل‌اند.

یکی از هنرمندانه‌ترین و ماندگارترین نقدهای او را می‌توان در رمان «رهش»، در نگاهی دید که به سیاست‌های شهری پایتخت در دوره‌های مختلف دارد تا آنجا که انگار با گلایدر به آسمان رفته و از آن بالا به تهران و باغ قلهک سفارت انگلیس می‌نگرد؛ باغی که با وجود مواضع روشن او درباره سیاست‌های استعماری، از منظری مثبت به آن اشاره می‌کند و یادآور می‌شود که این از معدود فضاهای مشجر تهران است که می‌تواند از دست بساز و بفروش‌ها و مجوزهای شهرداری در امان بماند.

این هم یادگاری است از همان گفت‌وگوی میان من و او؛ زمانی که زمانی به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. زنده‌یاد امیرخانی آثار دیگری هم داشت که با توجه به سن‌وسال او، پرشمارند؛ اما در هیچ‌یک از آنها این‌گونه از پیوند درون و برون سخن نمی‌گفت. او نویسنده‌ای متفاوت بود؛ نویسنده‌ای که از ظاهر به باطن سفر می‌کرد و میان «من» و «او»، در عین بیگانگی، یگانگی برقرار می‌ساخت. عشق، خانه مشترک عاشق و معشوق است.

مرگ او نیز، همچون این اثر، شکلی متفاوت داشت. اگر از بالا «با گلایدر» به آن بنگریم، شاید بتوان آن را آغاز زندگی جدید ادبی او دانست. او در این ماه‌های پرتلاطم و فضای پرالتهاب، در آرامشی کامل زیست و واکنشی نشان نداد، اما شاید «من» و «او» در همین حال نیز گفت‌وگوهایی پیوسته با یکدیگر داشتند.

اگر نگاهی به آثارش، سفرنامه‌ها، نامه‌ها، دل‌نوشته‌ها و اندیشه‌هایش داشته باشیم، به خوبی درمی‌یابیم که «من» و «او» آگاهانه در جدالی مداوم با یکدیگر بوده‌اند. اتفاقا همین نکته است که او را از نگاه جزم اندیشان این‌سو و آن‌سو نگرمتفاوت می‌کند. شاید عمرنه‌چندان بلندش از آن رو بود که نمی‌توانست ناظر بی‌اعتنای این ناهماهنگی‌ها، بداخلاقی‌ها و نارضایتی‌های عمیق میان گفتار و کردار این و آن باشد. روانش به مینو همی شاد باد.

با شعار «روایت کن از این قفقنوس بر بام جهان، ایران»

فراخوان سومین جایزه ملی روایت پیشرفت منتشر شد

فراخوان سومین جایزه ملی روایت پیشرفت با شعار «روایت کن از این قفقنوس بر بام جهان، ایران» منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری «مهر» فراخوان سومین دوره «جایزه ملی روایت پیشرفت» با شعار محوری «روایت کن از این قفقنوس بر بام جهان، ایران» و با تمرکز بر بازنمایی اصالت تلاش، امیدآفرینی ملموس، خودباوری ملی و ثبت حماسه‌های مسیر پیشرفت و مقاومت ایران اسلامی منتشر شد. این دوره با دعوت از تمامی اهالی قلم و اندیشه، هنرمندان، پژوهشگران، فعالان رسانه‌ای و نسل جوان، در ۱۲ بخش تخصصی و عمومی و با محوریت مسائل واقعی و تاریخی کشور برگزار می‌شود.

در سومین گام خود بستری گسترده را برای گردآوری و داوری آثار در ۱۲ شاخه تخصصی فراهم آورده است؛ کتاب؛ سینما و تلویزیون؛ شعر، آهنگ و نماهنگ؛ هنرهای تجسمی؛ خبر و مطبوعات؛ فضای مجازی؛ صنایع فرهنگی؛ آموزش و پژوهش؛ حکمرانی؛ دانشجویی؛ دانش‌آموزی و بخش بین‌الملل.

هنرمندان، پژوهشگران، نویسندگان، فعالان رسانه و عموم علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را تا پایان روز ۳۰ آذر ۱۴۰۵ از طریق پایگاه اینترنتی جایزه به نشانی www.pish-raft.ir بارگذاری و ثبت نمایند.

رویکردهای محتوایی و افق‌های موضوعی

براساس فراخوان منتشرشده، آثار ارسالی در دو دسته محورهای عمومی و محورویژه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

محورهای عمومی:

انسان ایرانی و قهرمانان میدان‌دار تحول: نقش جوانان با اراده، مدیریت جهادی و شکستن حصار تفکر انفعالی

عزم جمعی و برانگیختگی ملت: همبستگی اجتماعی، خودباوری و حضور داوطلبانه اقشار در پیشرفت

ایران پیشران، الهام‌بخش و تمدن‌ساز: مرجعیت علمی، الهام‌بخشی به ملت‌ها و پیوند با جبهه مقاومت

راه و بیراهه‌های پیشرفت کشور: نقد الگوهای وابسته غربی، شناخت تجربه‌های عدم فتح و تبیین مسیرهای بومی حل مسئله

قله‌های فتح‌شده: دستاوردهای شتابان علمی، دفاعی، فناوری و ابتکارهای برهم‌زننده محاسبات دشمن

محورویژه (روایت پیشرفت در آینه جنگ تحمیلی سوم):

بازخوانی نقش رهبر شهید در خلق، تداوم و امیدآفرینی مسیر پیشرفت

بعثت ملت، همبستگی اجتماعی و کنشگری حلقه‌های میانی در مواجهه با بحران جنگ

ظهور ایران مقتدر به عنوان محور قدرت چهارم در نظم جدید جهانی

بانوان، خانواده و پشتیبانی جنگ؛ تاب‌آوری اقتصادی و حفظ جریان زندگی

مقاومت در حکمرانی، صیانت از معیشت مردم و امنیت زنجیره تامین

پیشرفت فناوری، صنعت و نوآوری‌های دفاعی در دل شرایط جنگی

بازسازی، آبادانی، تداوم طرح‌های عمرانی و تثبیت جغرافیای قدرت در خلیج فارس و تنگه هرمز.





عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد داد
افزایش کارت «امید مادران» از دو به پنج میلیون تومان

چهارشنبـه/ ۴ آذر ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۹

معلم‌بلاگری در مدارس ممنوع!

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه تقویت معیشت معلمان از موضوعاتی است که آن را پیگیری می‌کنیم، با اعلام مخالفت نسبت به فعالیت معلم بلاگرها در محیط کلاس درس گفت: دانش‌آموز نباید ابزار تبلیغات باشد و با رفتارهای هنجارشکنانه معلمان برخورد خواهد شد.
علی فرهادی در گفت‌وگو با «ایسنا» در خصوص فعالیت برخی معلمان در قالب بلاگری در فضای مجازی و انتشار محتوا از کلاس درس و دانش‌آموزان، با تاکید بر مخالفت این وزارتخانه با چنین فعالیت‌هایی، ادامه داد: به‌طور کلی با معلم‌بلاگری مخالفیم؛ چراکه فضای کلاس درس محل تبلیغ و طرح مسائل این‌چنینی نیست و دانش‌آموز نیز نباید به ابزاری برای تبلیغات تبدیل شود.
فرهادی با اشاره به برخورد با برخی رفتارهای هنجارشکنانه در مدارس، گفت: خوشبختانه موارد این‌چنینی در میان معلمان از نظر تعداد بسیار اندک است، هرچند ممکن است در فضای مجازی نمود و بازتاب بیشتری داشته باشد.
وی افزود: وزارت آموزش و پرورش با رفتارهای هنجارشکنانه معلمان برخورد می‌کند لذا از آنان می‌خواهیم از فعالیت‌های بلاگری و فضاهای این‌چنینی در محیط مدرسه و کلاس درس دوری کنند. سخنگوی وزارت آموزش و پرورش در خصوص کارزار به راه افتاده از سوی معلمان از مرداد امسال به اعتراض به حقوق ۲۵ میلیون تومانی و مطالبه افزایش حقوق در ماه‌های پایانی سال، اظهار کرد: تلاش می‌کنیم امسال در صورت وجود ظرفیت‌های لازم، از امکانات موجود برای این موضوع استفاده کنیم؛ البته این مسئله به منابع مالی بستگی دارد. وی با بیان اینکه تعیین حقوق کارکنان دولت در قانون بودجه سالانه مشخص می‌شود، افزود: ما نیز معتقدیم معیشت معلمان باید تقویت شود و این موضوع را پیگیری می‌کنیم.

نان‌ها چرا تیره‌اند و زود بیات می‌شوند؟



رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف ایران با اشاره به کاهش درصد سبوس‌گیری آرد نانوایی‌ها گفت: بر اساس مصوبه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و وزارت کشور، میزان سبوس‌گیری آرد انواع نان کاهش یافته که این موضوع موجب تیره‌تر شدن رنگ آرد و نان و به گفته فعالان صنفی، کاهش ماندگاری نان شده است.
در هفته‌های اخیر، تغییر رنگ و کاهش کیفیت ظاهری نان‌های عرضه‌شده در نانوایی‌ها به یکی از موضوعات مورد توجه مصرف‌کنندگان و فعالان این حوزه تبدیل شده، موضوعی که در کنار طرح برخی ادعاها درباره وجود ناخالصی در آرد مصرفی نانوایی‌ها، ابهاماتی را درباره کیفیت آرد و فرآیند تولید آن ایجاد کرده است. در این میان، کاهش درصد سبوس‌گیری آرد نانوایی‌ها و باقی ماندن میزان بیشتری از سبوس در آرد، به عنوان یکی از دلایل تیره‌تر شدن رنگ نان مطرح می‌شود؛ تغییری که مسئولان و کارشناسان، آن را در راستای ارتقای ارزش غذایی و سلامت نان ارزیابی می‌کنند. با این حال، این پرسش همچنان مطرح است که تغییرات اخیر چه تاثیری بر کیفیت نان داشته و ادعاهای مطرح‌شده درباره آلودگی و ناخالصی آرد تا چه اندازه صحت دارد؟
محمدجواد کرمی، رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف ایران، درباره تغییرات ایجادشده در آرد مصرفی نانوایی‌ها اظهار کرد: بر اساس مصوبه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و وزارت کشور، درصد سبوس‌گیری آرد واحدهای خبازی کاهش یافته، به طوری که میزان سبوس‌گیری آرد نان بربری از ۱۸ به ۱۲ درصد، نان سنگک از ۱۲ به ۶ درصد و نان‌های لواش و تافتون از ۱۵ به ۱۰ درصد رسیده، کاهش درصد سبوس‌گیری به این معناست که میزان بیشتری از سبوس گندم در آرد باقی می‌ماند و در نتیجه، آرد تحویلی به نانوایی‌ها نسبت به گذشته تیره‌تر شده، این تغییر در رنگ نان تولیدی نیز قابل مشاهده است.
رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف ایران با اشاره به تاثیر تغییرات آرد بر کیفیت نان گفت: با کاهش درصد سبوس‌گیری، رنگ نان تولیدی تیره‌تر شده و از سوی دیگر، این تغییرات بر ماندگاری نان نیز تاثیر گذاشته است؛ به‌گونه‌ای که به گفته فعالان بخش نانوایی، روند بیات شدن نان سریع‌تر از گذشته اتفاق می‌افتد. کارشناسان وزارت بهداشت نیز در این زمینه دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کنند و معتقدند افزایش میزان سبوس در آرد می‌تواند مزایایی داشته باشد، اما از نگاه فعالان صنف نانوایی تغییر رنگ و کاهش ماندگاری نان از پیامدهای اجرای این مصوبه بوده، این تغییرات بر اساس استانداردهای جدید و مصوبات مربوطه در حال اجراست و بررسی دقیق آثار آن بر کیفیت نان نیازمند اظهارنظر کارشناسی است.

مسمومیت‌های الکلی در چند شهر

مسمومیت های اخیر با مشروبات الکلی در چند شهر بار دیگر زنگ خطر مصرف الکل‌های تقلبی و آلوده به متانول را به صدا درآورده است؛ خطری که به گفته رئیس بخش مسمومان بیمارستان لقمان تهران، ممکن است در ساعات ابتدایی با علائم معمول مستی ظاهر شود، اما چند ساعت بعد به آسیب‌های جبران‌ناپذیر چشمی و مغزی، کوری و حتی مرگ بینجامد.
شاهین شادنیا در گفت‌وگو با «ایسنا» درباره ادعای امکان تشخیص الکل سمی با روش‌های خانگی اظهار کرد: ادعاهایی درباره امکان تشخیص الکل‌های سمی با روش‌هایی مانند سوزاندن و بررسی رنگ شعله در شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌شود، اما هیچ‌یک از اینها، روش‌های استانداردی نیستند. بنابراین، هیچ‌کدام از ادعاهای مطرح‌شده معیاری برای تشخیص الکل سمی، تقلبی یا اتیلیک نیست. در مجموع، هیچ روش خانگی برای تشخیص الکل سمی یا اتیلیک وجود ندارد.
او درباره تفاوت مسمومیت با اتانول و متانول توضیح داد: هنگامی که افراد بنا به دلایل مختلف مانند خودکشی نسبت به مصرف زیاد این الکل اقدام می‌کنند، چنین شرایطی می‌تواند علائمی از مسمومیت را ایجاد کند که به طور معمول مسمومیتی کم‌خطر در اغلب موارد به حساب می‌آید. اینطور نباید تصور کرد که مسمومیت با اتانول مسمومیتی بی‌خطر به حساب می‌آید، بلکه مسمومیتی کم‌خطر است که با اقدامات درمانگاهی ساده قابلیت درمان دارد. شادنیا با بیان اینکه مصرف الکل‌های سمی موضوعی نگران‌کننده است، تصریح کرد: الکل متیلیک (متانول) و اتیلن گلایکول که با عنوان «ضد یخ» نیز شناخته می‌شود، الکل‌های سمی هستند. هنگامی که این الکل‌ها وارد بدن می‌شوند، فعل و انفعالات متابولیک روی این الکل‌ها صورت می‌گیرد و «متابولیت‌ها» یا مواد واسطه را تولید می‌کنند که به طور کامل سمی هستند. این مواد سمی برای الکل متانول می‌تواند سبب کوری، خونریزی در مغز و حتی منجر به مرگ فرد شود.

سرمایه هنرستان‌ها تا ابد با دانش‌آموز می‌ماند

مدارسی برای پرورش فرهنگ تولید، خوداتکایی و کارآفرینی



شاید اگر به سال‌های نه‌چندان دور برگردیم، تصویر متفاوتی از هنرستان در ذهن بسیاری از ما شکل بگیرد. آن روزها وقتی دانش‌آموزی در درس ریاضی چندان موفق نبود، با فرمول‌ها و محاسبات ارتباط برقرار نمی‌کرد، از خواندن ادبیات و حفظ کردن مطالب کتاب‌های درسی لذت نمی‌برد یا علاقه‌ای به رشته‌های تجربی و علوم نظری نداشت، گاهی هنرستان را به‌عنوان مسیر بعدی انتخاب می‌کرد. در نگاه بخشی از خانواده‌ها و حتی برخی مشاوران مدرسه، رفتن به هنرستان بیشتر شبیه انتخابی جایگزین بود؛ مسیری برای دانش‌آموزانی که تصور می‌شد در رقابت رشته‌های نظری چندان موفق نخواهند بود.

به گزارش «آگاه» وقتی مسیر زندگی دانش‌آموزان را حداقل در دوره تحصیلی خودمان مرور می‌کنیم، به واقعیتی جالب می‌رسیم. بسیاری از کسانی که روزی به دلیل علاقه نداشتن به درس‌های نظری راهی هنرستان شده بودند، توانستند زودتر از هم‌سالان خود وارد بازار کار شوند، حرفه‌ای یاد بگیرند، درآمد کسب کنند و حتی کسب‌وکار خودشان را راه بیندازند. بعضی از آنها تعمیرکاران ماهر، تکنسین‌های متخصص، طراحان خلاق، حسابداران موفق یا صاحبان کارگاه‌ها و مشاغل مستقلی شدند که زندگی‌شان را بر اساس علاقه و توانایی‌های خود ساختند.
نکته جالب اینجاست که شاید بعضی از همین افراد همچنان ادبیات را دوست داشتند، به شعر علاقه‌مند بودند یا از مباحث علمی لذت می‌بردند، اما مهارتی که در دوران تحصیل آموخته بودند، دریچه‌ای به دنیای کار و استقلال اقتصادی برایشان باز کرده بود. آنها به‌جای اینکه صرفا دانسته‌های نظری خود را افزایش دهند، یاد گرفته بودند کاری را با دست و ذهن خود انجام دهند؛ چیزی بسازند، مشکلی را حل کنند یا خدمتی ارائه دهند که دیگران به آن نیاز داشتند.
امروز که به آن تجربه‌ها نگاه می‌کنیم، شاید بتوانیم بگوییم مسئله اصلی این نبود که آن دانش‌آموزان در درس ریاضی یا ادبیات ضعیف بودند مسئله این بود که نظام آموزشی و جامعه هنوز به‌درستی تفاوت استعدادها، علاقه‌ها و شیوه‌های یادگیری افراد را به رسمیت نمی‌شناختند. همه قرار نبود از یک مسیر عبور کنند و همه موفقیت‌ها نیز به گرفتن مدرک دانشگاهی ختم نمی‌شد.
البته این به معنای آن نیست که هنرستان باید انتخاب دانش‌آموزان ضعیف در درس‌های نظری باشد. اتفاقا چنین برداشتی یکی از نگرش‌هایی است که باید تغییر کند. هنرستان می‌تواند انتخاب آگاهانه دانش‌آموزی باشد که به کار عملی، فناوری، ساختن، طراحی، تولید و تجربه کردن علاقه دارد؛ دانش‌آموزی که می‌خواهد استعداد خود را در محیطی متفاوت از کلاس درس و کتاب‌های نظری پرورش دهد.

جامعه برای ادامه حیات و پیشرفت، همان‌قدر که به پزشک، مهندس، معلم و پژوهشگر نیاز دارد، به برق‌کار ماهر، تکنسین صنعتی، مکانیک خودرو، برنامه‌نویس و هزاران نیروی فنی و حرفه‌ای دیگر نیازمند است

واقعیت این است که جامعه برای ادامه حیات و پیشرفت، همان‌قدر که به پزشک، مهندس، معلم و پژوهشگر نیاز دارد، به برق کار ماهر، تکنسین صنعتی، مکانیک خودرو، برنامه‌نویس، طراح، متخصص کشاورزی و هزاران نیروی فنی و حرفه‌ای دیگر نیز نیازمند است. هیچ کارخانه‌ای تنها با دانش نظری اداره نمی‌شود و هیچ چرخه تولیدی بدون حضور نیروی انسانی ماهر به حرکت درنمی‌آید.
شاید به همین دلیل است که امروز باید دوباره به جایگاه هنرستان‌ها نگاه کنیم نه به عنوان مسیری فرعی در نظام آموزشی، بلکه به عنوان یکی از مسیرهای اصلی تربیت نیروی انسانی، ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی کشور.
رشته‌های هنرستانی در چهار حوزه صنعت، خدمات، کشاورزی و هنر تعریف شده‌اند. از برق صنعتی، مکانیک، تاسیسات و صنایع فلزی گرفته تا حسابداری، رایانه، گرافیک، طراحی دوخت، کشاورزی و رشته‌های هنری، طیف متنوعی از مهارت‌ها در این مراکز آموزش داده می‌شود.
بنابراین تفاوت اصلی هنرستان و دبیرستان را نباید در میزان اعتبار یا ارزش آنها جست‌وجو کرد بلکه این دو مسیر، پاسخ‌گوی استعدادها و اهداف متفاوت دانش‌آموزان هستند. دانش‌آموزی که علاقه‌مند به پژوهش‌های علمی و ادامه تحصیل در رشته‌های نظری است، می‌تواند دبیرستان را انتخاب کند و دانش‌آموزی که از ساختن، تعمیر کردن، طراحی یا کار با ابزار و فناوری لذت می‌برد، فرصت دارد توانایی‌هایش را در هنرستان پرورش دهد.
نکته مهم آن است که ورود به هنرستان به معنای بسته شدن مسیر دانشگاه نیست. هنرجویان پس از دریافت دیپلم نیز می‌توانند از مسیرهای پیش‌بینی‌شده برای ادامه تحصیل در مقاطع دانشگاهی استفاده کنند. درواقع، هنرستان می‌تواند هم سکوی ورود به بازار کار باشد و هم نقطه آغاز مسیری برای تحصیلات تخصصی‌تر.

سرمایه‌ای که با فرد می‌ماند

تصور کنید نوجوانی در رشته برق تحصیل می‌کند. او در دوران هنرستان تنها درباره جریان الکتریکی، مدارها و تجهیزات برقی مطالعه نمی‌کند بلکه فرصت دارد با ابزارهای واقعی کار کند، مدار ببندد، عیب یک سیستم را پیدا کند و روش نصب و تعمیر تجهیزات را بیاموزد. پس از فارغ‌التحصیلی، این دانش‌آموز در مقایسه با فردی که صرفا اطلاعات نظری درباره برق دارد، می‌تواند تجربه عملی بیشتری برای ورود به محیط کار داشته باشد.
همین موضوع درباره هنرجوی رشته مکانیک، حسابداری، گرافیک، رایانه، کشاورزی یا طراحی دوخت نیز صدق می‌کند. خروجی مطلوب هنرستان صرفا دانش‌آموزی نیست که یک دیپلم تخصصی دریافت کرده باشد بلکه فردی است که بخشی از توانایی‌های مورد نیاز یک حرفه را آموخته و می‌تواند از آن برای ارائه خدمت، تولید محصول یا حل یک مسئله استفاده کند.
این مهارت‌ها فقط به کار با ابزار و دستگاه محدود نمی‌شوند. توانایی حل مسئله، دقت، مسئولیت‌پذیری، رعایت استانداردهای حرفه‌ای، کار گروهی، مدیریت زمان، ارتباط با مشتری و آشنایی با الزامات محیط کار نیز از جمله توانایی‌هایی هستند که در مسیر مهارت‌آموزی باید پرورش پیدا کنند.
از همین منظر، هنرستان‌ها می‌توانند در کاهش فاصله میان آموزش و اشتغال نقش مهمی داشته باشند. یکی از مشکلات بازار کار، وجود همزمان فرصت‌های شغلی و نیروی انسانی جویای کار، در کنار کمبود افرادی است که مهارت متناسب با آن فرصت‌ها را در اختیار داشته باشند.
به بیان دیگر، مسئله تنها تعداد فارغ‌التحصیلان یا تعداد افراد جویای کار نیست بلکه تناسب میان توانایی نیروی انسانی و نیاز واقعی مشاغل نیز اهمیت دارد. ممکن است یک واحد صنعتی برای راه‌اندازی یا توسعه خط تولید خود به تکنسین ماهر نیاز داشته باشد، اما در مقابل، تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان رشته‌های دانشگاهی وجود داشته باشند که آموزش‌های لازم برای انجام آن کار را ندیده‌اند.
در چنین شرایطی، آموزش مهارتی می‌تواند بخشی از این شکاف را جبران کند؛ البته به شرط آنکه رشته‌های آموزشی، تجهیزات کارگاهی و محتوای درسی متناسب با تغییرات بازار کار و نیازهای واقعی اقتصاد طراحی شوند.

از شعار تولید تا کارگاه‌های هنرستان

موضوع مهارت‌آموزی و ارتباط آن با تولید، در سال ۱۴۰۰ و همزمان با نام‌گذاری این سال به عنوان «تولید، پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها» از سوی مقام رهبری، اهمیت بیشتری پیدا کرد. این نام‌گذاری ادامه مسیری بود که در سال‌های پیش از آن نیز بر حمایت از تولید داخلی تاکید داشت؛ از «حمایت از کالای ایرانی» در سال ۱۳۹۷ تا «رونق تولید» در سال ۱۳۹۸ و «جهش تولید» در سال ۱۳۹۹.
در نگاه نخست، ممکن است تصور شود تحقق شعار سال بیشتر به سیاست‌های اقتصادی، حمایت‌های مالی، رفع موانع کسب‌وکار و فعالیت کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی مربوط است، اما آموزش و پرورش نیز در این میان نقش مهمی دارد. دانش‌آموزان امروز، نیروی انسانی فردای کشور هستند. اگر نظام آموزشی بتواند از سال‌های تحصیل، مهارت، فرهنگ کار، اخلاق حرفه‌ای و شناخت چرخه تولید را در آنها تقویت کند، بخشی از زیرساخت انسانی مورد نیاز برای توسعه اقتصادی کشور را فراهم کرده است.
از این منظر، هنرستان‌ها یکی از مستقیم‌ترین مسیرهای پیوند آموزش با تولید هستند. تولید کالای باکیفیت، تنها به ماشین‌آلات و سرمایه وابسته نیست نیروی انسانی ماهر نیز یکی از مهم‌ترین ارکان آن به شمار می‌رود. کارگری که با اصول فنی آشناست، تکنسینی که توانایی تشخیص و رفع عیب دستگاه را دارد و طراحی که می‌تواند محصولی متناسب با نیاز بازار خلق کند، هرکدام بخشی از زنجیره تولید را تکمیل می‌کنند.
حتی در حوزه فرهنگ مصرف نیز آموزش و پرورش می‌تواند اثرگذار باشد. دانش‌آموزی که با فرآیند تولید یک محصول آشنا می‌شود، بهتر می‌تواند اهمیت کیفیت، استاندارد، بهره‌وری و حمایت از تولید داخلی را درک کند.
بنابراین، هنرستان‌ها فقط مراکزی برای آموزش چند حرفه مشخص نیستند آنها می‌توانند به پایگاه‌هایی برای پرورش فرهنگ تولید، خوداتکایی و کارآفرینی تبدیل شوند. البته تحقق چنین هدفی نیازمند آن است که آموزش‌ها از فضای محدود کلاس و کارگاه مدرسه فراتر بروند و با محیط واقعی تولید ارتباط پیدا کنند.

فعالیت ۱۰۰ هنرستان در راستای نیاز بازار کار

معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش گفت: توسعه هنرستان‌ها با هدف تربیت نیروی انسانی ماهر و متناسب با نیاز بازار کار و در راستای تحقق هدف‌گذاری برنامه هفتم توسعه دنبال می‌شود.



سیدمصطفی آذرکیش با اشاره به برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش در حوزه توسعه آموزش‌های مهارتی اظهار کرد: براساس برنامه هفتم توسعه، وزارت آموزش و پرورش موظف است سهم دانش‌آموزان را در آموزش‌های مهارت‌محور در دوره متوسطه دوم به ۵۰ درصد افزایش دهد. وی ادامه داد: یکی از رویکردهای مهم این وزارتخانه، توسعه هنرستان‌ها و ایجاد فضاهای آموزشی متناسب با نیاز بازار کار است که در همین راستا، راه‌اندازی هنرستان‌های جوار کارخانه و صنایع در دستور کار قرار گرفته است.
آذرکیش افزود: در سال گذشته ۸۷ هنرستان جوار صنعت و کارخانه راه‌اندازی شد و امسال نیز تعداد این هنرستان‌ها به بیش از ۱۰۰ واحد رسیده است که هم اکنون در حال فعالیت هستند. معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش با اشاره به استقبال خیرین از مشارکت در توسعه فضاهای آموزش مهارتی گفت: در دو مرحله، بیش از ۶۲۰ میلیارد تومان اعتبار برای تامین تجهیزات هنرستان‌ها اختصاص یافته است. آذرکیش توسعه و تجهیز رشته‌های هنرستانی را از برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش دانست و گفت: ضرورت تقویت آموزش‌های مهارتی متناسب با نیازهای صنعت و بازار کار در دستور کار است چرا که این رویه می‌تواند در آینده در زمینه کسب و کار و اشتغال‌زایی موثر واقع شود.
آذرکیش خاطرنشان کرد: در سال تحصیلی پیش رو ۲۸ هزار مدرسه دولتی و غیردولتی در مقطع متوسطه اول، ۱۲ هزار مدرسه متوسطه دوم (نظری) و ۱۰ هزار و ۳۰۰ واحد آموزشی فنی و کاردانش در کشور فعال است.

افزایش سهم آموزش مهارتی در نظام آموزشی



عباس بیات، کارشناس آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش: اشتغال متغیری وابسته به تولید است و زمانی که تولید در کشور رونق بگیرد، زمینه اشتغال نیز فراهم می‌شود. بنابراین، برای تحقق تولید، وجود نیروی انسانی دارای توانایی، شایستگی و مهارت ضروری است. صرف اعطای تسهیلات و وام نمی‌تواند به ایجاد کسب‌وکارهای پایدار منجر شود، اگر افراد توانایی تولید کردن نداشته باشند و آن را به خوبی نشناسند، حتی با دریافت تسهیلات نیز ممکن است پس از مدتی با شکست مواجه شوند. بنابراین باید مهارت‌های تولید، چه مهارت‌های فنی و چه غیرفنی، به‌درستی آموزش داده شوند.
این نگاه، جایگاه آموزش مهارتی را از یک موضوع صرفا آموزشی فراتر می‌برد. هنرستان‌ها می‌توانند زمینه تربیت نیروی انسانی مورد نیاز واحدهای تولیدی را فراهم کنند نیرویی که نه تنها با مبانی یک حرفه آشناست، بلکه توانایی انجام بخشی از فعالیت‌های واقعی آن را نیز دارد.
حدود یک میلیون و ۱۷۰ هزار هنرجو در دوره متوسطه دوم در این مراکز تحصیل می‌کنند که نزدیک به ۴۰ درصد دانش‌آموزان این دوره را تشکیل می‌دهند. حدود ۹۴ درصد این هنرجویان در هنرستان‌های دولتی و ۶ درصد در مراکز غیردولتی مشغول به تحصیل هستند.
سالانه حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار نفری جمعیت هنرجویان طی دو تا سه سال اخیر افزایش پیدا می‌کند. همچنین در برنامه هفتم توسعه، ورود حدود ۵۰ درصد دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم به هنرستان‌ها پیش‌بینی شده است.
این ارقام نشان می‌دهد آموزش مهارتی به تدریج سهم بیشتری در نظام آموزشی کشور پیدا کرده است، اما افزایش تعداد هنرجویان به‌تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده موفقیت این مسیر باشد. آنچه اهمیت دارد، کیفیت مهارت‌هایی است که دانش‌آموزان فرا می‌گیرند و میزان انطباق آنها با نیازهای واقعی بازار کار.



علیرضا زاکانی، شهردار تهران:
اتصال پنج ورودی تهران به شبکه ریلی دنبال می‌شود

۱۳ جان‌باخته درواژگونی مرگبار اتوبوس در دهلران
تراژدی در مسیر دشت‌عباس



به گزارش «آگاه» شامگاه شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۵، واژگونی اتوبوس حامل کارکنان مجتمع پتروپالایش NGL دهلران در محور دشت عباس به مورموری آبدانان، به یکی از تلخ‌ترین حوادث جاده‌ای استان ایلام تبدیل شد. در این سانحه ۱۳ نفر از کارکنان جان خود را از دست دادند و ۱۷ نفر نیز مصدوم شدند؛ حادثه‌ای که علاوه بر داغدار کردن خانواده‌های قربانیان، موجی از واکنش‌ها و مطالبات مردمی را در شهرستان‌های آبدانان و دهلران به دنبال داشت.

بلافاصله پس از اعلام حادثه، نیروهای اورژانس، هلال احمر و گروه‌های امدادی در محل حاضر شدند و عملیات امدادرسانی، انتقال مصدومان و انتقال پیکر جان‌باختگان را آغاز کردند. بخشی از مصدومان برای دریافت خدمات درمانی به مراکز درمانی دزفول و تعدادی نیز به دهلران منتقل شدند.

ابعاد حادثه و شمار جان باختگان موجب شد استان ایلام یک روز و شهرستان آبدانان دو روز عزای عمومی اعلام کنند. در همان ساعات اولیه، موضوع بررسی علت حادثه و شناسایی عوامل احتمالی آن در دستور کار دستگاه‌های مسئول قرار گرفت.

سه عامل موثر در حادثه از نگاه پلیس

با گذشت حدود ۲۴ ساعت از حادثه، سرهنگ کامران آرمان، رئیس پلیس راه استان ایلام، نتایج اولیه بررسی‌های کارشناسی را تشریح کرد. بر اساس توضیحات وی، بررسی‌ها سه محور اصلی را در وقوع و تشدید پیامدهای این سانحه مشخص کرده بود: خطای راننده، تخلفات شرکت بهره‌بردار در نحوه جابه‌جایی کارکنان و نقص تجهیزات ایمنی جاده.

آرمان درباره عامل نخست گفت: راننده اتوبوس ولوو با رعایت نکردن سرعت مطمئنه و ناتوانی در کنترل وسیله نقلیه، مرتکب تخلف شده است. اما موضوع به عملکرد راننده محدود نماند. به گفته رئیس پلیس راه ایلام، شرکت راه‌اندازی و بهره‌برداری صنایع نفت، کارکنان خود را در قالب سرویس دربستی جابه‌جا می‌کرد، در حالی که قراردادهای منعقدشده با ضوابط حمل‌ونقل عمومی مسافر انطباق نداشت. این موضوع از نظر پلیس، تخلفی در سازوکار قانونی حمل‌ونقل کارکنان محسوب می‌شد.

عامل سوم به وضعیت ایمنی جاده مربوط بود. سرهنگ آرمان اعلام کرد که در محدوده وقوع حادثه، حفاظ طولی مناسب نصب نشده بود و این موضوع با ضوابط ایمنی راه‌ها مغایرت داشت. بر اساس توضیحات پلیس، نبود حفاظ مناسب در تشدید پیامدهای حادثه نقش داشته است؛ بنابراین باید میان علت اصلی واژگونی و عواملی که شدت خسارت را افزایش داده‌اند، تفاوت قائل شد.

ورود دستگاه قضایی و اعلام جرم علیه مدیران

همزمان با اعلام نتایج بررسی‌های کارشناسی، دستگاه قضایی نیز وارد پرونده شد. عبدالوهاب بخشنده، دادستان عمومی و انقلاب ایلام، با استناد به گزارش‌های میدانی و نظریه کارشناسی تصادفات، از اعلام جرم علیه مدیرعامل شرکت NGL دهلران و مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان خبر داد.

این اقدام با هدف بررسی مسئولیت مدیران و دستگاه‌های مرتبط انجام شد. به این ترتیب، پرونده از بررسی صرف رفتار راننده فراتر رفت و عملکرد شرکت بهره‌بردار و مسئولان حوزه نگهداری و ایمنی راه نیز در معرض رسیدگی قرار گرفت.

همچنین در پی اعلام نتایج بررسی‌ها، مدیرعامل و اعضای هیات مدیره شرکت مربوطه از سوی شرکت سرمایه‌گذاری بالادستی برکنار شدند؛ اقدامی مدیریتی که در کنار پیگیری قضایی پرونده صورت گرفت، اما جایگزین تعیین تکلیف نهایی مسئولیت‌های قانونی نیست.

اعتراضات آبدانان؛ مطالبه برخورد با مقصران

با انتشار جزئیات حادثه، فضای عمومی آبدانان تحت تاثیر این اتفاق قرار گرفت. مردم این شهرستان که شماری از قربانیان را از نزدیک می‌شناختند، خواستار روشن شدن ابعاد سانحه و برخورد قانونی با عوامل احتمالی آن شدند.

در روزهای پس از حادثه، تجمعاتی در آبدانان شکل گرفت. گزارش‌های منتشرشده از تجمع شماری از افراد در میدان ولی عصر این شهر حکایت داشت. حاضران با سر دادن شعارهایی از جمله «عزا عزاست امروز» و «استعفا استعفا»، خواستار پاسخگویی مسئولان و برخورد با مقصران حادثه شدند.

مطالبات مطرح‌شده در این تجمعات عمدتا حول چند محور بود: مشخص شدن علت دقیق حادثه، برخورد با مدیران و مسئولان دارای قصور، رسیدگی به وضعیت خانواده‌های جان باختگان و توجه به مشکلات ایمنی جاده‌ها و سرویس‌های رفت‌وآمد کارکنان.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، در ادامه تجمع، جمعیت از میدان ولی‌عصر به سمت برخی خیابان‌های دیگر حرکت کرد و بخشی از شعارها نیز از موضوع اولیه حادثه فراتر رفت. با این حال، گزارش‌ها حاکی از آن بود که خانواده‌های جان‌باختگان در بیانیه‌ای مشترک، خواستار پیگیری مطالبات از مسیر قانونی شدند و بر ضرورت حفظ آرامش تاکید کردند.

در این بیانیه، خانواده‌ها روشن شدن همه ابعاد حادثه و احقاق حقوق مادی و معنوی قربانیان را مطالبه کردند و اعلام داشتند که تا شناسایی عوامل حادثه، پیگیری پرونده را از طریق مراجع قانونی ادامه خواهند داد.

بازتاب رسانه‌ای حادثه و روایت‌های متفاوت

حادثه اتوبوس دهلران در کنار بازتاب گسترده داخلی، مورد توجه رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور و برخی جریان‌های معاند نیز قرار گرفت. این رسانه‌ها با انتشار تصاویر تجمعات و بازتاب شعارهای معترضان، تلاش کردند ابعاد اجتماعی و سیاسی اتفاقات آبدانان را برجسته کنند.

در بخشی از این پوشش‌ها، تمرکز از اصل سانحه و مطالبات خانواده‌ها به سمت اعتراضات خیابانی و روایت‌هایی درباره وضعیت عمومی منطقه تغییر کرد. انتشار ویدئوهای مربوط به تجمعات، بازنشر تصاویر با توضیحات و صداگذاری‌های متفاوت و برجسته کردن شعارهای سیاسی از جمله مواردی بود که در بازتاب این حادثه مورد توجه قرار گرفت. در مقابل، برخی گزارش‌های داخلی مبنی بر این بود که تعدادی از تصاویر منتشرشده در فضای مجازی با صداگذاری متفاوت بازنشر شده و بعضی فراخوان‌ها نیز از سوی افرادی خارج از کشور منتشر شده است. هدف این اقدامات بهره‌برداری سیاسی از فضای احساسی ایجادشده پس از حادثه و تبدیل مطالبه پاسخگویی به تنش‌های گسترده‌تر بود.

آنچه روشن است، حادثه‌ای با ۱۳ جان‌باخته و ۱۷ مصدوم، به موضوعی فراتر از یک سانحه رانندگی تبدیل شد و دو روایت متفاوت از آن در فضای رسانه‌ای شکل گرفت: روایت خانواده‌ها و شهروندانی که خواهان پاسخگویی و رسیدگی قانونی بودند و روایت‌هایی که بر جنبه‌های سیاسی تجمعات تمرکز داشتند.

پایان حادثه یا آغاز یک روند پاسخگویی؟

واژگونی اتوبوس کارکنان NGL دهلران، با ۱۳ جان باخته و ۱۷ مصدوم، ابعاد مختلفی از موضوع ایمنی حمل‌ونقل نیروی انسانی را در کانون توجه قرار داد. گزارش کارشناسی پلیس، خطای راننده، تخلفات شرکت بهره‌بردار و نقص تجهیزات ایمنی جاده را در پرونده مطرح کرده و دستگاه قضایی نیز بررسی مسئولیت مدیران مرتبط را آغاز کرده است.

در کنار این اقدامات، حمایت از خانواده‌های جان‌باختگان، درمان مصدومان، اصلاح سازوکار سرویس‌های کارکنان و ایمن‌سازی مسیرهای منطقه از جمله وعده‌ها و برنامه‌هایی است که مسئولان اعلام کرده‌اند.

با این حال، باید میان اعلام جرم، برکناری مدیران و صدور حکم قضایی تفاوت قائل شد. نتیجه نهایی پرونده زمانی روشن خواهد شد که مراجع قضایی پس از بررسی مستندات، مسئولیت هریک از عوامل را مشخص کنند.

حادثه دهلران علاوه بر خسارت انسانی سنگین، بار دیگر اهمیت نظارت بر حمل‌ونقل کارکنان صنایع نفت و گاز و رعایت استانداردهای ایمنی در مسیرهای تردد نیروهای عملیاتی را یادآوری کرد؛ موضوعی که پیگیری آن می‌تواند از تکرار حوادث مشابه جلوگیری کند.

علت حادثه اتوبوس دهلران: سرعت غیرمجاز و ناتوانی راننده در کنترل خودرو

رئیس سازمان راهداری گفت: براساس بررسی‌های انجام‌شده از حادثه اتوبوس دهلران، سرعت غیرمجاز و ناتوانی راننده در کنترل وسیله نقلیه هنگام عبور از قوس جاده، علت وقوع این حادثه بوده است.

رضا اکبری، رئیس سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، با اشاره به علت حادثه اتوبوس دهلران اظهار کرد: بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، سرعت غیرمجاز و ناتوانی راننده در کنترل وسیله نقلیه هنگام عبور از قوس جاده، علت وقوع این حادثه بوده است.

وی افزود: پیش از وقوع این حادثه، پلیس هیچ‌گونه اخطاری درباره این نقطه صادر نکرده بود و محل وقوع تصادف نیز در فهرست نقاط حادثه‌خیز قرار نداشت.

رئیس سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای با بیان اینکه تصادف در یک محور فرعی رخ داده است، تصریح کرد: جاده‌های فرعی کشور دارای پیچ‌ها و قوس‌های متعددی هستند. همان‌طور که در محورهایی مانند جاده چالوس و هراز نیز با وجود اصلی بودن مسیر، پیچ و قوس‌های فراوانی وجود دارد.

اکبری ادامه داد: بر اساس آخرین گزارش‌های دریافتی، سرعت راننده اتوبوس از سرعت مطمئنه بیشتر بوده و وی هنگام عبور از قوس جاده نتوانسته وسیله نقلیه را کنترل کند.

رئیس سازمان راهداری، یادآور شد: ممکن است در یک ارزیابی کلی، ایمنی محور مورد بحث قرار گیرد، اما جاده‌های فرعی کشور برای تردد با سرعت ۴۵ تا ۶۰ کیلومتر بر ساعت از ایمنی لازم برخوردارند و نمی‌توان انتظار داشت این مسیرها برای سرعت‌های ۸۵ تا ۹۰ کیلومتر بر ساعت نیز ایمن باشند.

اکبری در پایان خاطرنشان کرد: اتوبوس حادثه‌دیده با سرعتی بیش از ۸۰ کیلومتر بر ساعت در حال حرکت بوده و این سرعت با شرایط هندسی و ایمنی جاده فرعی تناسب نداشته است.

پیگیر وضعیت بازماندگان حادثه اتوبوس دهلران هستیم



مهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهوری با تسلیت درگذشت ۱۳ متخصص منطقه آبدانان استان ایلام اظهار کرد: به نمایندگی از رئیس جمهوری ماموریت داشتم در منطقه حضور پیدا کنم تا با بررسی ابعاد حادثه، مراتب همدردی و تسلیت دولت را به بازماندگان اعلام کنم و به وضعیت مصدومان این حادثه نیز رسیدگی شود.

معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهوری با اشاره به اقدامات انجام‌شده پس از وقوع این حادثه گفت: در سطح استان بلافاصله پس از وقوع حادثه اقدامات مناسبی برای رسیدگی به وضعیت حادثه‌دیدگان انجام شد.

طباطبایی با تاکید بر ضرورت توجه به وضعیت خانواده‌های جان‌باختگان و پیشگیری از تکرار حوادث مشابه تصریح کرد: در مواجهه با حوادث تلخی از این دست، باید در دو سطح اقدام کنیم؛ نخست، تلاش برای تسلی خاطر بازماندگان و جبران بخشی از خسارت‌ها و آسیب‌های واردشده و دوم، اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از وقوع دوباره چنین حوادثی در سطح کشور.

وی ابراز امیدواری کرد که با پیگیری و اقدامات پیشگیرانه، در آینده شاهد وقوع حوادث مشابه نباشیم.

سخن‌ورزی معنابخش در برابر سخن پراکنی بی‌شنیدن
هیاهوی سخن در شهر بی‌گوش

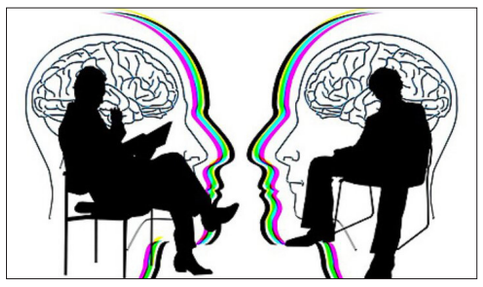

پروین قائمی، آگاه مسائل اجتماعی: در خیابان‌ها، در جلسات دانشگاه، در شبکه‌های اجتماعی، همه می‌گویند. هرکس چیزی برای گفتن دارد؛ گویی جهان تبدیل شده به دریای بی‌پایانی از واژه‌ها. اما در این طوفان حرف و جمله، کسی گوش واقعی ندارد. شنیدن به عادتی فراموش‌شده بدل شده، همان‌گونه که سکوت به رفتاری مظنون.

ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که «سکوت» نه نشانه تامل، بلکه علامت عقب‌ماندگی تلقی می‌شود. در هر جمعی، هر بحثی، هر فضای مجازی، گویی ارزش آدمی به میزان مشارکت صوتی‌اش بستگی دارد، نه به عمق حضورش در فهم دیگری.

ما امروز، بیش از آنکه گرفتار کمبود آزادی بیان باشیم، درگیر فقدان آزادی شنیدن هستیم. همه مجاز به سخن گفتن‌اند، اما کمتر کسی مجاز به خاموشی گوش‌دهنده است.

از گفت‌وگو تا سخن‌پراکنی: سقوط معنا در مسیر واژه

روزگاری واژه «گفت‌وگو» در فارسی بار معنای سنگینی داشت؛ دو سویه بود، همچون پلی میان دو ذهن. گفت‌وگو یعنی «رفتن تا لب دیگری»، نه «برگرداندن صدای خود». اما امروز واژه‌ها بی‌صبر شده‌اند، می‌خواهند فورا تخلیه شوند، مثل عقده‌هایی که باید بر زمین ریخته شوند تا سبک شویم.

در این فضای خسته از شنیدن، ما از «سخن‌ورزی معنابخش» یعنی گفتن مسئولانه و جویای پاسخ و معنا به سمت «سخن‌پراکنی بی‌شنیدن» سر خورده‌ایم. گفتارها نه برای درک و پیوند، بلکه برای اثبات و برتری روان می‌شوند. گفت‌وگوهای روزمره به شکلی از مونولوگ دوطرفه تبدیل شده‌اند؛ هرکس نوبت خویش را انتظار می‌کشد تا بگوید، نه تا بفهمد.

همان ضرب‌المثل معروف تمام این وضعیت را خلاصه می‌کند: «خدا دو گوش داد و یک زبان؛ تا دو برابر بشنویم و کمتر بگوییم.»

اما ما نظام این معادله را وارونه کرده‌ایم: دو زبان داریم و هیچ گوش.

جامعه خسته از مونولوگ: روان جمعی بی‌استماع

وقتی شنیدن از میان می‌رود، گفتار به میدان فریاد بدل می‌شود. مناظره‌های تلویزیونی، به کامنت‌های مجازی، جلسات اداری و حتی گفت‌وگوهای خانوادگی؛ همه سخنگوی درد خویش‌اند، اما هیچ‌کس راوی فهم دیگری نیست.

این وضعیت فقط اجتماعی نیست، روانی هم هست. ما از فشاری درونی رنج می‌بریم؛ از نیاز به تخلیه درونی. واژه‌ها به سوپاپ‌های هیجانات محبوس بدل شده‌اند. گوینده سبک می‌شود، شنونده خسته و معنا در این میان گم می‌شود.

در چنین جامعه‌ای، گفتار دیگر ابزار ساخت معنا نیست، فقط مکانی است برای تخلیه احساسات بی‌سرانجام. سخن‌پراکنی جای گفت‌وگو را می‌گیرد و نتیجه، همهمه‌ای است که معنا را دفن می‌کند.

اما تناقض اینجاست: هرچه بیشتر حرف می‌زنیم، فاصله‌ها بیشتر می‌شوند. گفتار فراوان نه پل، بلکه دیوار می‌سازد. ما فکر می‌کنیم تکرار سخن و حضور دائمی در گفتار نوعی مشارکت است، اما حقیقت آن است که حضور بی‌گوش، غیبت واقعی است.

در این ازدحام واژه‌ها، سکوت، نجیب‌ترین شکل گفت‌وگوست.

این جمله دیگر نه استعاره، که واقعیت زیستی ماست. جامعه خسته از مونولوگ نیازمند حوزه‌ای تازه برای نفس کشیدن است؛ حوزه سکوت فعال، سکوت فهمنده، همان سکوتی که فضا را باز می‌کند تا دیگری سخن بگوید.

سخن‌ورزی معنابخش: هنر بازگرداندن معنا

چاره در بازگشت به «سخن‌ورزی معنابخش» است؛ نه فقط گفتن، بلکه گفتن همراه با نیت شنیدن. سخن‌ورزی درست فارسی مفهومی بود نزدیک به ادب حضور؛ چیزی میان زبان و نیت. در این سنت، گوینده پیش از سخن، گوش دل را می‌گشود تا دیگری را در خویش بپذیرد.

سخن‌ورزی معنابخش با تکیه بر سه اصل بازمی‌گردد:

تامل پیش از گفتار: پیش از سخن باید دانست آیا نیازی به آن هست یا خیر؛ هر گفتار باید ضرورت داشته باشد، نه از سر عادت.

شنیدن همچون کنش فعال: گوش دادن نه سکوت منفعل، بلکه عمل فهم است؛ شنونده در حقیقت شریک معناست.

صدق نیت در زبان: زبان معنابخش، فرزند نیت خیر است. هر واژه‌ای که از نیت خالص برنخیزد، فاقد توان ارتباطی است.

در چنین بازسازی‌ای، گفت‌وگو به عبادتی مدنی تبدیل می‌شود؛ راهی برای پالایش جمع، نه صرفا تبادل اطلاعات. همان هرمنوتیک خاموشی که در سخن‌ورزی کهن ایرانی از مجلس‌های سعدی تا عزلت‌های مولانا هم بود، یعنی سخن نه برای غلبه، بلکه برای هم‌فهمی.

سخن آخر: گفت‌وگو به مثابه نیت خیر

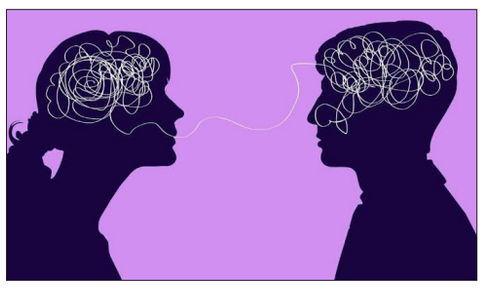

اگر روزی در خیابان یا صفحه‌ای مجازی، کسی به آرامی گفت: «بگذار کمی گوش کنم»، شاید در آن لحظه فصل تازه‌ای در فرهنگ شنیدن آغاز شود.

ما نه نیازمند قانون تازه برای سخن گفتن و نه تریبون‌های بیشتریم. ما امروز به فضای شنیدن متقابل نیاز داریم، به آرامش درک، نه به هیاهوی اثبات. گفت‌وگو، در معنای راستینش، بازگشت انسان به جایگاه شنونده است؛ جایی که معنا به واسطه نیت نیک ساخته می‌شود، نه به دست یک ذهن تنها.

شاید در پس هر کلام روشن، همکاری خاموش چند ذهن باشد. آنجا که معنا نه به دست یک نفر که به وساطت نیت‌های نیک آفریده می‌شود.

در روزگاری که همه در پی شنیده شدن صدای خویش‌اند، باید صدایی آورد که نیت خیر دارد. سخن اگر از نیت خیر نجوشد، هیچ نیست جز پژواک خود.

حذف رسیدهای کاغذی کارت ملی
عرضه نسل جدید کارت‌های ملی از بهار آینده



رئیس سازمان ثبت احوال، درباره وضعیت صدور کارت‌های هوشمند ملی و خدمات الکترونیک هویتی، توضیحاتی داد.

به گزارش «آگاه» محمد جمالو گفت: ۶ دی سال گذشته، سازمان ثبت احوال تعهد تحویل حدود هفت میلیون و ۵۰۰ هزار کارت ملی به متقاضیان را داشت. با تلاش‌های صورت‌گرفته، آمار افرادی که پیش از سال ۱۴۰۵ ثبت‌نام کرده بودند اکنون به کمتر از چهار میلیون نفر کاهش یافته و در حال حاضر حدود سه میلیون و ۷۵۰ هزار نفر از هم‌وطنان ثبت‌نام کرده و دارای رسید هستند.

جمالو تاکید کرد: برنامه‌ریزی سازمان به این سمت است که حداکثر تا پایان زمستان سال جاری، تمامی این بدهی و تعهدات معوق به شهروندان به طور کامل تسویه شود تا شرمندگی ما در قبال مردم شریف رفع شود.

وی با ارائه راهکاری برای شهروندانی که هنوز کارت فیزیکی خود را دریافت نکرده‌اند، گفت: هم‌وطنانی که کارت ملی فیزیکی به همراه ندارند یا کارت آنها هنوز صادر نشده است، می‌توانند از طریق سامانه ثبت احوال موسوم به سامانه سهیم (سامانه هویت یکتای من) و بخش کیف هویت من، نسخه دیجیتال مدارک هویتی خود را دریافت کنند.

جمالو با تشریح کارکرد این ابزار افزود: در سامانه سهیم گستره وسیعی از خدمات، از بدو تولد تا انحصار وراثت، ارائه می‌شود. در گام نخست، بخش کیف هویت من به‌عنوان یک کیف پول هویتی طراحی شده است تا شهروندان بتوانند اسناد هویتی خود را همیشه روی تلفن همراه داشته باشند. این مدرک صرفا یک تصویر یا کپی ساده نیست، بلکه سندی با امضای الکترونیک معتبر و ساین شده است که در دسترس دستگاه‌های اجرایی نیز قرار دارد. کارشناسان در نظام بانکی، دستگاه‌های اجرایی و مجموعه‌های آموزشی دقیقا همین سند را مشاهده می‌کنند و این مدرک کاملا قابلیت استناد قانونی دارد.

معاون وزیر کشور ادامه داد: افرادی که رسید درخواست کارت ملی در دست دارند، با ثبت و فعال‌سازی این مدرک در کیف هویت من، دیگر نیازی به حمل رسید کاغذی نخواهند داشت؛ چراکه دستگاه‌های اجرایی تنها به کد رهگیری مندرج در آن رسید نیاز دارند و نمایش این سند دیجیتال همراه با شناسنامه، فرآیند احراز هویت و دریافت خدمات را به طور کامل تکمیل می‌کند.

وی ادامه داد: هرچند در ابتدای اجرای هر طرح نو ممکن است با برخی خطاهای مقطعی یا کج سلیقگی‌ها روبه‌رو شویم، اما رویکرد ما این است که اگر شهروندی مدرک هویتی فیزیکی همراه نداشت، از آنجا که تصویر چهره، اثرانگشت و مشخصات سجلی او در پایگاه داده متقن ثبت احوال موجود است و کیف هویت دیجیتال را در تلفن همراه دارد، بتواند به سهولت خدمت دریافت کند. این موضوع پس از ابلاغ رسمی، با نظارت میدانی و بررسی گزارش‌های مردمی پیگیری خواهد شد و انتظار داریم در سال آینده شاهد جهش و تحولی بنیادین در حوزه احراز هویت در کشور باشیم.

رئیس سازمان ثبت احوال کشور با اشاره به زیرساخت‌های فناورانه موجود گفت: معماری مورد نیاز برای احراز هویت هوشمند و دیجیتال به طور کامل پیاده‌سازی شده است. هم‌اکنون اتصال ثبت احوال از طریق درگاه خدمات دولت (GSBI) با تمامی دستگاه‌ها برقرار است و هیچ مانع فنی در این مسیر وجود ندارد. بسیاری از بانک‌ها، به‌ویژه بانک‌های خصوصی، مایل و پیشگام هستند تا فرآیند ارائه خدمات به مشتریان را بدون نیاز به ارائه فیزیکی اسناد هویتی آغاز کنند. این سازوکار به زودی به طور فراگیر و سراسری به جامعه ارائه خواهد شد.

جمالو در واکنش به مباحث مطرح‌شده پیرامون امنیت اطلاعات سجلی و شائبه همکاری با شرکت‌های واسط برای برون‌سپاری خدمات تصریح کرد: سازمان ثبت احوال یک نهاد حاکمیتی کهن و ریشه‌دار است که از سوم دی ۱۲۹۷، یعنی بیش از ۱۰۷ سال، در حال ارائه خدمت به مردم ایران است. در طول بیش از یک قرن فعالیت، ساختارها و لایه‌های حفاظتی این سازمان به درستی بنا نهاده شده و هیچ داده‌ای از مجموعه ثبت احوال کشور خارج نمی‌شود.

جمالو گفت: تمام تلاش ما بر این است که ظرف دو ماه آینده و تا پایان فصل زمستان، تمامی درخواست‌های معوق کارت ملی به متقاضیان تحویل داده شود تا بدهی سازمان به هم‌وطنان خاتمه یابد. همچنین از بهار سال ۱۴۰۶، توزیع نسل جدید کارت‌های هوشمند ملی در کشور آغاز خواهد شد.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
روزنامه ۶۹۹
آگاه
آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست
سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ
خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۰۲۱-۹۲۰۰۴۷۱۶ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

چهارشنبه
۴ آذر ماه ۱۴۰۵
۱۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ | ۲۵ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۵:۱۸
اذان ظهر	۱۱:۵۰
اذان مغرب	۱۷:۱۴
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۶

چرا گرفتگی عضلات پا در زمستان نگران‌کننده‌تر می‌شود؟

در فصل زمستان پاها سردتر از حد معمول احساس می‌شوند، انگشتان پا دیرتر گرم می‌شوند و گرفتگی ناگهانی پا می‌تواند خواب را مختل کند. اکثر مردم کاهش دما را مقصر می‌دانند، جوراب‌های ضخیم‌تری می‌پوشند و به راه خود ادامه می‌دهند. اما آیا با همین راه حل همه چیز را باید تمام شده دانست؟

هوای سرد باعث تنگ شدن رگ‌های خونی نزدیک پوست می‌شود و به بدن کمک می‌کند تا گرما را حفظ کند. اما سردی مداوم پاها، گرفتگی یا درد مکرر هنگام راه رفتن، نیاز به توجه دقیق‌تری دارند. این اتفاق گاهی اوقات می‌توانند نشان دهنده بیماری شریان محیطی (PAD) باشد، وضعیتی که در آن شریان‌های تنگ شده جریان خون به پاها را کاهش می‌دهند. نگرانی صرفا پاهای دردناک نیست. گردش خون ضعیف گاهی اوقات می‌تواند هشدار اولیه‌ای برای بیماری قلبی عروقی گسترده‌تر باشد.

دمای پایین هوا به طور طبیعی رگ‌های خونی، به ویژه رگ‌های نزدیک به پوست را تنگ می‌کند. این فرآیند که انقباض عروق نامیده می‌شود، به بدن کمک می‌کند تا گرما را حفظ کند. با این حال، کسی که از قبل رگ‌هایش تنگ شده است، ممکن است ناراحتی قابل توجهی را تجربه کند. هوای سرد باعث می‌شود رگ‌های پا سفت شوند تا گرمای بدن را حفظ کنند، که برای یک فرد سالم طبیعی است و به نظر مشکل چندانی ایجاد نمی‌کند. در تصلب شرایین، رسوبات چربی در داخل رگ‌های سراسر بدن، از جمله رگ‌های پاها و قلب، تجمع می‌یابند. آترواسکلروز به‌تدریج ایجاد می‌شود. با گذشت زمان، این رسوبات چربی جریان خون را محدود می‌کنند و می‌توانند خطر حمله قلبی و سکته مغزی را افزایش دهند.

چه زمانی سردی پا و گرفتگی عضلات نشانه هشدار هستند؟

یکی از علائم مهم، درد پا است که هنگام راه رفتن ظاهر می‌شود و پس از استراحت فروکش می‌کند. پزشکان به آن لنگیدن متناوب می‌گویند. این اتفاق می‌افتد زیرا عضلات در حال فعالیت؛ خون سرشار از اکسیژن کافی دریافت نمی‌کنند. سایر علائم هشداردهنده عبارتند از:

- یک پا به طور قابل توجهی سردتر از پای دیگر احساس می‌شود.
- رنگ پریدگی، کبودی یا تغییر رنگ پاها.
- بی‌حسی، سوزن سوزن شدن یا ضعف در پاها.
- درد در پاها حتی هنگام استراحت.
- زخم‌هایی روی انگشتان پا یا پاها که به آرامی بهبود می‌یابند.

راهکارهایی برای حفظ سلامت پاها و حفظ گردش خون



برای حفظ و مراقبت از سلامت پاهای خود در ماه‌های زمستان، آنها را گرم و خشک نگهدارید. رعایت این مسئله کمک می‌کند تا کمتر در معرض ناراحتی یا آسیب‌های پوستی قرار بگیرید؛ گرم و خشک نگهداشتن پا همچنین باعث بهبود گردش خون در سراسر بدن شده و خطر بروز مشکلات گردش خون در پاها را کاهش می‌دهد.

برای حفظ سلامت پا و پیشگیری از گرفتگی و عوامل تاثیرگذار در سلامت پا رعایت این نکات در زمستان ضروری است:

- استفاده از جوراب‌های پشمی یا جاذب رطوبت برای حفظ گرما.
- اجتناب از پوشیدن کفش‌های تنگ که گردش خون را محدود می‌کنند.
- انتخاب کفش‌های عایق و ضد آب برای استفاده در فضای باز.
- خشک کردن کامل پاها پس از قرارگرفتن در معرض باران یا برف.
- اهمیت ورزش برای بهبود گردش خون در پا.

برای بهبود گردش خون، فعال بمانید. ماه‌های سرد سال ممکن است باعث کاهش تحرک شما شده و در نتیجه منجر به کاهش گردش خون در بدن و خشکی مفاصل پا و مچ پا شوند. ورزش منظم باعث حفظ انعطاف پذیری مفاصل می‌شود که این امر به جریان خون سالم کمک می‌کند. به طور معمول فعالیت‌های حرکتی آسان و روزمره برای حفظ گردش خون خوب و مفاصل سالم، از جمله انجام حرکات دایره‌ای مچ پا، حرکات کششی ملایم یا پیاده‌روی کوتاه در داخل خانه برای حفظ تحرک و انعطاف پذیری در طول مراقبت از پا در زمستان، توصیه می‌شود. ورزش به ویژه برای افرادی که باید در ماه‌های زمستان برای مدت طولانی بی تحرک هستند، بسیار حیاتی است.



طبیعت پاییزی حاشیه زاینده‌رود-باغ بهادران

باغبادران با نام رسمی باغ بهادران، شهری از توابع شهرستان لنجان در استان اصفهان است که در جنوب غربی استان و مسیر جاده اصفهان-شهرکرد قرار دارد. شهر در فاصله ۶۸ کیلومتری شهر اصفهان واقع شده. این شهر به خاطر قرار گرفتن در ساحل زاینده‌رود آب و هوایی معتدل و لطیف دارد و در روزهای تعطیل پذیرای بسیاری از مهمانان از شهرهای دیگر است. با فرارسیدن پاییز، طبیعت این منطقه چهره‌ای متفاوت به خود می‌گیرد و درختان با رنگ‌های زرد، نارنجی و قهوه‌ای، چشم‌اندازهای پاییزی متفاوتی را به نمایش می‌گذارند.

عکس: عادل شیرانی / ایسنا

ویژگی جدید «کلود» برای بررسی و اصلاح کد، رونمایی شد

شرکت «آنتروپیک» از راه‌اندازی مجموعه‌ای از عوامل هوش مصنوعی خبر داد که تغییرات کد را بررسی، اصلاح و تایید می‌کنند.

شرکت «آنتروپیک» در حال گذار از مرحله‌ای است که در آن هوش مصنوعی «کلود» صرفا کد می نویسد و به مرحله‌ای می‌رسد که به توسعه دهندگان کمک کند تا تشخیص دهند چه زمانی کد برای عرضه آماده است.

به نقل از تک‌کرانچ، این شرکت هوش مصنوعی از راه‌اندازی «کلود شیپ» خبر داد که مجموعه‌ای از عوامل هوش مصنوعی برای خودکارسازی بررسی کد، رفع مشکلات و تایید تغییرات معمول کد است. بخش دوم، جنبه جذاب‌تر این مجموعه عوامل جدید است، زیرا عوامل برنامه نویسی مبتنی بر هوش مصنوعی پیش از این نیز قابلیت‌های بازبینی کد را ارائه می‌دادند. ویژگی قابل توجه کلود شیپ تنها این نیست که می‌تواند تغییرات پیشنهادی کد را مورد بررسی قرار دهد و مشکلات موجود را شناسایی و برطرف کند؛ بلکه شامل عاملی است که براساس سیاست‌های تعیین شده توسط گروه توسعه می‌تواند تغییرات کد را به صورت خودکار تایید کند. این عرضه در زمانی صورت می‌گیرد که عوامل هوش مصنوعی کد نویس در تولید حجم قابل توجهی از کد روزبه روز توانمندتر شده اند؛ امری که به ایجاد گلوگاه‌هایی در فرآیند بازبینی و تایید تغییرات کد پیش از استقرار نهایی آنها انجامیده است. هدف از ارائه کلود شیپ این است که بخش‌های بیشتری از فعالیت‌های فرآیند توسعه را خودکارسازی کند؛ بدین صورت که اختیار تایید تغییرات عملا به خود عامل هوش مصنوعی واگذار می‌شود. کلود شیپ برای «گیت‌هاب» در طرح‌های Team و Enterprise در حال عرضه است.

سبک زندگی

چطور کره را برای مدت طولانی تازه نگه داریم؟

کره یکی از اقلام اساسی در آشپزخانه است که می تواند بحث‌های تعجب آوری را برانگیزد: آیا باید در یخچال نگهداری شود یا روی پیشخوان آشپزخانه؟ آیا کره نمکی ماندگاری بیشتری نسبت به کره بدون نمک دارد؟ و یک بسته کره را تا چه مدت می‌توان نگه داشت، پیش از آنکه زمان دور انداختن آن فرا برسد؟

پاسخ به این پرسش‌ها به نوع کره، نحوه نگهداری آن و اینکه آیا اولویت شما تازگی محصول است یا ایمنی غذایی، بستگی دارد. اگرچه کره در مقایسه با بسیاری از محصولات لبنی دیگر ماندگاری نسبتا طولانی‌تری دارد، اما نگهداری صحیح آن همچنان برای حفظ بهترین طعم و جلوگیری از آلودگی ضروری است.

مدت زمان ماندگاری کره

اینکه کره تا چه مدت تازه می‌ماند، تا حدودی به شور یا بی‌نمک بودن آن بستگی دارد. کره شور نگهداری شده در یخچال باید ظرف ۶ ماه از تاریخ تولید و کره بی‌نمک باید ظرف چهار ماه از تاریخ تولید مصرف شود.

از آنجا که کره ای که خریداری می کنید مدتی را در مسیر حمل و نقل و روی قفسه‌های فروشگاه گذرانده است، حتما تاریخ انقضا (یا بهترین زمان مصرف) درج شده روی بسته‌بندی را بررسی و از دستورالعمل‌های تولیدکننده برای نگهداری آن پیروی کنید.

در مورد نگهداری کره در دمای اتاق، کره (چه شور و چه بی‌نمک) را می‌توان حداکثر به مدت یک تا دو روز در دمای اتاق نگهداری کرد. به‌طور کلی، بهتر است تاریخ انقضای روی بسته‌بندی کره را چک و طبق توصیه‌های تولیدکننده عمل کنید.

بهترین روش نگهداری کره در یخچال

هدف از نگهداری کره در یخچال، محافظت از آن در برابر هوا، نور، رطوبت و آلودگی‌های احتمالی است. کره را در همان بسته‌بندی اصلی‌اش نگه دارید یا آن را به ظرفی با درکاملا هوابند (غیرقابل نفوذ هوا) منتقل کنید. استفاده از ظرف مخصوص کره (کره‌دان) که دارای درباشد نیز می‌تواند به محافظت از آن در برابر نور و هوا کمک کند.

درباره نگهداری کره در یخچال این نکات را رعایت کنید:

- کره را کاملا و محکم بپوشانید: قرار گرفتن در معرض اکسیژن می تواند باعث اکسیداسیون شود که نتیجه آن ایجاد بو و طعم تند و نامطبوع (اصطلاحا «تند شدن» یا فاسد شدن طعم چربی) است. آن را داخل یخچال نگهداری کنید، نه روی در؛ درهای یخچال هنگام باز و بسته شدن دچار نوسانات دما می‌شوند. نگهداری کره در مکانی که به طور مداوم سرد باشد، به حفظ کیفیت آن کمک می‌کند.
- دمای یخچال خود را در چهار درجه سانتی‌گراد یا کمتر نگه دارید: نگهداری مداوم در یخچال، رشد باکتری‌های مضر را کند می‌کند.
- از یک ظرف تمیز استفاده کنید: این کار به جلوگیری از آلودگی متقابل ذرات غذا مانند خرده‌های نان تست، دست‌ها و سایر سطوح کمک می‌کند.
- یک نکته دیگر در مورد نگهداری: کره می‌تواند بوهای غذاهای اطراف را جذب کند. اگر بدون پوشش یا در بسته بندی آسیب دیده باقی بماند، ممکن است بوها و طعم غذاهایی مانند پیاز و سیر را به خود بگیرد، که می‌تواند بر طعم هر چیزی که با آن می‌پزید تاثیر بگذارد یا طعم نان تست کره‌ای شما را عجیب کند.

آیا می‌توان کره را روی پیشخوان آشپزخانه گذاشت؟

مزیت نگهداری کره در فضای باز غیرقابل انکار است: مالیدن آن روی نان شیرینی حلقوی و نان تست بسیار آسان‌تر است. اما آیا این کار ایمن است؟ این بستگی به نوع کره و میزان گرمای آشپزخانه شما دارد.

کره نمکی یا بدون نمک را بیش از یک تا دو روز در دمای اتاق نگهداری نکنید. کره نمکی را که محتوای نمک و سطح رطوبت پایین آن به حفظ آن کمک می‌کند، می‌توانید روی پیشخوان نگه دارید. کره بدون نمک باید در یخچال نگهداری شود.

اگر کره نمکی را روی پیشخوان نگهداری می‌کنید، از ظرف کره یا کوزه دربسته برای محافظت از آن در برابر نور، هوا و آلاینده‌ها استفاده کنید و آن را از منابع گرما و نور مستقیم خورشید دور نگه دارید.

چگونه بفهمیم کره خراب شده است؟

کره تازه باید عطر شیرین و خنثی داشته باشد. اگر بوی ترش، تغییر رنگ قابل مشاهده یا کپک زد، وقت آن است که آن را دور بیندازید. همچنین ممکن است متوجه تغییراتی در طعم یا بوی ناشی از ترشیدگی شوید. قرار گرفتن در معرض اکسیژن، نور و گرما می‌تواند واکنش‌های شیمیایی را ایجاد کند که چربی کره را تجزیه و بوها و طعم‌های ناخوشایندی ایجاد می‌کنند. این بوها می‌توانند تند، تلخ، صابونی یا کهنه باشند.

با این حال، یک تفاوت مهم بین کره‌ای که مقداری از تازگی خود را از دست داده و کره‌ای که خوردن آن خطرناک است، وجود دارد. فساد و تند شدن طعم کره، معمولا با کیفیت آن مرتبط است. از سوی دیگر، باکتری‌های مضر ممکن است در کره وجود داشته باشند بدون آنکه تغییر محسوسی در بو یا ظاهر آن ایجاد کنند. به عبارت دیگر، کره‌ای که ظاهر و بوی سالمی دارد، لزوما عاری از عوامل بیماری‌زا نیست.

به همین دلیل است که نگهداری صحیح در یخچال و رعایت بهداشت هنگام کار با کره اهمیت دارد؛ به‌ویژه برای افرادی که بیشتر در معرض خطر بیماری‌های ناشی از مواد غذایی هستند، از جمله کودکان خردسال، سالمندان، زنان باردار و کسانی که سیستم ایمنی ضعیفی دارند. در نهایت، بسته‌بندی مناسب کره، نگهداری آن در یخچال (در صورت لزوم) و محافظت از آن در برابر آلودگی، کمک می‌کند تا طعم و کیفیت کره تا حد امکان حفظ شود.

آیا می‌توان کره را منجمد کرد؟

بله، می‌توانید کره را منجمد کنید. انجماد روشی مناسب برای افزایش ماندگاری کره است. کره را در بسته بندی اصلی‌اش نگه دارید و جعبه آن را درون یک کیسه فریزر پلاستیکی قرار دهید؛ این کار لایه محافظ دیگری در برابر رطوبت و هوا ایجاد می‌کند. تاریخ خرید یا تاریخ قرار دادن در فریزر را روی کیسه یادداشت کنید تا به‌راحتی بتوانید مدت‌زمان فریزشدن آن را پیگیری کنید. برای حفظ بهترین کیفیت، کره فریزشده را طی ۶ تا ۹ ماه مصرف کنید. انجماد، رشد باکتری‌های مضر را متوقف می‌کند، اما لزوما آنها را از بین نمی‌برد. به همین دلیل، رعایت اصول صحیح نگهداری و جابه‌جایی، حتی پس از فریز کردن کره نیز اهمیت دارد.



آب و هوا

ورود سامانه بارشی به کشور

رئیس مرکز ملی پیش بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا از ورود سامانه بارشی به شمال غرب کشور از امروز چهارشنبه (چهارم آذر) خبر داد و گفت: بارش باران در بخش‌هایی از شمال و شمال غرب کشور آغاز می‌شود و پنج شنبه (پنجم آذر) با کاهش محسوس دما در نیمه شرقی دریای خزر و شمال شرق، بارش در مناطق مرتفع و سردسیر به شکل برف خواهد بود.

صادق ضیاییان با اشاره به پیش بینی کلی بر اساس نقشه‌های همدیدی و آینده نگری اظهار کرد: امروز چهارشنبه (چهارم آذر) با ورود سامانه بارشی از شمال غرب کشور، به‌تدریج در استان‌های آذربایجان غربی، نیمه شمالی آذربایجان شرقی، اردبیل، گیلان، مازندران، گلستان، شمال خراسان شمالی و ارتفاعات شمال شرق تهران بارش باران رخ خواهد داد.

به گفته رئیس مرکز ملی پیش بینی و مدیریت بحران، مخاطرات وضع هوا پنج شنبه (پنجم آذر) در نیمه شرقی دریای خزر و شمال شرق کشور بارش پراکنده و کاهش محسوس دما پیش بینی می‌شود. بارش در مناطق مرتفع و سردسیر به صورت برف خواهد بود. ضیاییان اضافه کرد: جمعه و شنبه (۶ و ۷ آذر) در اغلب مناطق کشور آسمانی صاف و جوی آرام خواهیم داشت.

#تجربه_کردم

آدم‌های فراوونی رو دیده‌م که شفا...
یا خواسته‌های بسیار بزرگ و نشدنی‌شون رو در «دعا» از خدا گرفته‌ن.
متوجه شدم که اون‌ها هم مثل ما مدام به خدا «گفته‌ن»...
اما شفا یا تامین خواسته‌هاشون فقط در «یه لحظه» رخ داده...
لحظه‌ای که (با ناامیدی کامل از همه آدم‌ها و وسایل)، با «التجا» به خدا گفته‌ن:
دیگه کار خودته فقط!

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

نوشیدن آب‌میوه‌های طبیعی به کاهش کلسترول کمک می‌کند

اگر سعی دارید کلسترول را کاهش دهید، غذاهایی که می‌خورید و همچنین آنچه می‌نوشید، مهم هستند.

به نقل از ایتینگ ول، انجمن قلب آمریکا خوردن چهار وعده میوه و پنج وعده سبزیجات در روز را به عنوان بخشی از یک رژیم غذایی سالم برای قلب توصیه می‌کند. در حالی که آب‌میوه‌ها و سبزیجات می‌توانند به شما در رسیدن به این اهداف کمک کنند، میوه‌ها و سبزیجات کامل هنوز هم باید اولویت مصرف شما باشند؛ زیرا خوردن آنها به شکل کامل فیبر بیشتری را فراهم می‌کند، که یک ماده مغذی کلیدی برای حمایت از سطح کلسترول سالم است.

گفته می‌شود، برخی آب‌میوه‌ها هنوز هم می‌توانند جایگاهی در رژیم غذایی سالم برای قلب داشته باشند. آب‌میوه‌های موجود در این لیست حاوی ترکیبات گیاهی مفیدی هستند که به حفظ سطح کلسترول سالم کمک می‌کنند. بر اساس تحقیقات و گزارش متخصصان تغذیه، به برخی از بهترین آب‌میوه‌ها برای کاهش کلسترول اشاره می‌شود:

۱.آب پرتقال: آب پرتقال یک وعده اصلی صبحانه است که ممکن است به قلب نیز کمک کند. کولا مادکین، متخصص تغذیه، می‌گوید: «برخی از مطالعات طولانی مدت نشان می‌دهد که مصرف آب پرتقال ممکن است به کاهش کلسترول کل و کلسترول بد LDL کمک کند، در حالی که سطح فولات و ویتامین C را نیز بهبود می‌بخشد.»

۲.آب آلو: مگی مون، متخصص تغذیه، خاطرنشان می‌کند: «آب آلو در کاهش کلسترول LDL هم برای افراد سالم و هم برای کسانی که کلسترول بالا دارند، مفید بوده است.» به گفته مون: «آب آلو به دلیل محتوای فیبر محلول و سوربیتول می‌تواند به حرکات منظم روده کمک کند، که ممکن است به طور غیرمستقیم برای سلامت قلب و عروق با حمایت از دفع اسید صفراوی و متابولیسم کلسترول مفید باشد.»

۳.آب چغندر: چغندر یک سبزی ریشه‌ای با مواد مغذی است و آب چغندر راهی آسان برای گنجاندن بیشتر این ماده خاکی در رژیم غذایی است. حتی ممکن است به بهبود سطح کلسترول کمک کند. آب چغندر حاوی ترکیبات گیاهی از جمله پلی فنول‌ها، فلاونوئیدها، نیترات‌ها و بتالین است. مادکین می‌گوید: «آب چغندر حاوی مواد مغذی گیاهی از جمله بتانین است که ممکن است با کاهش کلسترول بد LDL به حمایت از کلسترول سالم‌تر کمک کند.»

۴.آب گوجه فرنگی: آب گوجه فرنگی گزینه دیگری است که در صدر لیست کاهش بالقوه کلسترول قرار دارد. مارتین می‌گوید: «آب گوجه فرنگی یک انتخاب قوی برای سلامت قلب است زیرا سرشار از لیکوپن است، یک آنتی‌اکسیدان که به دلیل پتانسیل آن برای کمک به کاهش کلسترول LDL و به طور کلی پروفایل‌های چربی سالم‌تر مورد مطالعه قرار گرفته است. لیکوپن به کاهش التهاب کمک می‌کند و وزن‌هایی را در کبد هدف قرار می‌دهد که به کاهش کلسترول کمک می‌کنند.»

۵.آب آلبالو ترش: آب آلبالو ترش به دلیل محتوای آنتی اکسیدانی غنی‌اش شناخته شده است. آب آلبالو حاوی ترکیبی غلیظ از آنتوسیانین‌ها و سایر پلی فنول‌ها است که نشان داده شده است به کاهش استرس اکسیداتیو و التهاب کمک می‌کند. در واقع، برخی تحقیقات آب آلبالو را با سطوح بالاتر کلسترول خوب HDL و سطوح پایین‌تر کلسترول بد LDL مرتبط دانسته‌اند. محققان توصیه می‌کنند هنگام انتخاب آب میوه، به دنبال آب میوه یا سبزیجات صددرصد بدون قند اضافه باشید یا خودتان در خانه تهیه کنید. همان طور که گفته شد، آب میوه بهتر است برای تکمیل یک رژیم غذایی متعادل استفاده شود، نه جایگزین میوه‌ها و سبزیجات کامل.



چگونه با اضطراب رانندگی خداحافظی کنیم؟



ترس از تصادف، تپش قلب و نگرانی پشت فرمان، از نشانه‌های اضطراب رانندگی هستند که با تمرین تدریجی، شروع از مسیرهای ساده و تقویت اعتماد به نفس می‌توان این ترس را مدیریت کرد.

اضطراب رانندگی می‌تواند با ترس از تصادف، نگرانی پشت فرمان و کاهش اعتماد به نفس همراه باشد. شناخت علائم و محرک‌های این اضطراب و تمرین تدریجی می‌تواند به مدیریت آن کمک کند.

علائم و رفتارهای شایع

تپش قلب، تعریق و لرزش دست‌ها، ترس از رانندگی در بزرگراه، پل یا شب، بررسی مکرر آینه‌ها و اطراف خودرو، نگرانی از تصادف یا اشتباه هنگام رانندگی و احساس تنش پیش از نشستن پشت فرمان، از علائم و رفتارهای شایع اضطراب رانندگی هستند.

علائم و محرک‌های اصلی

تجربه یا مشاهده تصادف، اضطراب شدید یا حملات پانیک، تجربه‌های تلخ و آسیب‌های روانی گذشته، ترس از دست دادن کنترل خودرو، بی‌تجربگی و اعتماد به نفس پایین، کمال‌گرایی و نگرانی بیش از حد از خطر و اشتباه، از علائم و محرک‌های اصلی اضطراب رانندگی به شمار می‌روند.

راهکارهای مهار ترس

شروع تدریجی و تمرین با مسیرهای کوتاه و کم‌ترافیک، مواجهه گام به گام و پیشرفت آرام در موقعیت‌های دشوارتر، تمرین تنفس آرام پیش از رانندگی، جایگزینی نگرانی‌های فاجعه‌ساز با ارزیابی واقع‌بینانه، تمرین تدریجی به جای کنار گذاشتن کامل رانندگی، دریافت کمک تخصصی در صورت تداوم اضطراب و توقف در محل امن هنگام اختلال در تمرکز، از راهکارهای مهار ترس از رانندگی هستند. اضطراب رانندگی با شناخت علائم، تمرین تدریجی و پرهیز از کنار گذاشتن کامل رانندگی قابل مدیریت است. در صورت تداوم اضطراب یا اختلال در تمرکز، دریافت کمک تخصصی می‌تواند به کاهش ترس و افزایش اعتماد به نفس پشت فرمان کمک کند.